

مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

(۶۱)

۱

شماره

فروردین - اردیبهشت سال ۱۳۵۲

فهرست مقالات

صفحه	مؤلف	عنوان
۶ - ۳	<u>هیئت تحریریه مجله</u>	پیروزی خلق ها و شکست امپریالیسم
۱۲ - ۷	" " "	نیروی اتحاد
۲۸ - ۱۳	<u>پیوتر د میچف</u> عضو مشاور پیروزی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شسوروی	سوسیالیسم رشد یافته مرحله ایست در راه نیل به کمونیسم
۳۹ - ۳۶	<u>آلبرت نوردرن</u> عضو پیروزی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان	برنامه آزادی جامعه بشری (بمناسبت ۱۲۵ مین سال انتشار مانیفست حزب کمونیست)
۴۷ - ۴۰	<u>ولادیمیر اوسپیف</u>	مجله " پروپام اف کمونیسم " چه مسائلی را بررسی میکند
۵۲ - ۴۸	<u>میگله روسی</u> عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا	دولت سانتریست راست باید برکنار شود
۵۱ - ۵۳		برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری
۷۰		پژوهش جمعی اثر نامی لنین : " د تاکتیک سوسیال د موکراسی د انقلاب د موکراتیک "
۷۸ - ۶۱	<u>گروه پژوهشی</u>	د موکراسی پیگیر و چگونگی تحول و تبدیل آن به سوسیالیسم

پیروزی خلق‌ها و شکست امپریالیسم

مردم ویتنام به پیروزی تاریخی رسیدند. این پیروزی از آن تمام‌نیروهای هوادار صلح و سوسیالیسم، جنبش آزاد بیختر ملی و دموکراتیک است. ماشین جنگی آمریکا که نیرومندترین ماشین جنگی جهان امپریالیستی است نتوانست اراده خلق‌های را که برای احراز حق تعیین مستقل سرنوشت خویش به پیکار حیات و مرگ برخاسته بودند، درهم شکند. جمهوری دموکراتیک ویتنام، نخستین کشور سوسیالیستی در منطقه آسیای جنوب شرقی و نیروهای آزاد بیختر ویتنام جنوبی تنها جم‌متجاوزان و مزدوران آنان را شایستگی دفع کردند.

سلاح‌های گسترار جمعی در چنان مقیاس و با چنان شدتی علیه ویتنام بکار رفت که در تاریخ جنگ‌ها نظیرنداشت، ولی ویتنام در برابر تمام این حملات پای فشرده و پیروز شد. هواپیماهای آمریکایی بیش از ۷ میلیون تن بمب برخاک ویتنام فروریختند و شهرها و دهات، سد‌ها و راه‌ها، مدارس و بیمارستان‌های جمهوری دموکراتیک ویتنام را طبق نقشه بی‌درین با خاک یکمان ساختند. نیروهای آمریکایی در جنوب کشور انواع نوظهور اسلحه‌های حامل مواد سمی و شیمیایی، سلاح‌های جنگ بیولوژیک، بمب‌های "دولیان‌ت" (ناپودکننده نباتات)، ناپالم و بمب‌های ساچمه‌ای در مقیاس وسیع بکار بردند. تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه کشور سوسیالیستی حاکم بر حقوق، خویش و علیه نیروهای آزاد بیختر ملی بیک جنگ بنیاد برانداز بدل گردید و به زنان و کودکان و پیران سالخورده نیز ابقا نکرد.

تجاوز جنگی آمریکا برای مردم آمریکا نیز به بهای قربانی‌های سنگین تمام شد. بموجب آمارهای رسمی واشنگتن در میلیون و پانصد هزار آمریکایی از کشتار گناه ویتنام گذشتند و بیش از ۵۰ هزار تن آنان در زمین و آسمان ویتنام به‌هلاکت رسیدند.

اینک جهانیان علیه امپریالیسم ادعای نام‌محکوم‌کننده‌ای در دست دارند که مطوران با خونی که در این جنگ کثیف ریخته شد نوشته شده است. گناهان سنگین محافظ نظامی آمریکا و انحصارات و رجا سیاسی مسؤل و حشیرگی امپریالیستی را در هندی و چین هیچ چیز تخفیف نخواهد داد. تبهکاری متجاوزانی که حتی در آستان صلح سرزمین جمهوری دموکراتیک ویتنام را با دامنشی بی‌سابقه از آماج بمب‌های خود قرار دادند هیچ توجیهی نداشته و نخواهد داشت. وجدان جامعه بشری در قبال رژیستی چنین خونخوار و بیرحم در طغیان است.

امپریالیسم با این جنگ تبهکارانه خشم و انزجار جهانیان را علیه خود برانگیخته است. ولی محافظ اجتماعی جهان تنها به تقبیح احساسی این تجاوز سوا و شکست خوردن بسنده نمیکنند. پایان جنگ تحلیل مجدد درویداد‌های ناشی از آن و گرایش‌های عام دوران ما را ضرور میسازد.

از پیروزی خلق ویتنام و شکست مداخله جنگی امپریالیسم نتایج بسیار جدی بدست میآید .
مهمترین درس جنگ ویتنام اثبات مجدد اصل شکست ناپذیری خلق است که برخورد از
 ازیشتیانی جهان سوسیالیسم و تمام نیروهای ترقیخواه برای دفاع از حقوق ملی و ستاوردهای
 اجتماعی خود درقبال سوؤ قصد های امپریالیسم جان درکف مینهد و با آگاهی عمیق به پیکار
 برمیخیزد .

جرات و شجاعت ، دلاوری و ایثار خلق ویتنام از مین پرستی عمیق و درنگ روشن هدف های
 پیکار آزاد بیختر منشا میگیرد . این مین پرستی و این درنگ روشن هدف عامل سیاسی و روانسی
 نیرومند و سلاح ظرافرینی است که متجاوزان و زمامتارم زرداخانه عربخ و طویل خود نتوانست چیزی بسرای
 عرضه در برابر آن بیابد .

حزب زحمتکشان ویتنام و کمیته مرکزی آن وجهه آزادی ملی ویتنام جنوبی با نامین وحدت
 پیکار جوانانه خلق درقبال تجاوز امپریالیستی نقش عظیم ایفا کردند . احزاب کمونیست و کارگری برای
 رهبری عالی سیاسی و ایدئولوژیک و سازمانگری آنان در جنبه و پشت جبهه که موجبات قهرمانی
 همگانی تودها را فراهم ساخت ، برای سیاست داخلی و خارجی آنان ، برای اقدامات جنگی و
 سیاسی و دیپلماتیک پیکری که نغمتها در دفاع از حقوق ملی مردم ویتنام بلکه ایضا در دفاع از منافع
 تمام نیروهای هوادار صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی انجام گرفت ، احترام عمیق قائلند .

جمهوری دموکراتیک ویتنام تحت رهبری حزب زحمتکشان ویتنام که مین پرست و انترناسیونال
 لیست کیبری چون هوشی مین آنرا پرورده است از آزمايش های صعب جنگ سر بلند بیرون آمد .
 قهرمانی این جمهوری سوسیالیستی خلعت واقعا تودهای عام داشت . مقاومت در برابر متجاوز
 یکبار دیگر نشان داد که سوسیالیسم از وحدت خلق نیروی شکست ناپذیری پدید میآورد که میتواند
 در برابر شدیدترین تهاجم ارتجاع امپریالیستی ایستادگی کند و کامیاب شود .

مین پرستان ویتنام جنوبی نیز در پیکار آزاد بیختر به کامیابی های جدی نائل آمده اند .
 جبهه آزادی ملی و دولت انقلابی موقت که در آتش این پیکار پدید آمد امروز نیروی سیاسی متنفسند
 و مورد قبول همگان را در ویتنام جنوبی تشکیل میدهد . امپریالیسم امریکا و دارودسته سایگونی
 مجبورند این نیرو را بمتابه عاملی که در تعیین سرنوشت آینده کشور تاثیر واقعی و عمیق دارد بحساب
 آورند .

درس دیگری جنگ آنستکه اهمیت فوق العاده وحدت بین المللی و همبستگی تمام نیرو
 های ضد امپریالیستی را برای سرنوشت صلح بنحو مفتح ثابت کرد .

تاریخ مقاومت قهرمانانه خلق ویتنام در برابر تخط و زودفع آن در عین حال تاریخ پشتیبانی
 انترناسیونالیستی همه جانبه است که کشورها و ملل سیستم سوسیالیستی از آن بعمل آوردند .
 کفنه های معنوی ، سیاسی ، اقتصادی و نظامی آنان در پیروزی بر مداخله گران امپریالیست در
 ویتنام جنوبی تاثیر مستقیم داشت . دولت های جامعه کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست
 آنان پشتیبانی از خلق ویتنام برادر رودفع تجاوز و محو کانون جنگ در هند و چین راهواره یکی از
 وظائف اساسی سیاست خارجی خود تلقی میکردند . پیروزی در ویتنام کامیابی بین المللی مهم
 اتحاد شوروی و مجموعه سیستم سوسیالیستی است .

طی سالهای طولانی جنگ افراد پیرو نظریات و معتقدات بکلی گوناگون در صفوف جنبش
 واقعا جهانی همبستگی با ویتنام مبارز شرکت کردند . عاملی که آنها را بیکدیگر پیوند میداد عزم
 مشترک آنان برای پایان دادن به راهزنی امپریالیسم و قطع اهانت به اصول استقلال ملی بود .

بهرچشم این جنبش شعارساده ای نقش است که برای هر انسان شریف مفهوم است: صلح، آزادی و پیشرفت اجتماعی.

نیروهای دموکراتیک و صلحدوست ضد امپریالیستی با جنبش پیگیر خود در راه همبستگی با خلق دلاور ویتنام با ایجاد محیط انفراد و جدائی کامل متجاوز در صحنه بین المللی کمک کردند. نماینده واشنگتن سند موافقتنامه آتش بس را در محیطی امضا کرد که حتی دول برخی از کشورهای پوزروائی با توجه به روحیات عمومی خلق های جهان مجبور شدند سیاست امریکارا در هندی و چین صریحا محکوم کنند.

در خود امریکا اعتراض دامنه دار علیه جنگ کار را به پیدایش یکی از بزرگترین جنبش های سیاسی توده ها در سراسر تاریخ کشور منجر ساخت. فشار آنها بر محافل حاکمه امپریالیستی در مبارزه جهانی برای قطع تجاوز امریکا نقش مهم بازی کرد.

احزاب کمونیست و کارگری همیشه در صف اول جنبش همبستگی با ویتنام قرار داشتند. این احزاب به پیروی از اصول انترناسیونالیسم پرولتری پیکار قهرمانانه خلق ویتنام را امرحیاتی خود تلقی میکردند. کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ پیام بسیج گری تحسنت عنوان: "استقلال، آزادی و صلح به ویتنام!" خطاب به تمام مردم پاك نیت صادر کرد. این دعوت پرشور سیلی از نیروهای جدید بسوی جنبش ضد امپریالیستی خلق ها جاری ساخت. خواسته هایی که کمونیست ها در این سند مطرح ساخته بودند به برنامه واقعی عمل جنبه جهانی دموکراتیک مبارزه علیه تجاوز امریکا بدل گردید. احزاب کمونیست و کارگری را بحق میتوان خالق فعال پیروزی بر امپریالیسم در ویتنام بشمار آورد.

زندگی صحت نتیجه گیری زیرین شرکت کنندگان کنفرانس سال ۱۹۶۹ را تایید کرد:

"هر اندازه که وحدت و پیوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی در مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم محکمتر باشد کامیابی های آنان بیشتر خواهد بود". پیروزی نیروهای هوادار سوسیالیسم و استقلال ملی در ویتنام بنحوقتی نشان میدهد که هر اندازه که احزاب کمونیست و کارگری با قاطعیت بیشتری در راه مبارزه علیه سیاست تحکم و تجاوز امپریالیستی جای میگیرند دامنه جنبش توده های مردم علیه امپریالیسم وسیعتر و ثمرات آن محسوس تر میگردد. نتیجه مسلم دیگری که از جنگ ویتنام بدست میآید آنستکه این جنگ عبث بودن تلاشهای راه امپریالیسم برای حل مسائلی بین المللی از موضع زور بعمل میآورد نشان داد.

حماسه ویتنام بخشی از پیکار جهانی میان سوسیالیسم و امپریالیسم است. فرجام آن گواهدی است بر تغییر اساسی تناسب نیروهای جهانی و نشانه بارزیمت از قدرت روز افزون سوسیالیسم، طبقه کارگر جهان، جنبش آزاد پیختر ملی و تمام نیروهای صلحدوست. قطع جنگ ویتنام گام مهمی است در راه تثبیت بیشتر از پیش اصول و سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو نظام های اجتماعی گوناگون، کامیابی درخشانی است در زمینه گسترش دامنه تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی و نمود اریست از واقع بینی و پیروی از خرد در امر بین المللی. این امر با گرایش های دوران اخیر در جهت کاهش و خاموشی مطابقت دارد و برای مبارزه در راه عادی کردن مجموعه زندگی بین المللی و تأمین صلح پایدار در سراسر جهان امکانات تازه ای فراهم میسازد.

هیچیک از هدف هایی که امپریالیسم امریکا در ویتنام تعقیب میکرد تحقق نیذیرفت و هیچیک از وسایل و شیوه های جنگی، اقتصادی و سیاسی که برای این منظور بکاربرد موثر نیفتاد. استراتژی شدید پله به پله تجاوز و سیاست "ویتنامیزه کردن" یعنی نقشه امریمنی نابودی آسیائی ها بدست آسیائی ها نیز با شکست کامل روبرو شد. در لحظات پایان جنگ با بنیان تجاوز امپریالیستی

علیه امپریالیسم پایان نمی یابد . وخامت وضع خاور نزدیک که امپریالیسم امریکا ومحافل حا کمه اسرائیل آنرا پدید آورده اند ، وپیوسته خطرات فاجار در بر دارد ، سیاست توسعه دلیانه وتجاوز کارانه ایالات متحده در امریکای لاتین ، فعال مایشائی نژاد پرستان که حقوق وشئون انسانی اهالی اصلی افریقا جنوبی را پایمال میسازند وپیداگری های نیروها ن استعمارگر برتقالیسی تشدید وگسترش مبارزه ضد امپریالیستی را ضرور میسازد . امپریالیسم از نقشه های خود که مناطق دیگر جهان را نیز بعملیات تجاوزکارانه تهدید میکند وازدکترین های خود که هدف آنها دمساز کردن سیاستی از نوع " ویتنامیزه کردن " باشرایط یکسلسله از کشورهای ومناطق امریکای لاتین وآسیا و افریقا است دست بردار نیست .

تجاوز اسرائیل به خاک کشورهای عربی که با حمایت امریکا انجام میگردد واستنکاف عنودانه محافل حا کمه اسرائیل از بیرون بردن نیروهای خود از کلبه سرزمین های اشغالی واز اجسرای قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت خطر خاص در بردارد .

ولی وظائف جنبش دموکراتیک وضد امپریالیستی با عقیم گذاردن ماجراجویی های نظامی وجلبوگیری از زورگویی های بی بند وبار در صحنه بین المللی پایان نسیب پذیرد . این وظائف مبارزه علیه هرگونه اشکاب ستمگری واستعمار و در راه تامین حق ملل در تعیین سرنوشت وآزادی را نیز در بر میگیرد . این مبارزه ایست که سر امر جامعه بشری علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم انجام میدهد وجمیع دوستداران صلح ، دموکراسی ، استقلال ملل وبیشرفت اجتماعی را در بر میگیرد .



آشکارا از " صلح محتومانه " و " نجات آبرو " دمبیزند . خود پررید ننتیکمون نیز در آستان املای موافقتنامه پاریس به ضرورت " دستکشیدن از سیاست کهنه و شکست خورده " اعتراف کرد . حال چه اندازه کردار ایالات متحده با این گفتار مطابقت پیدا خواهد کرد مطلبی است که گذشت زمان نشان خواهد داد .

پایان جنگ سی ساله قرن بیستم که محافل نظامی استعمارن ژاپن ، فرانسه و امریکایی پس از دگر دی نیال آنرا گرفتند بمنابه شکست فاحش ارتجاع جهانی در تاریخ به ثبت خواهد رسید . در آردگاه ویتنام نه تنها بر امریکای بلکه بر مجموعه امپریالیسم ضربت نیرومند وارد آمد .

تاریخ حوادث جنگ ویتنام در سر دیگری هم گرفته میشود که ملل جهان نمیتوانند آنرا فراموش کنند . تمام جهانیان دیدند که امپریالیسم امریکای در مرحله نهایی جنگ چگونه راه غدر و پیمان شکنی در پیش گرفت و پس از حصول موافقت اصولی در باره حل و فصل مسالمت آمیز یاد یگر به گسترش دامنه عملیات تجاوزکارانه پرداخت . تنها همین تجربه اخیر نشان میدهد که ساد علو حان است اثر تصور شود که امپریالیسم حتی پس از شکست و اعتراف با آن از هدف های اساسی و بکار بردن شیوه های خطرناک برای نیل بآنهادست خواهد کشید .

امپریالیست های امریکا در جریان جنگ ، نتوانستند یکی از دژهای سوسیالیسم را در قاره آسیا درهم شکنند و راه آزادی و پیشرفت اجتماعی را بروی خلق های هند و چین سد کنند ، آنها نتوانستند جنبه انقلابی آزاد بیختر ملی را سرکوب سازند . تلاشهایی که آنها برای تخریب جنبه جهانی ضد امپریالیستی و تفسیر تئورسیستیروهای جهانی بسود خویش بعضی آوردند با شکست مواجه شد . ولی امپریالیسم بهیچوجه قصد ندارد نقشه های نظامی و سیاسی خویش را در آسیای جنوب شرقی بلکی کسار بگذارد . همین هفته های اول پس از انعقاد صلح در ویتنام نشان میدهد که سیاست امپریالیستی بران استفاده از رژیم ضد ملی دیکتاتوری سایگون هنوز حسابهای دورو دراز دارد . امریکا پایگاههای هوایی خود در تایلند و ناوگان خود را در سواحل ویتنام در حال آبادگی جنگی نگاه میدارد .

در این شرایط ملل هند و چین و تمام نیروهای ضد امپریالیستی مبارزه پیگیر برای اجرای موافقتنامه پاریس و جلوگیری از تجاوز جدید امپریالیسم را وظیفه عمد خود میدانند . ملل جهان میخواهند ویتنام را در صلح و شکوفائی ببینند و همین جهت امکان مساعدی را که برای احیای مسالمت آمیز و موکراتیک ویتنام پیدا آمد با استیجاب خرسندی تلقی میکنند . کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری امروز نیز مانند سالهای جنگ وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانند از امر حق ویتنام ، از دامها ساختن جامعه سوسیالیستی در خاک ویتنام و از کوششهایی که برای تامین پیشروی ویتنام جنوبی در راه دموکراسی و استقلال و وفای و یگانگی ملی بکار سرورود مجدانه پشتیبانی کنند . کشورهای سوسیالیستی عزم راسخ دارند به مردم ویتنام کمک کنند تا شهرها و قصبات خود را از زهرتل ویرانه ها بیرون کشند ، صنایع اترسیم کنند و در محیط صلح و آرامش و کار خلاق به پیشرفت همه جانبه های آیند .

امپریالیست ها اخبار خود را در مورد قبول آتش بس در ویتنام نشانه ان از نیکو کار و خود مت خود جلوه میدهند و این دعوی آنها را با مواضعی و تبلیغات نیست بلکه مانور سیاسی کاملاً تدارک شده ایست برای اغفال جنبش ضد امپریالیستی و خلع سلاح آن . حساب آنها اینست که این جنبش را از اندیشه ها و شعارهایی که همراه با عوامل دیگر به اتحاد آن در مقیاس جهانی کند کرد محروم سازند . خطر نقشه های امپریالیسم در زمینه تخریب وحدت و همبستگی جهانی نیروهای دموکراتیک عیانست و خلق های جهان را به هشیارن دائم و اتخا د و همکاری موظف میدارد . پایان جنگ ویتنام رویداد جهانی بزرگ است ، ولی پایان رویداد البته مبارزه جهانی

برنامه گام مضامنی است در راه تقویت مناسبات اقتصادی کشورهای برادر و همترازی تدریجی سطح رشد اقتصادی و تحکیم قدرت سیستم جهانی سوسیالیسم .

در دوران اخیر در این جهت گامهای مهم برداشته شده است . بیست و ششمین اجلاس شورای تعاون اقتصادی (ژوئیه ۱۹۷۲) انعقاد یک سلسله موافقتنامه های مهم را درباره ویژه کاری (اسپسیالیزاسیون) و همکاری (کنویراسیون) تولیدی و علمی و فنی و تکمیل اشکال و اسلوب های بازرگانی خارجی و روابط ارزی و مالی و مبانی حقوق همکاری که مجموعه آنها به تکوین استرکچر اقتصادی بسیار اثر بخش این کشورها کمک میکند با خرسندی تایید کرد . با تکامل در آمیزی اقتصادی سوسیالیستی برنامه ریزی کشورهای هم که باید یک یگر همکاری میکنند ، خصلت بین المللی بخود میگیرد . کشورهای ناپیغ در چارچوب شورای تعاون اقتصادی از هماهنگی برنامه های پنجساله و برنامه های دراز مدت خود گام فراتر نهاده اند و اکنون به کسار مشترک برای تنظیم این برنامه ها پرداخته اند .

گواه بارز خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی و واقعاً دموکراتیک در آمیزی اقتصادی سوسیالیستی پذیرش بالاتفاق کوبا به شورای تعاون اقتصادی است .

در آمیزی اقتصادی در جهان سوسیالیسم با اتخاذ تصمیمات صوری تحمیل نمیشود ، بلکه ارزیابندی های عینی واقعیت اقتصادی ناشی میگردد و بدین جهت شرایط پیوستن کشورهای مختلف به این جریان با نوسر و انحطاف لازم همراه است .

در های شورای تعاون اقتصادی بروی کشورهای هم که مایلند در فعالیت آن شرکت محدود داشته باشند و یا فقط با مسائل مورد بحث آشنا شوند ، کاملاً باز است . مثلاً یوگوسلاوی اکنون چند سان است (از سال ۱۹۶۴) با ارگانهای شورای تعاون اقتصادی همکاری دارد و هیئت نمایندگی آن در بیست و ششمین اجلاس آن نیز شرکت کرد . نماینده جمهوری توده ای دموکراتیک کره نیز در این اجلاس بعنوان ناظر شرکت داشت .

تحکیم روابط کشورهای شورای تعاون اقتصادی با سایر کشورهای سوسیالیستی بر پایه قانونمندی های تکامل سوسیالیسم جهانی و ویژه بر پایه گرایش عمده آن بسوی بین المللی شدن زندگی اقتصادی و مجموعه حیات اجتماعی استوار است . این امر در آخرین تحلیل برتری اقتصادی کامل نظام اجتماعی سوسیالیستی را بر نظام سرمایه داری چه در زمینه داخلی و چه بین المللی تأمین میکند .

علی سالیان موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم برای روابط سیاسی و دولتی میان کشورهای سوسیالیستی استرکچر باید آریدین آمده است . با مساعی مشترک آنها اسلوب ها و اشکال مضامنی برای ترکیب هماهنگ منابع ملی و بین المللی ، رفع دشواریهایی که پدید میشود و برانداختن تضاد های موجود طرح شده است . تجارب قابل ملاحظه های در زمینه فعالیتها هماهنگ آنان در عرصه بین المللی اندوخته شده است .

فعالیت هماهنگ در زمینه سیاست خارجی جامعه کشورهای سوسیالیستی در کاوش و خاست در اروپا و تثبیت وضع موجود قاره بر پایه حقوق بین المللی تاثیر قاطع داشته است . جلسه مشورتی ۳۴ کشور اروپائی در هلندسینکی بمنظور تدارک کنفرانس گینه کشورهای اروپائی برای حل مسائل امنیت و همکاری نیز دستاورد سیاسی مهم جامعه کشورهای سوسیالیستی است ، زیرا ابتکار دعوت کنفرانس با این کشورها تعلق دارد . همپیوستگی کشورهای برادر عاظمی بود که در مذاکرات میان اتحاد شوروی و امریکاد مسکو و نتایج حاصله آن نقش مهم ایفاء کرد . این نتایج بحق گام مهمی در راه تثبیت اصول سیاست همزیستی و مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی

مذاکرات و ملاقات های دو جانبه و چند جانبه رهبران احزاب مارکسیست - لنینیست کشورهای سوسیالیستی در مواردی که ضرورت وحدت عمل و پدید آیش اوضاع و احوال و وظائف جدید تعاطی افکار و تفویق سریع مشی مشترک را در عرصه بین المللی ایجاب کند ، در زمره همین اشکال بشمار میرود .

دیدارهای سال گذشته هیئتها ی نمایندگی حزبی و دولتی اتحاد شوروی از مجارستان ، بلغارستان از اتحاد شوروی و لهستان و چکوسلواکی ؛ جمهوری ماکدونیان آلمان از بلغارستان ، مجارستان و رومانی ؛ یوگوسلاوی از کوبا ؛ مجارستان از رومانی ؛ کوبا از کشورهای اروپائی عضو شورای تعاون اقتصادی و لهستان از بلغارستان ؛ هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی از جمهوری توده ای ماکدونیان که و غیره پویائی روز افزون و شریکشی مناسبات دو جانبه میان احزاب را نشان میدهد .

دیدار دوستانه رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از یوگوسلاوی (سال ۱۹۷۱) و رفیق پروتیتوریش جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگوسلاوی و صد رجب کمونیست یوگوسلاوی از اتحاد شوروی (سال ۱۹۷۲) در پیشرفت مناسبات اتحاد شوروی و یوگوسلاوی نقش بزرگ ایفاء کرد . توسعه این مناسبات بنحو بارزی نشان میدهد که در صورت وجود حسن نیت و تعاضل به تحکیم روابط فیما بین و تکیه بر عوامل متحد کننده کشورهای سوسیالیستی و پرهیز از مبالغه روی موارد اختلاف نظر و اختلاف موضع گیری بر سر مسائل جدا گانه - به چه نتایج فراوانی میتوان دست یافت .

یکی از اشکال اثربختر تماس های حزبی مشاوره چند جانبه رهبران احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی است . " دیدارهای کریمه " نیز به سنت نیکویی بدل شده است . طی این دیدارها در مسائل های اخیر تبادل نظرهای مهمی پیرامون چگونگی جریان ساختمان سوسیالیسم و توسعه بیشتر از پیش مناسبات برادرانه صورت گرفته است .

بنیان همکاری و وحدت کشورهای سوسیالیستی علاوه بر تماسها ی مستقیم رهبران آنها بوسیله کار روزمره و پیگیری هم که کمونیستها برای رسوخ انترناسیونالیسم پرولتری در حیات اجتماعی کشورهای خود انجام میدهند - استحکام پذیرد . استفاده خلاق و روز بروز وسیعتر از تجربه جمعی ناشی از ساختمان سوسیالیسم خصیصه جالب فعالیت احزاب برادر را تشکیل میدهد . کمونیست های جامعه کشورهای سوسیالیستی بنسبت پنجاهمین سالروز تأسیس اتحاد شوروی فعالیت ایستاد و لویژینک - سیاسی دامنه داری برای تشریح اهمیت بین المللی چگونگی ساختمان دولتی وطنی در نخستین کشور سوسیالیستی و تربیت انترناسیونالیستهای زحمتکشان انجام دادند . نسخ زنده وحدت سوسیالیستی امروز مرکب است از اقدامات هماهنگ برای دفاع از منافع مشترک سوسیالیسم جهانی ، مراعات موازین مناسبات مبتنی بر روابط برابر حقوق که مشترکاً وضع شده است ، وفاداری به اهداف مشترک تصویب شده ، پیروی از سیاست همکاری تعاون و احترام به حق حاکمیت و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای یکدیگر .

ها ، اپورتونیست های راست و " چپ " در راه تحکیم وحدت برادرانه و تبدیل مجموعه سیستم جهانی سوسیالیسم به کانون اتحاد سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک ایجاد میکنند مبارزه خستگی ناپذیر انجام میدهند و دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی را وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانند . وحدت کشورهای سوسیالیستی نیروی محرکه پرتوان روند انقلاب عصرهاست . این نیروی مواضع ارتجاع را در صحنه بین المللی در هم میکوبد و راه تجاوز را برامپریالیسم ممد میکند . بهمین

جهت تحکیم بیشتر از پیش سیستم جهانی سوسیالیسم که نیروی قاطع پیکار ضد امپریالیستی است و همپوستگی کشورهای درون این سیستم ضرورتی است که نه تنها از منافع خود این کشورها، بلکه ایضا از منافع مجموعه جنبش جهانی کارگران و آزاد بیختر ملی ناشی میگردد. تعاون برادرانه و همکاری رفیقانه کشورهای سوسیالیستی و شقیه پیروزی جهانی نظام اجتماعی نوین است. بسر بنیاد همین تعاون و همین همکاری امروز است که کاخ یگانگی انترناسیونالیستی آینده جمیع خلق های گیتی پی افکنده میشود.



هیئت تحریریه با درج این مقاله به انتشار سلسله مقالاتی در باره مسائل سوسیالیسم رشد یافته میپردازد . در نظر است جوانب گوناگون اقتصاد و سیاست اجتماعی و سیر تکامل سازمان دولتی و دموکراسی ، دیالکتیک زیر بنا و روینا در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته و چگونگی گسترش دامنه در آمیزی اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در این مقالات تشریح گردد .

سوسیالیسم رشد یافته مرحله ایست در راه نیل به کمونیسم

پیوترود میچف

عضو مشاور شوروی سیاسی و دبیر کمیته
مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

۱

سوسیالیسم به برکت آثار داهیانه بنیادگذاران مارکسیسم از تخیل (اوتویی) به علم تبدیل شد . اندیشه های سوسیالیسم در آثار لنین بشیوه ای خلاق گسترش یافت و در رهبریت و رهبری حزب لنین به واقعیت انقلابی بدل گردید . امروز سوسیالیسم میستم جهانی پیشاهنگ راه تکامل اجتماعی جامعه بشری است . سوسیالیسم بزرگترین هنر نمائی تاریخی طبقه کارگر و احزاب کمونیست و کارگزار است و زحمتکشان سراسر جهان را از یزید و رنمای واقعی برای مبارزه در راه پی ریزی جامعه نوین ، جامعه فارغ از استثمار و مستم اجتماعی برخوردار میسازد .

بر پایه تجارب عقلی موجود میتوان مراحل اساسی سوسیالیسم را بدقت تعیین کرد و گرایش های عمده رشد آنرا مشخص ساخت . احکام اصولی برنامه حزب ما واحکام سیاسی و تشویک کننده ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی که مرحله کنونی ساختمان کمونیسم را در اتحاد شوروی مورد ارزیابی عمیق قرار داد بر پایه همین تجارب استوار است . رفیق لئونید برژنف در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که اکنون در قیاس با نیمه دوم سالهای ۳۰ که سوسیالیسم در کشور ما به پیروزی رسید " اقتصاد ملی ، مناسبات اجتماعی سوسیالیستی ،

فرهنگ و آگاهی توده‌های بزرگ مردم به سطحی هم‌عالیتر ارتقا یافته است . به نیروی کار بیدار مردم شوروی جامعه سوسیالیستی رشد یافته بنا شده است

کلاسهای مارکسیسم - لنینیسم دوره‌های تاریخی عمده تکوین و تکامل نظام کمونیستی را پیشبینی کرده و آنرا به سه دوره تقسیم کرده اند : دوران گذار ، سوسیالیسم و کمونیسم . زندگی صحت این پیشبینی مارکسیستی - لنینیستی را کاملاً به ثبوت رساند بود رعین حال نظریه مربوط به مراحل نایل به کمونیسم را مشخص ساخته است . نظام سوسیالیستی در جریان پیشروی جامعه بسوی کمونیسم پیوسته گسترش مییابد و راه کمال می پوید .

سوسیالیسم بحکم قوانین عینی از مراحل چند میگذرد که هر یک از آنها خاص و ویژگیهای خود را دارد . در این مراحل ممکنست در گرونی این یا آن جانب زندگی اجتماعی با توالی یکسان انجام نگیرد ، زیرا انجام هر یک از آنها به مجموعه شرایط داخلی و بین المللی رشد این یا آن کشور بستگی دارد . ولی این شرایط هر اندازه هم که ویژگی داشته باشند در وجه مشترک بین المللی طرق در گرونی های سوسیالیستی وحدت اصول و قوانین عینی نظام اجتماعی نوین فارغ از استقامت و تغییر بی وجود نمیآوردند . تحلیل چگونگی مرحله کنونی تکامل جامعه شوروی از نظر خصائصی که دارای اهمیت بین المللی عام هستند از بسیاری جهات میتواند برای جنبش جهانی کمونیستی و کارگری جالب توجه باشد .

ساختان جامعه نوین پروسه اجتماعی - اقتصادی واحدیست بدین معنی که میان مراحل اساسی آن هیچگونه دیواری وجود ندارد . تجربه اتحاد شوروی که جامعه سوسیالیستی رشد یافته در آن ایجاد شده است و نیز تجربه یکسلسله از کشورهای برادر که پایه گذاری سوسیالیسم را به پایان رسانده (یا بپایان میرسانند) و به ساختار سوسیالیسم رشد یافته پرداخته اند (یا میپردازند) گواه بر صحت این امر است . سوسیالیسم رشد یافته شیوه خاص تولید یا صورتبندی اجتماعی مستقل نیست . در اینجاسخن بر سر سوسیالیسم تکوین یافته و جامعه ایست که در آن برای ساختان دامنه دار کمونیسم شرایط اساسی فراهم آمده است . در عین حال سوسیالیسم رشد یافته دارای ویژگی هائیکست که باید آنها را در نظر گرفت . در این مرحله برتری های نظام نوین بطور همه جانبه نمایان میگردد و از امکانات سیستم اقتصادی و سیاسی و قوانین عینی و اصول آن به کاملترین نحو استفاده بعمل میآید و جامعه با پویای روز بروز هماهنگ تر به پیشتر میرود . برای تجلی همه جامعه شخصیت انسانی شرایط مساعد تازه ای فراهم میگردد .

د ر زمینه اقتصادی خصیصه اساسی مرحله کنونی جامعه شوروی عبارتست از سطح عالی

رشد نیروهای مولده و پختگی مناسبات تولیدی سوسیالیستی مبتنی بر تسلط بلا منازع مالکیت سوسیالیستی . حلقه های اساسی اقتصاد ملی عبارتند از موسسات بزرگ دولتی و کلکسوزی و تعاونی مجهز به علم و تکنیک مدرن که سیستم واحد و در عین حال پر شاخه و انعطاف پذیر از روابط و تقسیم کار آنها را بیکدیگر پیوند میدهد . اداره امور اقتصاد بر پایه برنامه ریزی که اصل بنیادی رهبری حیات اقتصادی کشور را تشکیل میدهد به سطح عالیتر ارتقا مییابد که با گسترش دامنه مرکز تخصصی شدن رشته های تولیدی و شوقعات ناشی از تسریع پیشرفت علمی و فنی و نیز با حل جامع و کامل مسائل اجتماعی - اقتصادی مطابقت دارد .

کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن تشریح وظیفه عمده نهمین برنامه پنجساله رشد اقتصاد ملی اتحاد شوروی (برای سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۵) خاطر نشان ساخت که هم هدف های ما و هم قدرت اقتصادی فزونیتر شده و هم نیازمندی های رشد اقتصاد ملی چرخشی بیشتری را در این برنامه بسوی انجام وظایف متنوع در زمینه ترفیع سطح زندگی مردم ممکن و ضروری

در زمینه سیاسی خصیصه سوسیالیسم رشد یافته آنستکه در آن علاوه بر محتضاد هسبای غیرآنتاگونیستی و بازمانده های طبقات استثماری و گروخت اجتماعی و سیاسی جامعه نینبیش از پیش تقویت پذیرفته است . تحول دیکتاتوری پرولتاریا و تبدیل آن بدولت عموم خلق در عین حفظ نقش رهبری طبقه کارگر بانجام رسیده است . دموکراسی سوسیالیستی پیش از پیش گسترش میپذیرد . نقش رهبری حزب مارکسیست - لنینیست بالا میروند . تحکیم دوستی برادرانه و همکاری اقتصادی و سیاسی و فرهنگی همه جانبه ملل سوسیالیستی که از خصائص کشور کثیرالمله ما است در وجود خلق شوروی به پیدایش وجه اشتراك تاریخی نوین منجر گردیده است . اکنون پروسه تدریجی ایجاد جامعه همگون و بی طبقه انجام میگیرد .

در زمینه معنوی خصیصه سوسیالیسم رشد یافته عبارتست از پیروزی روزافزون اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و آرمان های کمونیسم در عرصه شعور توده ها و پیشرفت همه جانبه علم و آموزش و پرورش و شکفتگی فرهنگ و سرخ اصول اخلاق کمونیستی و زندگی واقعی . امکانات اجتماعی برای رشد همه جانبه استعداد ها و تشدید فعالیت خلاق زحمتکشان و تمام مردم شوروی روز بروز بیشتر میشود .

البته جامعه سوسیالیستی رشد یافته هنوز دارای علائم خاص نخستین مرحله کمونیسم است که با علائم خاص مرحله عالی صورتبندی کمونیستی تفاوت دارد . (در آن تفاوت هسبای اساسی میان شهر رده ، میان کار فکری و بدنی باقیست و وفور نعم مادی هنوز بد رجه ای نرسیده است که بتوان آنرا بر حسب نیاز انسان ها تقسیم کرد و غیره) . ولی در این مرحله بنیاد مادی و فنی کمونیسم پدید میآید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی پیشرفت عظیم حاصل میکند .

۲

تکوین خصائص ممیزه جامعه سوسیالیستی رشد یافته بر پایه مناسبات تولیدی نوین و در جریان تکامل سازمان اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم بتدریج انجام پذیرفته است . برای رسیدن به مرحله سوسیالیسم رشد یافته یک دوران تاریخی کامل لازم بود . دوری عینی در باره آن فقط با توجه به اوضاع و احوال کشور ما در لحظ ما آغاز ساختمان سوسیالیسم ممکن خواهد بود . میدانیم که مردم شوروی مجبور بودند معضلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی را که از دوران رژیم بورژوازی - ملاکی بصیرات رسیده بود حل کنند . بسیاری از شواری های ساختمان جامعه نوین از ضرورت برانداختن عواقب وخیم نظام کهنه ناشی میشد .

برای بدست آوردن تصور روشن در باره دامنه کار انجام شده کافیتست بنیاد پیاوریم کبروسیه در لحظه انقلاب سوسیالیستی همانگونه که لنین خاطر نشان ساخته است کشور سرمایه داری ^{لنینه} عقب مانده ای بود که دهانان خرد و یا اکثریت جمعیت آنرا تشکیل میدادند و بازمانده های فئودالیسم در آن باقی بود و تقریباً سه چهارم اهالی در بیسوادی بسر میبردند . بر همگان روشن است که اکنون اتحاد شوروی در زمینه اقتصادی و فرهنگی کشور بیست در سطح رشد بسیار عالی . تنوع عظیم رشته های صنعتی ، کشاورزی مدرن سوسیالیستی ، علم و فرهنگ پیشرو و گاندر های کارآموزده بنیاد اقتصاد اتحاد شوروی را تشکیل میدهد .

به برخی فاکت ها و ارقام مراجعه کنیم .

طی پنجاه سال (۱۹۲۲ - ۱۹۷۲) حجم کل محصولات صنعتی اتحاد شوروی ۲۲۱

و از آنجمله تولید وسائل تولید ۸۲۲ برابر تولید اشیاء مصرفی ۱۰۲ برابر شده است .
 کشاورزی از حیث زمین دگرگون گردید . اکنون در کشور ۳۲۳ هزار رگخوزو در ۱۵۰ هزار
 سوخوز وجود دارد که وسعت بزرگ مکانیزه سوسیالیستی هستند . برای صنعتی کردن بیشتر از
 پیش تولید کشاورزی و احیای زمین ها و تامین آب مناطق کم آب اقدامات فراوان انجام میگردد .
 کار تجهمیز کشاورزی به تکنیک و تکنولوژی نوین در مقیاس وسیع پیش میرود . کشاورزی سوسیالیستی
 به سطح تولید صنعتی مدرن ارتقا مییابد . در اینجا باید این نکته را خاطر نشان ساخت که
 تجربه کشاورزی سوسیالیستی در کشور ما برای نخستین بار در تاریخ بطلان این نظریه دگماتیک
 بورژوازی را که گویا مالکیت خصوصی با سرشت دهقان عجین و روحیه فردگرائی در او تغییرناپذیر
 است عملاً به ثبوت رسانید .

یکی از شاخص های اساسی و عام رشد اقتصاد سوسیالیستی افزایش بارده کار است .
 هنگام تاکید ضرورت افزایش سریع بارده کار در صنایع و کشاورزی شوروی ماغالباً به شاخص های
 عالیتری که ایالات متحده آمریکا در این زمینه هایدان دست یافته است ، استناد میورزیم . ولی
 این بهیچوجه نمیتواند موجه سوء تفصیرهایی باشد که دستگاه تبلیغات بورژوازی بآن توسل
 میجوید . کامیابی های ما در زمینه افزایش بارده کار هرآینه میراثی که نظام گذشته برای نظام
 شوروی باقی گذاشته بود و نیز عواقب جنگهای خانمانسوز در نظر گرفته شود نه تنها از ستاوردهای
 رشد یافته ترین کشورها چیزی کم ندارد بلکه بطور کلی بر آنها میجوید . یکسانی هم کسه
 هنوز میگویند تفاوت باقیمانده کنونی را مطلق کنند باید یاد آور شد که آهنگ افزایش بارده کار
 در صنایع شوروی در طول سالهای ۱۹۵۱ - ۱۹۶۱ تقریباً برابر آهنگ افزایش آن در آمریکا
 بوده است .

این نکته را هم نباید فراموش کرد که سوسیالیسم هنگام مقایسه رآوردهای رشد اقتصاد
 در سیستم و اعلام سابقه اقتصاد با سرمایه داری ملاک های خاص خود را در نظر دارد و برای
 انجام وظائف اجتماعی که فقط خاص این نظام است میکوشد .

افزایش بارده کار در کشور ما در عین اشتغال کامل زحمتکشان و تضمین حق کار که در قانون
 اساسی تصریح شده و افزایش دائمی دستمزدها و صرف هزینه های روزافزون برای ارضای رایگان
 نیازمندی های اجتماعی انجام میگردد . ولی در سرمایه داری نفع بازرگانی ملاحظاتی انسانی
 را عموماً زیر پا میگذارد و از خطر فقر و استیصال ناشی از بیکارشدن برای اعطال فشار بر انسان استفاده
 میشود . در این نظام تنازع بقای یعنی مبارزه بیرحمانه برای حفظ حیات عامل " تربیت " بشمار
 میآید . باینجهت هنگام ارزیابی چگونگی شاخص های رشد اقتصاد نباید فرقی های اصولی میان
 دو سیستم اجتماعی و ماهیت انساندوستانه سوسیالیسم را از نظر برداشت .

رشد تولید مادی و تکمیل و بهبود مناسبات اجتماعی بحکم قوانین عینی زمینه را برای
 تغییرات کیفی عمیق در خصیصه های مادی و معنوی زحمتکشان آماده میسازد .
 سوسیالیسم رشد یافته برای پرورش استعداد های خلاقه انسان و استفاده از آن سید ان
 وسیعی میگذاید و بران رشد معنوی و فعالیت سالم در عرصه کار و اجتماع امکانات نامحدود فراهم
 میآورد .

در مرحله سوسیالیسم رشد یافته به توقعات زحمتکشان در زمینه تامین کالا های مرغوب و اعلا
 بنحوی هرچه کاملتر پاسخ داد میشود ، تنوع کالا ها بیشتر میشود ، رشته خدمات تکمیل میگردد و
 عمران شهرها و مراکز روستا نشین در مقیاس وسیع انجام میگردد . بعنوان مثال میتوان گفت کسه
 اتحاد شوروی از آغاز نیمه دوم سالهای پنجاه از نظر تعداد مطلق آپارتمان های نوساز همواره

درجهان جای اول و از نظر تعداد آن در میان سه ۱ هزار نفر یکی از جاهای اول را داشته است. حزب کمونیست اتحاد شوروی که نیروی رهنمون جامعه سوسیالیستی است عمائل جدیدی را که در جریان رشد پیش میآید در سیاست خود در نظر میگیرد و مساعی ارگان های برنامه ریزی اقتصادی را برای یافتن اثربخشرترین راهحل ها و بررسی چگونگی گرایش نیازمندی های زحمتکشان بسنج میکند . در عین حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که اتحاد شوروی يك کشور سوسیالیستی است و استروکتور تقاضاهای مصرفی اش که جنبه کاملاً خود بخود ندارد با استروکتور این تقاضاها در کشورهای سرمایه داری از بسیاری جهات تفاوت داشته و خواهد داشت .

جامعه سوسیالیستی با هر نوع تصاحب نعم مادی و معنوی که بدون کار انجام گیرد ، بسا مان اندوژی خاص جامعه سرمایه داری ، با " تقاضاهای " مصنوعی که آگاهی های تبلیغاتی بازرگانی بورژوازی عمد ایجاد میکند و غالباً موجب بروز چشم همجشی های ناسالم بر سر اشیاء میگردد و افراد را خود خواه و بیرحم میکند شدیداً مخالف است .

امید فولوگ های آنتی کمونیسم و رویزیونیست ها که ویژگی های سوسیالیسم رشد یافته را نادرست تفسیر میکنند میکوشند چنین جلوه دهند که گویا جامعه سوسیالیستی بتدریج خصلت انقلابی خود را از دست میدهد و " استحاله بورژوازی " پیدا میکند و خصائص " جامعه مصرف " بخود میگیرد .

ما همیشه بر این عقیده ایم که هدف عالی تولید اجتماعی در سوسیالیسم پاسخگوشی هر چه کاملتر به نیازمندی های مادی و فرهنگی انسانهاست . ولی نکته عمده در این مسئله برای ما برخلاف تصور برخیها اقتباس و تقلید استناد دارد های بورژوازی نیست بلکه عرضه داشت شکل صحیح نیازمندی های اجتماعی بجای آنهاست بدین معنی که ما میکوشیم تانیازمندیهای اجتماعی انسان ها خصلت عالی و نجیبانه ای متناسب با سرشت عمیقاً انسانی و ستانه سوسیالیسم داشته باشد . حزب ما سازمانهای اجتماعی ، کلکتیوها ، زحمتکشان ، مدرسه و خانواد ، رابطه شدید کارتر بهی و پرورش نسل هایی با روح سالم ، با سجایای معنوی عالی و وفادار به آرمان های انقلابی یعنی سبب های دوران تمدن کمونیستی ترغیب و تشویق میکند .

تئوریسین های بورژوا (ر . آرون و دیگران) بناچار اعتراف میکنند که پیشرفت صنعتی و فنی در محیط سرمایه داری به آرمان های برابری ، آزادی و یگانگی جامعه انسانی تحقق نخواهد بخشید . از اینجابه نتیجه بدبینانه " نویسدی از پیشرفت " میروند . بهبود نیست که مطبوعات بورژوازی با اضطراری بیتر از پیش از تشدید دشواریهای اجتماعی جامعه سرمایه داری ، افزایش موارد اعمال قهر ، " عصیان " جوانان و انحطاط معنوی سخن میگویند . در این زمینه موضعگیری امید فولوگ های " جپ نو " (مارکوزه و دیگران) شایان توجه است . ناتوانی عقلی سرمایه داری برای حل معضلات اجتماعی در برین در احتیاجات آنان منعکس است . مثلاً فروم ضمن تصریح ناخرسندی روزافزون توده های بزرگ مردم از شیوه زندگی بورژوازی و خلاصه معنوی و شخصیت زدائی آن مینویسد بیم آن میروند که در قرن پیشرفت فنی انسان امید های انسانی خود را از دست بدهد و به شبه " روبات " (۱) تبدیل شود .

این نظریات که اخیراً شیوع یافته بازتابی از پروسه های واقعی تشدید استثمار زحمتکشان و اسارت آنان در چنگ مجموعه سیستم سرمایه داری انحصار است ولی با پراتیک ساختمان

(۱) - روبات (Robot) - آدمک های الکترونی که اعمال بفرنجی انجام میدهند و ظاهر آن به اعمال انسان می نماید . (مترجم) .

سوسیالیسم و کمونیسم هیچگونه وجه اشتراکی ندارد . ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم جایی برای نتیجه‌گیری‌های بدبینانه در این زمینه باقی نمیگذارد و راه واقعی برانداختن تضادهای راکس در محیط سرمایه داری حتماً امکان پذیر نیست نشان میدهد .

۲

مرحله کنونی که یکی از مراحل سوسیالیسم است در عین حال علائم واقعی جامعه کمونیستی آیند را نیز در بردارد و این علائم نمایشگر گرایش‌های عمده سوسیالیسم رشد یافته هستند . انجام موفقیت آمیز وظائف مهم جدیدی که سیر عینی تکامل جامعه در این دوران مطرح میسازد ما را به مرزی میرساند که از آن پس گذار از سوسیالیسم به کمونیسم مشهود تر و محسوس تر خواهد شد . یکی از این وظائف که اهمیت تاریخی دارد و سوسیالیسم رشد یافته با انجام آن مشغولست در آمیختن دستاوردهای انقلاب علمی و فنی با برتری‌های سیستم سوسیالیستی اقتصاد است . مهمترین شرط این کار که تحول کیفی در تکامل علم و آموزش و پرورش است در سالهای حکومت شوروی فراهم آمده است . سرشماری سال ۱۹۷۰ در اتحاد شوروی نشان داد که از هر ۱۰۰ نفری که در عرصه اقتصاد ملی بکار مشغولند ۶۵۳ نفر معلومات عالی و متوسطه (کامل یا ناقص) داشته اند . این رقم در آغاز سال ۱۹۷۲ به ۶۹۷ نفر رسید . در سال ۱۹۷۱ در اتحاد شوروی ۳۰۷ موسسه علمی و از آن جمله ۲۶۴۸ پژوهشگاه علمی و شعب و شاخه‌ها تأسیس شده اند . در کشور بیشتر از یک میلیون کارمند علمی وجود دارد . از هر چهار دانشمند در سراسر جهان یک تن دانشمند شوروی است . بیش از ۸۰ میلیون نفر با انواع گوناگون آموزش‌ها مشغولند . در نیمین برنامه پنجساله پیشبینی شده است که کاربرد قراری سیستم آموزش همگانی متوسطه به فرجام رسد ، شبکه آموزش تخصصی عالی و متوسطه گسترش یابد و تکمیل گرد و در طول برنامه پنجساله قریب ۹ میلیون کارشناس جدید با معلومات تخصصی حرفه ای عالی و متوسطه تربیت شود . این ارقام فقط نمودار محدودی از پیشرفت عظیم در زمینه پرورش انسان شوروی آزاده ایست که میتواند بهترین وظائف اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را با احراز موفقیت انجام دهد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی که پیشرفت آموزش و پرورش و علم و تکنیک را هر عمده ای برای ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم تلقی میکند در راه پایه گذاری تولید سرمایه‌های مکانیزه و اتوماتیزه بایگیری به پیش میرود . در مبنای تکنولوژیک تولید و اشکال و شیوه های رهبر امور اقتصاد و محتوی و خصلت کار دگرگونی کیفی صورت میگیرد و شرایط لازم برای برانداختن تفاوت میان کارکن و دیدنی فراهم میگردد .

مجموعه این عوامل همانگونه که کنگره بیست و چهارم خاطر نشان ساخته است مستلزم افزایش اثر بخشی علم و تأمین بهترین شرایط لازم برای استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی در رشته تولید وسیع و تکمیل سیستم رهبر و اشکال سازمان صنعت است . شرایط رشد جامعه سوسیالیستی ما را موظف میدارد که نه فقط نتایج فوری اقداماتی را که امروز در زمینه های اجتماعی و اقتصاد انجام میگیرد بلکه نتایج و عواقب آنرا در آینده در نظر بگیریم . ضرورت این امر ناشی از تغییر سریع خواستها و توقعاتی است که هم تولید معاصر هم زندگی اجتماعی در برابر انسان مطرح میسازد .

اکنون روز بروز بیشتر لازم میآید که هم در نمای اجتماعی عمومی بر پایه علمی تعیین شود و هم رشد رشته‌های جداگانه تولید علم و فرهنگ و تغییرات اجتماعی و افزایش جمعیت به بهترین وجه

ممكن و با توجه كامل به منافع انسان با و مشخص پيشيني گردد و دامنه دگرگوئيها بيميزاني عظيم گسترش يابد و از منابع موجود بنحومعقول استفاده بعمل آيد . تهيه برنامه دراز مدت براي رشد اقتصاد ملي اهميت فراوان كسب ميكند .

شرایط عینی سوسیالیسم رشد یافته زمینه لازم را برای بسط قابل ملاحظه دامنه برنامه ریزی رشد اجتماعی فراهم میسازد و امکان میدهد تا این برنامه ریزی همسایه اقتصادی و فرهنگی و همسایه اجتماعی و معیشتی را دربرگیرد . اکنون برنامه ریزی اجتماعی فقط کارآرگان های دولتی نیست بلکه محافل اجتماعی وسیع ، موسسات جداگانه ، بخش ها و شهرها و استانهای جداگانه نیز با آن میپردازند . در این زمینه امکانات عظیمی وجود دارد که در روستا می توان قشرهای هرچه بیشتر از زحمتکشان را به شرکت فعال در اداره امور تمام جوانب زندگی جامعه جلب کرد و دامنه ابتکار خلاق توده ها را وسعت داد . برنامه ریزی اجتماعی اثر بخشی فراوان دارد زیرا بکمک آن میتوان افراد را بموقع برای تغییراتی که در استروکتور سازمان تولید صورت میگیرد آماده کرد و برای کار و استراحت شرایط هرچه بهترین فراهم ساخت و امور معیشتی را بشهوه صحیح سازمان داد . در مرحله سوسیالیسم رشد یافته برنامه ریزی اجتماعی به مهمترین حلقه سیستم رهبری علمی زندگی اجتماعی بدل میگردد .

توسعه دائم دامنه فعالیت اقتصادی و پیشرفت انقلاب علمی و فنی حفاظت محیط زیست را بر پایه علمی و طبق یک برنامه مشخص ضروری میسازد . هوای تمیز ، آب تمیز ، حفظ نباتات و حیوانات ، توسعه مناطق سبز هم برای زندگی انسانی سالم و هم برای ساختمان اقتصادی ضرورت حیاتی دارد . فقط سوسیالیسم قادر است برای حفاظت و حراست منابع طبیعی که باید هم نسل های کنونی و هم نسل های آینده از آن بهره مند گردند به اقدامات دامنه دار در مقیاس سراسر کشور دست زند . شورای عالی اتحاد شوروی در سپتامبر سال ۱۹۷۲ این مسئله را در اجلاس خود مورد بررسی همه جانبه قرار داد و تصویبنامه آن خاص درباره آن صادر کرد . اقداماتی که در این زمینه در نظر گرفته شده است هم با ضوابط حقوقی و قضائی مشخص و هم با کارتر بیستی تقویت میگردد .

۴

وظایفی که در جامعه سوسیالیستی رشد یافته انجام میگیرد با تمام جوانب اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک پیشرفت اجتماعی پیوند ناگسستی دارد .

طبقه کارگر ، دهقانان کلبخوزی و روشنفکران خلق بنیاد استروکتور اجتماعی جامعه ما را تشکیل میدهند . در عین حال در این استروکتور تغییرات کمی و کیفی عمیق صورت میگیرد . در سال ۱۹۳۹ کارگران (با اضافه اعضای خانواده هایشان) ۳۳ درصد و دهقانان کلبخوزی با اضافه پیشه وران عضو تعاونی ها ۴۷٫۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدادند . ۲۶٫۶ درصد جمعیت در آن زمان از دهقانان منفرد و پیشه وران منفرد تشکیل میشد . ولی در سال ۱۹۷۲ نسبت کارگران به ۵۹٫۸ ، دهقانان کلبخوزی و پیشه وران عضو تعاونی ها به ۲۹٫۳ درصد رسید و طبقه کارمند و روشنفکر بودند .

با ترفیع سطح آگاهی و فرهنگ عمومی و حرفه ای طبقه عمده جامعه سوسیالیستی یعنی طبقه کارگر تا شیر کار و فعالیت اجتماعی و سیاسی این طبقه و نقش معنوی آن در تمام شؤون زندگی تشدید میگردد .

دهقانان کلبخوزی که کار آنها با شرایط تولید صنعتی شایسته پیدا میکنند بیش از پیش بسا

آرمان های طبقه کارگر خو میگیرند و به مفهوم آری میبرند . اتحاد طبقه کارگر و دهقانان گلخوزی در محیط سوسیالیسم رشد یافته تحکیم میدهد و محتوی تازه ای کسب میکند .

در صفوف روشنفکران خلق دگرگونی های عمیق روی میدهد . تبدیل علم به نیروی مولده بلا واسطه جامعه تعداد مهندسان و تکنیسین ها را که با طبقه کارگر پیوند ناگسستنی دارند بسرعت افزایش میدهد . نظریات و موضعگیری های ایدئولوژیک نویسندگان و هنرمندان که موجد فرهنگ معنوی جامعه کمونیستی هستند نیز با آرمان های طبقه کارگر مطابقت دارد .

در این مورد نباید یک نکته مهم را از نظر رد و برداشت آن اینکه در محیط سوسیالیسم رشد یافته پیرویهایی که در نزد یکی بیشتر از دیگری در دهقانان گلخوزی و روشنفکران با طبقه کارگر و برانداختن تفاوت های طبقاتی و سایر تفاوت های اجتماعی از بسیاری جهات نقض قاطع دارند بسرعت گسترش مییابد . شرایط زندگی و سطح معلومات و فرهنگ طبقات زحمتکش و گروههای اجتماعی زحمتکش یکسان میشود . منافع و نیازمندی ها و روحیات اجتماعی و جهان بینی خلق شوروی که اشتراک انترناسیونالیستی نوینی از انسان ها است برپایه واحدی استوار میگردد . هم اکنون این خصیصه برجسته های دیگر تفوق دارد . ادامه گسترش موفقیت آمیز این پیرویه ها تحلیل دقیق پدیدها و احوال صحیح مارکسیستی - لنینیستی مسائل را که مقتضیات کنونی انقلاب علمی و فنی و تسریع دگرگونی های اجتماعی به پیش میگذرد ایجاب میکند .

سوسیالیسم رشد یافته برای تقویت و توسعه همه جانبه همکاری اقتصاد ، علمی و فنی و فرهنگی طبقات امکان تازه ای فراهم میسازد . برگزاری پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اهمیت تاریخی - جهانی حد مسئله علمی را در کشور ما و کامیابیهای عظیمی را که تمام خلق های اتحاد شوروی تحت رهبری حزب کمونیست بدست آورده اند با وضوح کامل نشان داد . در سراسر اتحاد شوروی سیستم جامع و واحد اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر برنامه وجود دارد که برای رشد تمام طبقات و اقوام کشور امکانات مادی یکسان فراهم میآورد و همه آنها را به ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم علاقمند میسازد . در نتیجه شکستگی طبقاتی سوسیالیستی ، نزدیکی تدریجی آنها بیکدیگر ، بسط بیشتر از پیش تقسیم کار اجتماعی ، تشدید پیرویه تخصصی شدن و همیاری در زمینه تولید ، توسعه روابط میان جمهوری ها و تبادل دستاوردهای علمی و فرهنگی و مبادله کارها و نقش تربیت انترناسیونالیستی زحمتکشان بالا میبرد . اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی اهرم نیرومند است برای تسریع پیشرفت اجتماعی و پیشروی تمام طبقات کمونیسم . تقویت وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک از قانونمندی های جامعه سوسیالیستی رشد یافته است . جریان تحکیم دولت همگانی خلق شوروی که بر این پایه انجام میگردد با تکمیل و توسعه دموکراسی سوسیالیستی پیوند دیاکتیکی ناگسستنی دارد .

رهبری علمی جریان تکامل اجتماعی برای تأمین انسان رفاه و نیکبختی او و تحقق اصول انساندوستانه در جریان ساختمان کمونیسم هدف عمده تمام سیاست حزب و دولت را تشکیل میدهد . سوسیالیسم رشد یافته تنهابه برابری حقوقی واقعی تمام افراد کشور که پیروزی نظام نوین بر آن تحقق بخشید بسند نمیکند بلکه برای حقوق اجتماعی زحمتکشان در مقیاس روز بروز وسیعتر تضمین های مادی بوجود میآورد . این حق کارگاملا تضمین شده انسان جامعه شوروی را از امکانات روز بروز مساعدتری برای انتخاب رشته معلوماتی که با تمایلات روحی و منافع هماهنگ باشد برخوردار میسازد . کیفیت آموزش و پرورش و خدمات پزشکی بهبود مییابد و میزان مستمری های مخصوص تأمین مادی دوران پیری پنجم محسوس افزایش میدهد و استراحت زحمتکشان و خانواده هایشان متنوع تر و جالب تر میگردد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تکمیل مکانیسم دموکراسی واقعی سوسیالیستی که عامل عمده رشد سازمان سیاسی جامعه شوروی و تامین حقوق تامه زحمتکشان است کوشش مداوم بکار میبرد. فعالیت شوراهای متحدید میگرد. دامنه وظائف آنان گسترش مییابد، اصل گزارشدهی ارگانها و اجرائی به ارگانهای انتخابی در عرصه وسیعتری تحقق مییابد و مسئولیت ایمن ارگانها در قبالی رای دهندگان بیشتر میشود. تمومآقانون مصوبه اخیر شورای عالی اتحاد شوروی درباره نحوه عمل نمایندگان شوراهاست. کار موسسات دولتی دقیقتر، هماهنگ تر و با فرهنگتر میشود و علیه موارد نقض دموکراسی سوسیالیستی و کجرویهای بوروکراتیک و بی توجهی به حوائج و خواستهای تودهها مبارزماآستی ناپذیرانجام میگیرد. ارگانهای کنترل توده ای و سازمانهای توده ای زحمتکشان یعنی سندیکاها و سازمان جوانان کسومول در زندگی اجتماعی نقش موثر ایفا میکنند.

دولت شوروی خصلت طبقاتی خود را از دست نداده است زیرا در همان حال که سازمان سیاسی طبقاتی دست را تشکیل میدهد نقش رهبر طبقاتی را برقرار میگذارد و محفوظ داشته است و به رسالت تاریخی پرولتاریا یعنی ساختمان جامعه کمونیستی فارغ از طبقات تحقق میبخشد. تجربه تاریخ نشان میدهد که وقتی برای دفاع و تثبیت دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی تضمین واقعی ایجاد میشود وظائف سازمانگرا اقتصاد و تربیت فرهنگ و به بیان دیگر وظائف ناشی از اداره امور کشور و فعالیت دولت مولود انقلاب نقش قاطع پیدا میکنند. در پرتو رهبری حزب کمونیست که به پیروی از قوانین عینی جامعه عمل میکند رشد مکانیسم اداره امور کشورها نه از طریق تشدید گرایشهای تکنوکراتیک که در غرب ملازم ناگزیر پیشرفت علمی و فنی اعلام میشود بلکه از طریق تقویت مبنای علمی رهبری جامعه و شرکت هر چه وسیعتر زحمتکشان در اداره امور جامعه و دولت انجام میگیرد.

در جریان ساختمان کمونیسم و رشد دموکراسی سوسیالیستی همانگونه که بنیادگذاران کمونیسم علمی پیشبینی کرده اند ارگانهای قدرتمند که رفته رفته به ارگانهای خودگردانی اجتماعی بدل میگردند. کمونیسم سطح شکل سراسر جامعه را که شرط واقعی آزادی انسان است ناگزیر به میزان روزافزون بالا خواهد برد.

گرایشهای عینی تکامل سوسیالیستی بی پایگی تلاشهای راکه در غرب (از طرف ژ. ال. ال. و سایرین) برای احیای پندارهای آنارشیمیستی بکار میبرد آشکار میسازد. این تلاشها از نظر واکنش خرد و بورژوازی در قبالی تسلط ماشین بوروکراتیک دولت امپریالیستی قابل توضیح است ولی پایه ندارد زیرا توجه را از درک وحل صحیح مسائل پیشرفت اجتماعی باز میدارد. هدف این تلاشها آنستکه اختلاط ناهمگونی از افراد غیرمتشکل را بیانگر یکنوع "جامعه آزاد" بطور عام، جلوه دهد. مارکس در مباحثه با باکونین این مطالب را تشریح کرده و دعاوی این لیدر آنارشیمیست را مبنی بر اینکه در جامعه آینده "اداره شوند و وجود نخواهد داشت" مردود دانسته و ماهیت سرپا ارتجاعی و پندار پافان نظریه مربوط به نابودی دستگاه اداره امور جامعه و زبان خاص آنرا در دوران پهنای پیروزی انقلاب سوسیالیستی خاطر نشان ساخته است. مارکس میگوید البته "وقتی تسلط طبقاتی از میان برود دولت هم بمفهوم سیاسی کنونی آن وجود نخواهد داشت...". (۱) ولی معنای این سخن آن نیست که وظائفی که دولت در زمینه اداره امور کشور انجام میدهد از میان خواهد رفت. شکل این وظائف هم روند با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی تغییر خواهد کرد.

در جامعه سوسیالیستی رشد یافته که هر انسان به فردای خود اطمینان اجتماعی کامل دارد و دموکراسی سوسیالیستی نیز پیش از پیش گسترش مییابد نقش آگاهی اجتماعی و سطح رشد درونی افراد و معلومات و فرهنگ آنان نیز بسی بالا میرود. آگاهی انسان به عامل روز بروز موثرتری بدل میگردد که در تنظیم سبک زندگی جامعه نقش مستقیم ایفا میکند.

کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی فعالیت ایدئولوژیک حزب را در شرایط کنونی مورد تحلیل همه جانبه قرار داد و جهات عمده و اثر بخش ترین اشکال و شیوه های آنرا معین کرد. در سوسیالیسم رشد یافته توده های وسیع با روح جهان بینی کمونیستی و برخورد کمونیستی به کار و تلقی کار مبتدیه مایه شرف و افتخار تربیت میشوند و این امر محور فعالیت ایدئولوژیک و تربیتی را تشکیل میدهد. سوسیالیسم توده ها را به شور و شوق میآورد، علاوه بر انگیزه های مادی برای کار نقش انگیزه های اخلاقی و معنوی را نیز تقویت میکند، سابقه سوسیالیستی جنبه واقعا همگانی بخود میگیرد و خصائصی که از طبیعت جامعه کمونیستی ناشی میشود و نشانه خصائل عالی اخلاقی انسان شوروی است پیش از پیش متجلی میگردد. حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت باین گرایش های نوین توجه دقیق معطوف میدارد، تجارب مترقی را تصحیح میدهد و برای اشاعه وسیع ایداعات ترقیخواهانه میکوشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با اتکا به قرارهای کنگره ۲۴ حزب در یک سلسله از اسناد طرز مشخص تقویت فعالیت سیاسی و عملی توده زحمتکشان و تربیت آنان بر پایه اصول اخلاق کمونیستی و نیز خواست های جدیدی را که مرحله کنونی ساختمان کمونیسم در هر ایالت و در های رهبری مطرح میسازد معین کرده است. علاوه بر این برای تکمیل و بهبود کار تهیه کادر و تعلیم اقتصادی آنان تدابیر لازم اتخاذ شده است.

ساختمان کمونیسم پیوسته در جهت تربیت زحمتکشان با روحیه جدید سپر میکند و این احساس را که آنها صاحب اختیار کشور خویش و مسئول کار کارخانه ها، موسسات، ساختمان ها، گلخیزها و سوخوزها هستند، تقویت میکند و این عامل مهمی است برای تکمیل و بهبود کلیه جوانب زندگی جامعه شوروی.

ابتکار توده زحمتکشان و پیشنهادها و ایداعات گرانهای آنها پیوسته در عرصه زندگی و در فعالیت سازمانهای دولتی و اجتماعی تحقق میپذیرد. مطبوعات، رادیو و تلویزیون در تبلیغ تجربه مترقی نقش مهمی دارند. افکار عمومی برای مبارزه علیه نقائص و نارسائی ها جامع میشوند. مجموعه این عوامل نشانگر موفقیتهای واقعی سیستم تبلیغاتی در میان توده ها است.

محیط سوسیالیسم رشد یافته به تقویت نقش اخلاقی کمونیستی در زندگی جامعه کمک میکند. در کشور ما ریشه های عینی روحیه مالکیت خصوصی که انسان را منحرف میکند و به فردگرائی معتاد میسازد از بین رفته است. منافع اجتماعی برای انسان کنونی جامعه شوروی اهمیت حیاتی کسب کرده است. ولی تثبیت اصول و ضوابط اخلاقی نوین خود بخود انجام نمیگیرد. حزب برای تثبیت اصول اخلاق کمونیستی که انسان را به خانواده و مدرسه و کلکتیو مانوس میسازد و در زندگی روزمره او نقش تعیین کننده دارد کوشش مستمر بکار میبرد. فعالیت مجدانه نیروهای پیشرو جامعه ما در این زمینه طبعاً در جهت تشدید مبارزه علیه پدیده های منفی و هرگونه مظاهر و صورتی فرهنگی سپر میکند.

در کشور شرایط و مقدمات واقعی فراهم آمده است تا پدیده های منفی در ملوک و وقتسار انسان به حد اعلی محدود گردد. در این زمینه از یکسری برای زندگی معنوی جالب و پر محتوی و ارضا

هرچه بیشتر نیازمندی های مادی افراد امکانات جدیدی در اختیار زحمتکشان گذاشته شده و از سوی دیگر سطح فرهنگ و اخلاق خودتوده ها نیز بالا تر رفته است . حزب میان ترفیع سطح زندگی مردم و رشد معنوی آنان و بسیج توده ها برای تهیه به هدف های عالییه ساختمان کمونیسم و دست یافتن به مرزهای نوین پیشرفت اجتماعی و فرهنگ پیوند ناگسستنی قائل است . در این زمینه وظیفه آنستکه نیروی معنوی انسان شوروی و فتنه معنوی جامعه نوین پیوسته افزایش پذیرد . هر اندازه که سطح آگاهی سیاسی و فرهنگ توده ها بالا تر باشد ساختمان کمونیسم با کامیابی بیشتری انجام میگردد .

سوسیالیسم رشد یافته برای استفاده از دستاوردهای عالییه فرهنگ انسانی امکانات روز افزون برای زحمتکشان فراهم میسازد . هدف سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی آنستکه عموم زحمتکشان نه تنها از بهترین آفریده های فرهنگ ، هنر نقاشی و مجسمه سازی ، تئاتر و سینمای شوروی و جهانی بهره مند باشند بلکه ارتباط با جهان زیبایی شناسی هنری بغنیای طبیعی و معنوی نه انسان شوروی بدل گردد . باشگاهها ، کاخ های فرهنگی ، تئاترها ، کارگاه های نقاشی و کتابخانه ها به رشد معنوی انسان شوروی کمک میکند . این سیاست هم اکنون ثمرات خود را بار می آورد . مایه بنیم که سطح اخلاق و معلومات هنری ، فنی و فرهنگی انسان شوروی چگونه از نسلی به نسل دیگر به مدارج عالیتر ارتقا مییابد ، علاقه او به کسب معلومات افزایش میدهد و زندگی او بیشتر از پیش عمیق و پرمحتوی میشود .

در کشور ما ادبیات و هنر سوسیالیستی نفوذ روز افزون کسب میکنند و آرمان های عالییه کمونیستی را میان توده ها میبرند و به پیشرفت اجتماعی کمک میکنند . هدف تصمیمات حزب تقویت پیش از این بیشتر نقش ادبیات و هنر در پیشبرد ساختمان کمونیسم و ایجاد آثار هنری عالی و پرمضمون است . حزب فعالیت خلاقه هنرمندان را کاملاً تشویق میکند و در عین حال از آنها توقعات عالی دارد . آزادی واقعی در زمینه خلاقیت هنری مفهومی که ما برای آن قائلیم اشاعه محصولات هنری بیعقدار و اندیشه های ارتجاعی که گاه در لافچه شعار کاذب " عدم مداخله " در امور هنری تبلیغ میشود نیست بلکه ایجاد مساعدترین شرایط برای تقویت کلیه پدیده های ترقیخواهانه است که با منافع حیاتی زحمتکشان و هدف های ساختمان کمونیسم و بهترین سنت های فرهنگ جهانی مطابقت دارد .

مقیاس و دامنه عظیم اقدامات و تحولات اجتماعی در جامعه سوسیالیستی رشد یافته بحکم قوانین عینی تقویت مستمر و رهبری حزب و ارتقا مداوم سطح فعالیت تشویک آنها را ایجاد میکند . این امر از ضرورت درک علمی پیرویه ها و تصمیم درونمای دقیق و روشن و تحلیل عمیق قوانین عینی جامعه نوین ناشی میگردد . حزب بر پایه این تحلیل و تعمیم تجارب حاصله در زمینه ساختمان کمونیسم استراتژی و تاکتیک مرحله بعدی رشد را تنظیم میکند . نقش روز افزون حزب از ضرورت بسیج توده ها برای انجام وظایف تاریخی نوینی که بغرض آنها بیشتر و دامنه آنها وسیعتر میشود و نیز از ضرورت تنظیم سیاست علمی بر پایه تحلیل علمی چگونگی نیازمندیها و منافع تمام طبقات و قشرهای اجتماعی و مجموعه خلق یعنی تمام ملل و اقوام و تمام نسل های جامعه ناشی میگردد . بدینسان سوسیالیسم رشد یافته در فعالیت حزب نیز مرحله جدیدی آغاز میشود . سیاست حزب بیانگر توقعات ناشی از توضیح شرایط عینی و زندگی است . صحت سیاست حزب نیز بنوبه خود پیشرفت اجتماعی را تسریع میکند و برای پیشرفت تمام پدیده های مترقی عرصه وسیعی پدید میآورد و توده ها را برای انجام موفقیت آمیز وظایف ساختمان کمونیسم و تحقق برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی متشکل میسازد .

حزب بر این اساس می‌کوشد اشکال و ضربه‌های فعالیت خود را تکمیل کند ، اصول و مسوولین
 جنبش زندگی درونی خود را تکامل دهد ، ارتباط با توده‌ها را برپایه مصیقت استوار سازد ، وحدت
 صفوف خود را تمکیم بخشد و بی‌کارجویی و مسئولیت ناسازمان‌های خود را تشدید کند . در کشور ما
 کمونیست بودن عنوان پرافتخار و بخت ولی این عنوان در عین حال تمهیدات بسیاری هم برای فرد
 کمونیست بوجود می‌آورد . احساس عالی مسئولیت و تشنگی و انضباط آگاهانه از سنت‌های حزب
 چنین است . لازمه پیشاهنگ مردم زحمتکش بودن در اندیشه و در پستی ، ارزیابی عینی چگونگی
 دستاوردها ، یافتن بهترین راه حل‌ها برای مسائل جدید ، نشان دادن سرمشق رفتار و کردار
 از خویش برای جلب توده‌ها و تلاش پیگیر و وجدانه برای تحقق مشی مارکسیستی - لنینیستی است
 که تجربه تاریخ صحت آنرا به ثبوت رسانده است . حزب برای تکامل بیشتر از پیش تئوری انقلابی و علوم
 اجتماعی و تکمیل معلومات مارکسیستی - لنینیستی کارها و تبلیغ آرمان‌های کمونیستی اهمیت
 اصولی قائل است . ما مبارزه آشتی ناپذیر علیه آنتی کمونیسم واید نولوژی بورژوازی و خرد میورژوازی
 علیه شوینیسم و ناسیونالیسم ، علیه هرگونه تحریف رویزیونیستی مارکسیسم - لنینیسم را نیز وظیفه
 خود میدانیم .

اصول انترناسیونالیسم پرولتری که بنیاد مناسبات میان احزاب مارکسیست - لنینیست و
 کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهد برای ما مقدس است . مردم شوروی با روح همبستگی طبقاتی
 و دوستی با کشورهای برادر تربیت میشوند . همکاری کشورهای سوسیالیستی برادر جوانب هر چه
 بیشتری را در بر میگیرد و بر پایه عمیقتر استوار میگردد . پیروسه در آمیزی (انترکامیون) اقتصاد کشور
 های سوسیالیستی تقویت مییابد . سطح عالی رشد اقتصادی و علمی و فنی در هر یک از کشورهای
 سوسیالیستی همراه با سیاست پیگیر مارکسیستی - لنینیستی و تحکیم دوستی برادرانه انترناسیونال
 نالیستی به تقویت و پیشرفت بیشتر سوسیالیسم در مجموع آن و گسترش دامنه دگرگونی های سوسیال
 لیستی در هر کشور کمک میکند . هدف در آمیزی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی تسریع آهنگ رشد
 نیروهای مولد در هر یک از این کشورها و در مجموع سیستم سوسیالیسم است و برای تکمیل و بهبود
 استروکتور تولید و تشدید اثر بخشی آن و استفاده از برتری های تقسیم کار بین المللی شرایط مساعد
 فراهم میسازد و به هم تراشدن سطح رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی و تحکیم
 مواضع آنان در اقتصاد جهانی کمک میکند .

سوسیالیسم رشد یافته که یکی از مراحل نیل به کمونیسم است پیشرفت اجتماعی بی وقفه را
 تامین میکند و امکانات نظام اجتماعی نوین را بیش از پیش آشکار میسازد ، زندگی مادی و معنوی
 را شکفته تر میکند و بدینسان در پیروسه رشد اجتماعی جهانی تاثیر روزافزون میبخشد و به مسائل
 قرن پاسخ علمی میدهد .

پیروجه سوسیالیسم شعارهای مقدس برادری انترناسیونالیستی طب و آزادی و صلح را که
 بیانگر طبیعت اجتماعی نوین است بر خود نقتر دارد . اندیشه های سوسیالیسم و دوستی میان
 ملل اکثر عامل واقعی تکامل جهانی و نیروی روزافزونی است که توده های میلیونی را بمسوی خود
 جلب میکند .

تحقق آرمان‌نین

پیروزباد صلح استوار در سراسر گیتی . زنده باد آزادی و
استقلال ملی خلق‌ها ! شرکت در پیکار بخاطر تحقق این
هدف‌های والای انسانی و ستانه و عظیمه‌ای است !
بگذار هر کس به سهم خود در تحقق آرمان‌های دیرین
جامعه بشری : زندگی در صلح ، آزادی و پیشرفت اجتماعی
شرکت ورزد !

" از پیام " خطاب به ملت جهان " که روز ۲۲ دسامبر سال ۱۹۷۲ در
جلسه رسمی مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست ، شوروی عالی اتحاد
شوروی و شوروی عالی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه
بمناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
بتصویب رسید " .

برگزاری پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رویداد بزرگی بود .
سالگرد‌های این واقعه تاریخی عظیم را نسل‌های آینده نیز برگزار خواهند کرد و شاید نسل‌های
کنونی هم‌کسانی در برگزاری صدمین سالگرد تأسیس اتحاد شوروی شرکت‌ورزند . نمایندگان بیش
از صد ملت و قوم گوناگون اتحاد شوروی برای بزرگداشت این رویداد در کم‌گردد آمدند . فرستادگان
از بیش از صد کشور جهان به‌عنوان میهمان آنان در این جشن شرکت کردند تا مراتب احترام جامعه
ترقیخواه بشری را نسبت به نخستین کشور سوسیالیستی کثیرالمله ابراز دارند .
مانند نمایندگان مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که ناظر و شرکت‌کننده در این دیدار جهانی
بودیم چنان احساس داشتیم که گویی در مرکز جریان خروشان سیل تاریخ قرار گرفته‌ایم .
ماهنگام استماع سخنرانی لئونید ایلیچ برژنف " درباره پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی " و سخنرانی‌های نمایندگان جمهوری‌های شوروی و میهمانان خارجی
می‌توانیدیم چگونه اندیشه‌ها و آرزوهای کسانی که نیمه‌قرن پیش در مرکزیت کشور ویران‌گردد آمدند
تا دلتی را بی‌ریزند که در تاریخ جامعه بشری نظیرند داشته‌است - بدرستی در باقیم .
اینکه با اطمینان می‌توانیم بگوئیم که آنها در باره آینده کشور خود می‌اندیشیدند و در آرزوی اتحاد
آینده خلق‌های آزاد سراسر جهان بودند .

روزنامه " ایزوستیا " در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۲ ضمن تفسیری تحت‌عنوان " تشکیل
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارمغان نوروزی به پرولتاریای جهان است " جریان نخستین
کنگره کشور شوراهارا تشریح کرده بود . واسیل کولا روف بلفاری دبیرکل کمیته اجرائی کمینترن
در کنگره می‌گفت : " اتحاد باعظمتی که امروزی افکنده شد در حیات تمام خلق‌های گیتی تأثیری

عظیم خواهد بخشید * .

صحت این پیشگویی در جلسه باشکوهی که برای بزرگداشت این سالگرد بشرکت کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای عالی اتحاد شوروی و شورای عالی جمهوری شوروی شد رأی — و سوسیالیستی روسیه در روزهای ۲۱ — ۲۲ دسامبر ۱۹۷۴ برگزار گردید بر مایه‌ی شدت هیئت نمایندگی بلغارستان نیز با اتفاق سایر هیئت‌های نمایندگی کشورهای سوسیالیستی باین جشن آمده بود . رئیس هیئت تودورژیوف گفت : " ما از همان نخستین روز پیروزی خود بلغارستان را از راه شما و شریک شما پیش بردیم و بخاطر نزدیکی همه جانبه و هر چه بیشتر بلغارستان با اتحاد شوروی کوشیده و با سرسختی باین کوشش ادامه میدهم " .

بنیاد گذاران اتحاد شوروی برای اتحاد دواطلبانه ملل در کانون واحد کشور سوسیالیستی اشکال حاضر و آماده ای در دست نداشتند — آنها خود طرح ریختند و در جریان مشاجرات و مبارزات از آن دفاع کردند . لئونید برژنف ضمن سخنرانی خود از مباحثات سال ۱۹۶۲ یاد کرد . در این مباحثات پیشنهاد هایی در باره تشکیل کنفدراسیونی بدون حکومت واحد و نیرومند و نیز نظریاتی درباره " خود مختاری " که استقلال جمهوری‌ها را جداگانگانه محدود و مساخت همیان کشیده میشد ، ولی طرح لنینی ایجاد دولت متحدی بصورت اتحاد دواطلبانه جمهوری‌های برابر حقوق پیروز گردید . درنگ این مطالب که لنین آنزمان چه اندازه در مورد امروزه شوار نیست ، اندیشه‌هایی که او مطرح ساخت استواری بیسابقه این اتحاد سوسیالیستی ملل را تأمین کرد . این اتحاد نه تنها از آزمایش زمان و آزمایش دشوارترین جنگ‌ها پیروز را آمد بلکه به سر مشقی بدل گردید که امروز ملل جهان بآن تاسی میجویند . ما که هنگام برگزاری این جلسه در کرم حضور داشتیم وقتی فیدل کاسترو گفت : " تکامل جامعه جمهوری‌های سوسیالیستی در کانون کشور واحد کثیرالمله بیشک طلایه جهان آیند ملل سوسیالیستی متحد و یکدل ، طلایه جهانی است که آلمان دیرین درباره ایجاد جامعه بشری فارغ از مرزهای جغرافیایی به تحقیق نهایی خواهد پیوست " — سخنان او را با کف زدن های پر شور و صمیمانه استقبال کردیم .

نیم قرن پیش چهار جمهوری درباره تأسیس کشور واحد پیمان بستند و اینک پانزده جمهوری متحد سالجشن این اتحاد را برگزار می‌کنند . هیئت‌های نمایندگی احزاب و دولت‌های ۱۱ کشور سوسیالیستی برادر ، در جان و دلتی بسیاری از کشورهای خارجی ، هیئت‌های نمایندگی ۶۵ حزب کمونیست و کارگری از کشورهای غیر سوسیالیستی ، هیئت‌های نمایندگی احزاب و موکرات ملی و سوسیالیست چپ ، بیش از ۷۰ هیئت نمایندگی سندیکاها و هیئت‌های نمایندگی سازمانهای اجتماعی ملی و بین المللی برای شرکت در این جشن به مسکو آمده بودند . ایستادن ارقام نمایشگر گام‌های تاریخ نوین ، تاریخ واقعی جامعه بشری است که نخستین صفحه آنرا اکثر بزرگ گشوده است . انقلاب ، رطلازم ایجاد اتحاد شوروی بود و این انقلاب حوادث سیاسی بسیاری را در پی داشت که مجموعه آنها سیمای کنونی جهان را مشخص می‌سازد . بسیاری از سخنرانان از پیوند میان انقلاب سوسیالیستی و پیدایش اتحاد خلق‌ها سخن گفتند . ژرژ مارشال دیرکل حزب کمونیست فرانسه گفت : " همانگونه که مارکس و انگلس پیشگویی کرده بودند فقط سوسیالیسم میتواند به اتفاق ملی پایان بخشد . فقط اجرای سیاست ملی لنینی که حزب کمونیست اتحاد شوروی از آن پیروی کرد میتواند شکوفایی آزاد بهیتر از صد خلقی برابر حقوق و پیدایش اشتراک تاریخی نوینی بصورت خلق شوروی را تأمین کند " .

تجربه شوروی نمونه‌های نوین فراوانی را پدید آورد که از خصائص ذاتی واقعیت سوسیالیسم است . یکی از این نمونه‌ها را مادر جشن چشم دیدیم . ما دیدیم که چگونه منافق مشترک و شوروی

زائیده نیمقرن حیات خانواده واحد خلق ها با عتاف ویژه ملی آنان در آمیخته است . در این خانواده برادر رهبر ملت نمیشود فرهنگ خود را حفظ کرده بلکه آنرا تکامل داده و اگر بکار بردن چنین اصطلاحی در مورد یک خلق جائز باشد ... خصوصیات فردی خود را در خشانتر از گذشته متجلی ساخته است . در همین حال خصیصه منویبی پدید آمده که به هیچ ملتی بطور مجزا وجود نداشته تعلق ندارد و آن اشتراک تاریخی نوین انسان ها یعنی خلق شوروی است .

پیدایش این اشتراک به سابقه انسان ها پرورمه ایست مشروط به عوامل عینی ولی به هیچوجه جنبه خود بخود ندارد . ما میدانیم که این پرورمه را حزب کمونیست اتحاد شوروی رهبری و هدایت میکند . فعالیت مجدانه و پیگیر حزب ، برادری بینظیری در میان خلق ها پدید آورد و مناسباتی میان ملل برقرار ساخت که در جامعه اشتراک گر ممکن نیست . خلق های شوروی در زیردرفش این حزب جامعه کمونیستی به امیدارند .

ایجاد اتحاد شوروی تحقق درخشانی از اندیشه های لنین است . تکامل این جامعه در طول نیمقرن و پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز تحقق آرمان لنین درباره برادری آینده ملل آزاد از یوغ سرمایه است . همانگونه که لنین پیشبینی میکرد جامعه ملل سوسیالیستی میتواند برحسب چگونگی شرایط و عوامل عینی باشکال گوناگون تکامل پذیرد . شاخص ترین پرورمه عینی دوران مانزدیکی همه جانبه و در درجه اول نزدیکی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی است . این نزدیکی بر بنیاد تعاون برادرانه و همکاری طبیق برنامه استوار است که اکنون به شکل درآمیزی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی تجلی می یابد . همکاری سیاسی واید و لولوی یک فرهنگ و زندگی و نه ملی کشورهای برادر نیز اهمیت فراوان دارد . همه این عوامل نشانه ایست از تحقق بیشتر از پیشتر اندیشه لنین درباره اتحاد .

تجربه شوروی و واقعیت هستی اتحاد شوروی ، کمک برادرانه خلق شوروی به خلق های دیگری که در راه آزادی اجتماعی و ملی خود مجاهدت میورزند برای تمام کشورهای که در شرایط خاص برای اتحاد راه رشد سوسیالیستی مبارزه میکنند اهمیت عظیم دارد . این نکته را لنین در لگانتو وزیر حکومت خلق شیلی ضمن نطق تهنیتی که از جانب دولت کشور خود و تمام احزاب جنبه وحدت خلق و هیئت های نمایندگی حزب کمونیست و حزب سوسیالیست شیلی ایراد کرد خاطر نشان ساخت . تشکیک اتحاد شوروی و تکامل آن و سیاست خارجی فعال آن به طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری برای مبارزه در راه سوسیالیسم الهامی بخشد و به کامیابی ملل مبارز راه استقلال ملی کمک میکند . این اندیشه را گس های دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحد و دانگه صدر شورای ملی حزب کمونیست هند وستان و بسیاری از سیهانان دیگر بیان داشتند .

در روزهای جشن در مسکو ما با بسیاری از مردم شوروی گفتگو کردیم . خاطره یکی از این ملاقات ها بویژه فراموش نشدنی است . هنگام تنفس جمله رسمی جشن الکساندر ریاکریشکین خلبان و قهرمان نازی جنگ کبیر میهنی ، سه بار قهرمان اتحاد شوروی بسوی ما آمد و وقتی فهمید که یکی از ما کانادایی است فریاد زد :

— آهه ، کانادا ؟ پس ما با هم همسایه ایم : آخه من اهل سیبری ام .

در این شوخی ساده حقیقتی عمیق نهفته است : تمام خلق ها بهمین نزدیکیند . آنچه آنها را از هم جدا میکند بعد مسافت و اختلاف زبان یا رنگ پوست نیست بلکه نابرابری طبقاتی و اقتصادی ملیتاریسم و استثمار سرمایه داری است . باینجهت مضمون پیام مصوبه جمله رسمی " خطاب به ملل جهان " که خلق ها را به اتحاد ، تشدید فعالیت در راه حفظ و تحکیم صلح ، برانداختن کانون های تجاوز امپریالیستی ، تقویت مواضع سوسیالیسم ، محو کامل ستم استعماری ، ریشه کن

ساختن بيمدالتی اجتماعی و ظالم ملی و نابرابری و دفاع از ارزش ها و فرهنگی و معنوی جامعه انسانی دشوارتر ميکند برای همه خلق ها مفهوم و دليل پذيراست . اتحاد با عاظم ملل سوسيالیستی کفيمقرن پيش پديد آمد مطمئن ترين راه را بران نيل به تمام اين هدف ها نشان داد است .

هيئت نمايندگی " مجله مسائل صلح و سوسيالیسم " در جشن پنجاهمين

سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسيالیستی :

بيسترا آورا مووا عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ،

ساردامیترا عضو شورای ملی حزب کمونیست هند وستان ،

مل دوپیک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا ،

تئود و سپووارا عضو مشاور هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب کمونیست

کلمبیا .



۱۲۵ سال پیش "مانیفست حزب کمونیست" آفریده
مارکس و انگلس منتشر گردید. "مانیفست" با شعار انقلابی
"پرولترهای تمام کشورها متحد شوید!" پایان مییافت.
از آن پس این اثر بیشتر از ۱۱۰۰ بار به ۱۰۱ زبان ملس
جهان انتشار یافته است.

برنامه آزادی جامعه بشری

آلبرت نورن

عضو هیروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست متحد آلمان

در آغاز سال ۱۸۴۸ مارکس دستنویس "مانیفست حزب کمونیست" را که با تفاق انگلس
نوشته بود به چاپخانه فرستاد و بدینسان ماوریت بسیار مهمی که کنگره دوم اتحادیه کمونیست
ها محول کرده بود بانجام رسید. با طرحریزی این برنامه پیوستهترین نخستین سازمان
انقلابی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر فرجام پذیرفت.

پیدایش "مانیفست" در سیر تاریخ پرولتاریای آلمان و جهان نقطه عطفی دید آورد و اینک
پس از گذشت ۱۲۵ سال اندیشه های آن جراحی است فراراه کارگران سراسر جهان برای
برونرفت آنان از تنگنای پریپیچ و خم استثمار و ستم سرمایه داری و جنگ های استیلاگرانه.
"مانیفست" برنامه دقیق عمل است - هم در آنجا که طبقه کارگر به پیروزی رسیده است و هم
آنجا که در راه آزادی خود مبارز میکند. مشکل بتوان کتابی یافت که از نظر تاثیر اجتماعی
بتواند با "مانیفست"، با این ترانه ترانه های مارکسیسم پهلوزند.

تاثیر تاریخی بینظیر "مانیفست حزب کمونیست" ناشی از این عامل قاطع بود که طبقه ای که
در سیر تکامل جامعه بشری نقش تعیین کننده دارد برای نخستین بار رسالت انقلابی خود را اعلام
داشت و از پس آن به مبارزه برخاست تا این رسالت را تحقق بخشد یعنی نظام سرمایه داری را که
در آن زمان پرتوان بنظر میرسید براندازد، طو ما را استثمار انسان از انسان را در هم پیچد و جامعه
ای هماهنگ، فارغ از طبقات و با سرشتی واقعا انسانی بنیاد نهد. این برنامه در "مانیفست"
نه در قالب پندارها و آرزوها بلکه بر بنیاد شناخت دقیق قانونمندیها و گرایشهای عینی تکامل
اجتماعی عرضه شد. کمونیسم از تخیل به علم بدل گردید.

تئوری آفریده مارکس و انگلس فقط در پرتو پیوند مستقیم با جنبش کارگری میتوانست راه کمال
پوید. جنبش کارگری نیز برای آنکه بتواند خصلت و اقامت انقلابی کسب کند به تئوری علمی نیاز

داشت . پیدایش "مانیفست" که تولد حزب انقلابی پرولتاریا را بشارت داد در عین حال بجز
قراری پیوند کمونیسم علمی با جنبش کارگر را آغاز نهاد .

انگلس در پایان حیات خود خاطر نشان ساخت که هر زمان که جنبش کارگری کفاره عدول آن
از اندیشه های "مانیفست" و هر کامیابی آن پاداش وفای آن باین اندیشه ها و اجر کاربست
خلاق آنست .

کامیابی های ارودگاه سوسیالیستی و تمام نیروهای انقلابی عصر حاضر مبدی نیروی حیاتی
و حفظ اهمیت "مانیفست" است . لنین مینویسد : " این کتاب کوچک باندازه جلد ها کتساب
ارزش دارد : تمام پرولتاریای متشکله و مبارز جهان متمدن تاکنون بمنبروی روان این کتاب زنده
و در حرکت است " (۱) .

رسالت انقلابی با عظمت

رسالت تاریخی طبقه کارگر در "مانیفست" با تکیه بر مواضع ماتریالیسم تاریخی و اقتصاد
سیاسی مارکسیستی و استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریا مستدل شده است . تحلیل
قوانین تکامل جامعه و در درجه اول قانون ضرورت تطابق مناسبات تولیدی با نیروهای مولد
و نیز قوانین ویژه صورتبندی اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری مارکس و انگلس را باین نتیجه
رسانید که نظام سرمایه داری به فزونی محتوم محکوم است .

بورژوازی در وجود طبقه کارگر که چگونگی شرایط هستی اش در جامعه سرمایه داری خود
بخود بان خصلت انقلابی میبخشد "گوگون" خود را پدید میآورد . طبقه کارگر که آفریننده تمام
ثروت های مادی این جامعه است خود از مالکیت پر وسایل تولید محروم است . کارگران مجبورند
نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند و باینجهت مانند هر کالایی دستخوش تمام عواقب
رقابت و نوسانات بازارند . آنها فقط در صورت یافتن کار یعنی فقط تا زمانیکه کارشان سرمایه
افزا باشد میتوانند به هستی ادامه دهند . از اینجاست علت عدم اطمینان دائمی و روزافزون به
فردا .

امروز نیز بورژوازی قادر نیست زندگی عادی برای کارگران تضمین کند . اشکال استثمار
(اعم از اشکال اکسترنسیف و اینترنسیف) که با ظریفکاری هر چه بیشتر اعمال میگردد خصلت
خلاق کار را از بین میبرد و آنرا بیش از پیش به پدیده ای بیگانه بدل میسازد .

مارکس و انگلس پرولتاریا را بیگانه طبقه ای تشخیص داده اند که میتواند تسلط بورژوازی را بر
اندازد و نظام نوین شایسته و براننده انسان بنیاد نهد . چرا ؟ زیرا این طبقه بیش از تمام
طبقات جامعه بورژوازی در براندافتن سیستم سرمایه داری ذینفع و از همه آنها متحرک تره
متمرکزتر و متشکل تر و با انضباط تر است . در وجود طبقه کارگر نیروی توانائی پدید آمدن سیستم
تاریخ جامعه بشری را در گروگن سازد .

"مانیفست" مراحل تدارک و تحقق این در گروگنی تاریخی را نشان داده است . این
مراحل عبارتند از : پیدایش جنبش سیاسی مستقل پرولتاریا تحت رهبری حزب کمونیست ، مبارزه
برای تامین منافع روزمره و عاجل که در عین حال هدف نهائی یعنی احراز قدرت سیاسی را از نظر
دورنمیدارد ، برانداختن تسلط بورژوازی و مناسبات تولیدی سرمایه داری و فائق آمدن براندیشه

ها و نظریات دوران گذشته .

طبقه کارگر با آزادی خود سایر طبقات و قشرهای زحمتکش اهالی را نیز که پیش از پیش به بورژوازی وابسته میشوند و سپس از هستی ساقط میگردد و به ارتش ذخیره کار صنعتی میپیوندند آزاد میکند .

دوران ما طبقه کارگر با پیوسته تأثیر خود در شاهراه ساختمان سوسیالیسم نابرابری و دستمگری ملی و نژاد را از بین میبرد . با اینجهت این طبقه بطور طبیعی نیروی رهنمون مبارزه ضد امپریالیستی است و توده های بزرگ زحمتکشان را پیرامون خود متحد میسازد .

دوران تسلط بلامنازع امپریالیسم دیرینهت سپری شده است . با آنکه ماهیت شبه کارانه و هدفهای تجار و کارخانه امپریالیسم تغییر نیکرده است و واقعیت وجود و پیشرفت سیستم جهانی سوسیالیستی تناسب نیروها و جهانی را پیوسته بصورت صلح و سوسیالیسم تغییر میدهد . تجربه سوسیالیسم واقعی گواهر آنستکه نظام اجتماعی نوین امکانات و منابع عظیمی برای پیشروی اجتماعی سریع در خود نهان دارد . افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی در پیرویه انقلاب جهانی تأثیر قاطع میبخشد .

اصول اندیشه های "مانیفست" آید بولوگ های بورژوا را بوحشت میاندازد و به همین جهت بدقت آنرا "مطالعه میکنند" .

تاریخ بی پایگی تلاش های جدیدی را که برای اثبات "کهنگی" احکام و پیشگویی های مارکس و انگلس بکار برده نشان داده است . اکنون برای انصراف توجه از علاقه روز افزون بدکمونیم علمی و سندی که پیدا شد آنرا اعلام داشت ثوری سرمایه داری "نوسازی شده" که گویا حاصل دیگری "جامعه رفاه و بهر روزی" مبتنی بر "همکاری اجتماعی" بدل گردیده است تبلیغ میشود .

ولی این افسانه نیز با واقعیات زندگی روزمره و با گرایشهای واقعی سیر تکامل امپریالیسم تعارض فاحش دارد .

انقلاب علمی و فنی جریان اجتماعی شدن کار را تقویت میکند و تمرکز و تراکم تولید و سرمایه را به شدت به مسابقه ای میرساند . ولی انباشت سرمایه در عین حال با رشد طبقه کارگر همراه است . در اواسط قرن نوزدهم عهد پرولتاریای جهان آزد میلیون و در آغاز سال های سی ام قرن بیستم از ۳۰ میلیون بیشتر نبود . ولی امروز ارتش جهانی کارگران صد ها میلیون نفر را در بر میگیرد . این ارقام نشان میدهند که دعوی آید بولوگ های بورژوا در باره "برافتادن" طبقه کارگری ناشی از نفی بی بند و بار واقعیات عیان است و با زتابی از امید نهان استثمارگران محکوم به فنا ، زیرا اگر طبقه کارگر "برافتد" ضرورت رهایی انقلابی و سوسیالیسم نیز متفی خواهد بود .

مبارزه سرسخت زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و نیز نیروی سرمشق سوسیالیسم واقعا موجود بورژوازی امپریالیست را و امید ارد تا به برخی گذشت ها و درجه معینی از ارتقاء سطح زندگی مردم تن در دهند و این امر در مجموع خود رشد نیروهای مولد را تسریع میکند . آنگاه ستایشگران سرمایه داری از آن بسود خود چنین استنتاج میکنند که گویا طبقه کارگر دوران کنونی "امتنحاله بورژوازی" پیدا کرده است و دیگر با پرولتاریائی که مارکس و انگلس از آن سخن میگفتند هیچگونه توجه مشترکی ندارد ، زیرا این طبقه اکنون طبقه رفاه جامعه بورژوازی است و حال آنکه در دوران "مانیفست" طبقه مستمندان محتاج بنان شب بود . ولی ملاک بنیاد گذاران مارکسیسم پیش از هر چیز تحلیل چگونگی وضع اجتماعی - اقتصادی پرولتاریا بود و میزان مصرف در چگونگی این وضع نقش تعیین کننده ندارد . عامل قاطع در نظرات آنها این بود که طبقه کارگر

خالق تمام ارزش های مادی است و این حاصلی که ثروت اجتماعی عایدش میگردد در بهترین حالات معادل ارزش کالای نیروی کار است و این کیفیت از سده گذشته تا کنون ادنی تغییری نکرده است. ولی در طول همین مدت ثروت های عظیمی در دست مشت ناچیزی از بزرگ سرمایه داران مالک وسائل تولید متمرکز شده است. تنها همین واقعیت که اکنون ۷۰ درصد وسائل تولید در جمهوری فدرال آلمان در دست ۱٫۷ درصد صاحبان ثروت ها است کذب فاحش دعوی " هماهنگی اجتماعی " و " سرمایه داری خلق " ونیزه را ثابت میکند .

تضاد آشتی ناپذیر میان کار و سرمایه ، مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی امروز نیز مانند ۱۲۵ سال پیش محتوی اساسی زندگی اجتماعی و سیاسی کشورها و سرمایه داران را تشکیل میدهد . کلمه " اعتصاب " در جامعه بورژوازی کنونی پیوسته بر زبان ها جاری است . از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۰ در جهان سرمایه داری ۵۸۳ میلیون نفر در نبردهای اعتصابی شرکت کردند . در سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ گسترش جنبش اعتصابی ادامه یافت . در سال ۱۹۷۰ تعداد شرکت کنندگان این جنبش ۲۵ میلیون بود و در سال ۱۹۷۱ به ۷۰ میلیون رسید . نفوذ هسته صنعتی طبقه کارگر در میان کارمندان و سایر زحمتکشان روز افزونست و این امر موجب میشود تا این قشرها نیز اشکال پرولتری را در مبارزات خود بکار برند .

در جریان اعتصابات و اشکال دیگر مبارزات عمومی که با طرح خواسته های سیاسی همراه است نیروی انقلابی کارگران قوام میپذیرد . تلاش های بورژوازی برای جلوگیری از سوخ شعارها و خواسته های سیاسی در مبارزات اقتصادی محبت میماند ، اکنون دیگر سیاست جلوی دروازه های کارخانه ها متوقف نمیشود . مثلاً در جمهوری فدرال آلمان قانونی درباره طرز رفتار در کارخانه ها صادر شده که اجتماعات سیاسی را در محوطه کارخانه ها و موسسات ممنوع میکند . ولی در بحبوحه مبارزه برای بتصویب رساندن قرارداد های جمهوری فدرال آلمان با اتحاد شوروی و جمهوری تود ای لهستان در بسیاری از موسسات بزرگ کشور اعتصابات و تظاهراتی برای اعتراض به سیاست حزب دموکرات - مسیحی برپا شد . در این زمینه نمونه جمهوری دموکراتیک آلمان نیز که کارگران آن در موسسات خود مسائل سیاسی را مورد بحث قرار میدهند و متذکران های همبستگی یا زحمتکشان کشورهای آزاد را برپا میدارند تاثیر خود را اعمال میکند . مجموعه این عواملی که در برصحت کامل این حکم " مانیفست " است که مبارزه طبقاتی همیشه خصلت سیاسی دارد . پیوند میان خواسته های اقتصادی و سیاسی زحمتکشان بیش از پیش مستحکم میشود و هر یک از ستاوردهای اجتماعی آنان مواضع سرمایه انحصاری را تضعیف میکند .

بیا نگران " جنبش در مجموع "

کامیابی های جنبش کارگری در طول چند دهه اخیر و در وهله اول پیدایش و تکامل آفریده عمده آن یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی در پرتو رهبری احزاب مارکسیست - لنینیست تحقق پذیرفته است . فقط این احزاب بودند که توانستند مبارزات کارگران را در عرصه های اقتصاد ، سیاست واید تئولوژی با هم در آمیزند و به مجرای صحیح سوق دهند .

ایدئولوژی های بورژوازی و ریزینویستی ها دعوی دارند که گویا مارکس به آزادی خود بخود پرولتاریا اعتقاد داشت و هیچگاه باین اندیشه که حزب پیشاهنگ پرولتاریاست میدان نمیداد . آنها خیلی دلشان میخواست نظریات مارکس و انگلس را در این زمینه با نظریات لنین متضاد جلوه دهند . ولی اگر اندیشه عمده " مانیفست " یعنی ضرورت ایجاد حزب سیاسی مستقل کارگران

برپایه برنامه عسقلانی از آن حذف می‌شد چه صورتی پیدا می‌کرد! مارکس و انگلس تسجیل کردند که در بدو و صرفاً پیشروترین بخش طبقه کارگر می‌تواند به قله کمونیسم علمی دست یابد. وظیفه و بحق این پیشاهنگ است که پیشاپیش طبقه خود گام بردارد و شعور پرولتری میان آن برد و مبارزه طبقاتی برپا کند.

وقایع ۱۲۵ سال اخیر (یعنی برهه زمانی کوتاه در سیر تاریخ جامعه بشری) پنجمی بگذرد باید یرنشا امید هد که: هیچ تئوری دیگری با اندازه نخستین برنامه حزب مارکسیست چنین تاثیر انقلابی کننده ای در جهان نداشته است. جنبش کمونیستی تنها با شرکت چند صد نفر آغاز شد ولی امروز بیش از ۵۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد. مترنیخ و تزار، " اتحاد مقدس"، قانون بیمه کارک علیه سوسیالیست های آلمان، دژخیمان فاشیست در پروس، بهزیله تاریخ سپرده شده اند. ولی کمونیست ها علیرغم پیگرد ها و افتراآت و هزار بار تارتار و مار و منخله اعلام شدن به متغذترین نیروی سیاسی عصر حاضر ضربه دل گردیده اند.

امپریالیسم دشمن خطرناک و نیرومند است که کم بهادان آن جایز نیست. اونیز تجارب معین اند و خسته و اکنون تمام نیرو و وسائل و امکانات خود را بکار میبرد تا از پیوه ظرفیت سوسیالیسم جلوگیری کند و ذهن کارگران را از توجه به تناقض منافعیشان با منافع سرمایه انحصاری دورنگهدارد. بهمین جهت نیاز جنبش ضد امپریالیستی به نیروی انقلابی رهنمون می‌تواند تضاد های طبقاتی جامعه سرمایه دار را عمیقاً درک کند و وضع واقعی زندگی توده ها را استعمار شونده را (که اکنون از نظر معنوی نیز پیش از پیش تحت فشار قرار می‌گیرند) با آنان توضیح دهد و به بیان دیگری نیاز به حزبی که مبارزه ضد امپریالیستی را هدایت کند پیش از پیش شدت یابد.

احزاب کمونیست برای تامین شرایط پیروزی بر سرمایه دارن ضمن دفاع پیگیر از منافع طبقه کارگر و قاطبه مردم در راه تحقق وحدت عمل تمام نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی مجاهدت می‌ورزند. یکی از کامیابی هائی که اخیراً در راه تامین این وحدت در اروپای غربی بدست آمده موافقت میان حزب کمونیست و حزب سوسیالیست برادریکال های چپ فرانسه درباره " برنامه دولتی مشترک " است.

محافل حاکمه امپریالیستی و ایدئولوگ های آنان میکوشند از همان راه باره فعالیت احزاب مارکسیست مشوب سازند و میان آنها توده ها جدائی اندازند. لیه تیز حملات آنها در درجه اول علیه احزاب کشورهای سوسیالیستی متوجه است که طبقه کارگر در آنها زمام حکومت را بدست دارد.

دشمنان ما مدعیند که گویا تمام امور جامعه سوسیالیستی را فقط خود حزب اداره میکنند و بنابراین نقش رهبری طبقه کارگر در سوسیالیسم دیگر نمیتواند محل از اعراب داشته باشد. ولی بیانگر منافع اساسی طبقه کارگر جز حزب کمونیست کیست! نقش رهنمون حزب کمونیست در جامعه سوسیالیستی با حرف اعلام نشده بلکه در پرتو مجاهدات آن در راه تامین منافع کارگران و تمام مردم بکف آمده است.

مارکس و انگلس با توجه به دیالکتیک تاثیر متقابل طبقه کارگر و حزب بود که در "مانیفست" اعلام داشتند کمونیست ها " . . . هیچگونه منافی جدا از منافع مجموع پرولتاریا ندارند " و " در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی طی میکند همیشه بیانگر منافع جنبش در مجموع آن هستند " (۱). کمونیست ها برای تحقق هدف ها و منافع عاجل طبقه کارگر

(۱) - مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۴، ص ۴۳۷ (رجوع شود به ترجمه فارسی "مانیفست"، ص ۷۶ - ۸۰)

مبارزه میکنند و در عین حال در جنبش امروز آید و از هدف های نهائی و آرمان های آن دفاع مینمایند .

حزب سوسیالیست متحد آلمان اصل اساسی مناسبات میان حزب ، طبقه کارگر و سایر زحمتکشان یعنی آموختن از توده ها و آموختن بمتود همارا چون مردم دیده حفظ میکند . حزب ما به پیروی از قرارهای کنگره هشتم وظیفه درجه اول خود میداند که نمایندگان هر چه بیشتری از طبقه کارگر را به شرکت در رهبری سیاسی و اقتصادی کشور جلب کند و حسن مسئولیت آنانرا در قبال امور سراسر کشور تقویت نماید .

بدینسان حکم " مانیفست " در باره رسالت تاریخی طبقه کارگر تحت رهبری حزب که خود بخشی از این طبقه است و بهترین بیانگران آنرا در صفوف خود جمع دارد - تحقق مینماید . در برتویینوند حکم حزب با جنبش انقلابی توده ها اعتماد تمام مردم بآن بیش از پیش افزایش مینماید .

مهمترین اصل - وحدت است

مارکس و انگلس در " مانیفست " نشان دادند که اصل اساسی جنبش کمونیستی انترناسیونالیسم پرولتری است - شعار مانیتیک عامیانه و تجریدی " همه انسان ها برادرند " - " جمعیت عدالت " اعلام میداشت در " مانیفست " جای خود را به شعار انقلابی بیکارجوی " پرولترهای همه کشورها متحد شوید ! " داد .

در دوران ما کامیابی هر واحد ملی طبقه کارگر را و هر شرایط مشخص محیط مبارزه و سطح سیاسی و ایدئولوژیک و سازمانی آن به درجه همبستگی بین الطلی و وحدت عمل طبقه کارگر در مقیاس جهانی نیز وابسته است . قدرت پرولتاریای جهانی و اثر بخشی آن در مسیر حوادث جهانی و شدت فشار آن بر امپریالیسم جهانی نیز به کامیابی های طبقه کارگر کشورهای گوناگون بستگی دارد .

تغییر تناسبات پیروها بسود صلح و سوسیالیسم از یکسو و گرایش ذاتی سرمایه داری در جهت بین الطلی کردن زندگی اقتصادی از سوی دیگر سرمایه انحصاری جهانی را بیشتر از پیش بهمسم در آمیخته است . این امر بنوبه خود تقویت بیش از پیش اتحاد صفوف و وحدت عمل جنبش جهانی کارگران را ایجاد میکند . کامیابی در مبارزه علیه گروههای متحد انحصارات جهانی در صورتی میسر خواهد بود که زحمتکشان کشورهای که شعب این انحصارات در آنها اثر است نیز بایکدیگر متحد شوند و تشریک مساعی کنند . باینجهت امروز برای همکاری بین الطلی سندیکاها اشکال نوینی پیدا میکند . مثلا میان سازمانهای سندیکائی موسسات و کارخانه های انحصارات جهانی در فرانسه و ایتالیا و بلژیک ارتباط برقرار شده است . میان این سازمان ها هر چند ی بیکار و بدار هائی صورت میگردد که در جریان آن اطلاعات و تجارب خود را در زمینه مبارزه منظم با یکدیگر مبادله میکنند ، خواست های مشترک تنظیم مینمایند ، اقدامات خود را در ماهنگ میسازند و متقابلا از یکدیگر پشتیبانی میکنند .

واقمیت وجود کشورهای سوسیالیستی و پیشرفت های آنها بخودی خود عاملی است که زحمتکشان کشورهای سرمایه داری را در مبارزه علیه سرمایه انحصاری قویدل میسازد و امکان میدهد تا از تجربه و معلومات آنان استفاده کنند . نمونه های جهان از بندرسته نشان میدهد که معضلاتی که جامعه بشری در دوران کنونی با آنها دست یگریبانست چگونه در این کشورها بسود تمام زحمتکشان شهر و ده با اجراء موفقیت حل میشود . کوشش مستمر برای پاسخگویی هر چه کاملتر

بهتیا زندی های مادی و معنوی و سیاست مسالمت آمیز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مهمترین عامل اعتلای مبارزه ضد امپریالیستی است. باینجهت کمونیست ها دفاع از سوسیالیسم را وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانند.

ایدئولوگ های بورژوا و روپیونیست که نقش پانبرری مسائونیست های پکن را بازی میکنند میکوشند میان استروکتور جهان سوسیالیستی و استروکتور جهان سرمایه داری علامت تساوی بگذارند و سیاست خارجی صلحدستانه سوسیالیسم را باستان امپریالیستی " از موضع زور " یکسان جلوه دهند. این مقرران خیلی دلشان میخواست طلب جهان این واقعی را فراموش میکردند که اگر یک " ابرقدرت " یعنی امریکا بمب برویتنام میریزد و هرروز زنان و کودکان را بهلاکت میرساند اتحاد شوروی که در قاموس آنسان ایضا " ابرقدرت " نامید میشود به طلب مبارزه آزادی کمکهای همهجانبه بیشایه مبذول میدارد.

طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی که در نوشته های آنتی کمونیستی " نیروی محافظه کار " و " قربانی بوروکراسی " وانمود میگردد همبستگی خود را با برادران مبارزش و مبارزه آزاد بیخش در هر یک از مناطق قاره های آسیا، آفریقا و امریکا لاتین با کار واقعی و موثر نمایش میدهد و در آینده نیز چنین خواهد کرد. " خلاصه اینکه کمونیست ها همهجا از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی و سیاسی موجود پشتیبانی میکنند " (۱) .

بنیادگذاران کمونیسم علمی مبارزه ملل علیه استعمار را نیز جنبش انقلابی میدانستند و ماهیت استعمارگرانه سیاست استعماری سرمایه داری را قائل میشاختند. آنها از روی نمونه مناسبات میان کارگران کشورهای استعمارگر و کشورهای مستعمرات (و از جمله انگلستان و ایرلند) ثابت کردند که رهائی ملی ملل مستکش برای کارگران کشورهای استعمارگر جنبه عدالت انتزاعی وانسان دوستی تجریدی ندارد بلکه نخستین شرط رهائی اجتماعی خود آنانست.

انترناسیونال اول که مارکس و انگلس آنرا تاسیس کردند بر انداختن متقم ملی و استعماری رامهمترین وظیفه در عرصه مبارزه برای دموکراسی، آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی اعلام داشت. جنبش آزاد بیخش ملی در دوران ما یکی از جریان های اساسی پروسه انقلاب جهانی است. ملل آسیا و آفریقا و امریکا لاتین باتفاق طبقه کارگر جهان و سیستم جهانی سوسیالیستی ضربات عوثر بر امپریالیسم وارد میسازند. مبارزه آنان نیروی تعرض مشترک سرمایه انحصاری جهانی را قزونی میبخشد.

بورژوازی نیروی انترناسیونالیسم پرولتری را درک میکند و همین جهت، هم این اصل را تخطئه میکند و هم میکوشد جنبش کارگری را با زهرناسیونالیسم مسموم سازد. کسانی که به بهانه دفاع از منافع ملی غلط درك شده تعهدات بین المللی خود را به بوته اجمال میگذارند به بورژوازی کمک میکنند. از سوی دیگر انترناسیونالیسم پرولتری با کهنه دادن به منافع ملی و مبالغه کجانبه بیرونی انقلابیگری در مقیاس جهانی نمیتواند وجه مشترکی ندارد.

میان تعهدات ملی و بین المللی هر یک از واحدهای جنبش کارگری پیوند دیالکتیکی وجود دارد و هیچیک از این دو عنصر را نمیتوان مطلق ساخت و منفی کرد. هنر سیاست چه در زمینه داخلی و چه در زمینه بین المللی درك صحیح همین وحدت است.

(۱) - مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۴، ص ۴۵۹ (چاپ آلمانی) (رجوع شود به ترجمه

فارسی " مانیفست "، ص ۱۲۱) .

هدف آزادی - انسان است

هدف عالی و مفهوم آفریده فکری دوران ساز مارکس و انگلس انسان است - انسان فارغ از استثمار، انسانی که تسلط خود را بر طبیعت برقرار میسازد و چگونگی مناسبات را در محیط جامعه تحت نظم آگاهانه در میآورد .

وقتی مولدین متحد و مشترک المنافع مالکیت خود را بر وسائل تولید برقرار میسازند و امور تولید را بروفق برنامه دقیق تنظیم میکنند با این عمل شرایط موجودیت خویش را تحت کنترل خود قرار میدهند . بدینسان برای تجلی همه جانبه شخصیت فرد در جامعه ای که " در آن رشد آزاد هر انسان مشروط به رشد آزاد همگان است " (۱) مقدمات لازم فراهم میآید .

سوسیالیسم همانگونه که پراتیک آن بعیان نشان میدهد هدف جدیدی در برابر انسان میگذشاید و نیروها و استعداد هائی را که در نهاد او وجود دارد آزاد میکند . انسانهایی که به کار بین ریزی جهان نوین مشغولند بتمام عرصه های زندگی اجتماعی و رهبری بر آن دسترسی آزاد پیدا میکنند . انسان بمفهوم واقعی کلمه اجتماعی میشود : این حکمپنیداری انساندوستی مارکسیستی است که آرمان های تجریدی و دور از واقعیت را در باره کمال انسانی ملاحظه قرار نمیدهد بلکه برپایه شرایط واقعی تکامل جامعه سوسیالیستی و منافع و نیازمندی ها و مجاهدات انسان سوسیالیستی استوار است .

هر اندازه که سطح تکامل روانی و جسمانی و اخلاق انسان سوسیالیستی بالا تر باشد مناسبات اجتماعی را نیز بهتر درک میکند . هر کارگر و دهقان و روشنفکر حق دارد در تصمیمات مربوط به بهترین شیوه استفاده از مالکیت سوسیالیستی و توزیع ارزش ها آن آفریدگار خود شرکت ورزد . بدینوسیله است که او خود را بمثابه خالق واقعی ثروت اجتماعی باز میشناسد . این حق و ایمن بازشناسی در سیستم استثمار سرمایه داری وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . در مورد جامعه سوسیالیستی عکس این مطالب صادق است بدینمعنی که این جامعه امکانات و برتری های خود را جز از طریق فعالیت آگاهانه زحمتکشان نمیتواند تحقق بخشد . بنابراین تحکیم دولت سوسیالیستی و تکمیل دموکراسی سوسیالیستی بدون فعالیت تمامی خلق غیر ممکن است .

جامعه بشری اعلام شعارهای آزادی ، برابری ، برادری از دیرباز در راه استقرار آنچنان مناسبات اجتماعی مجاهدت میورزیده است که در آن انسان دشمن انسان و دولت نیروی بیگانه و خصم زحمتکشان نباشد و امکان استثمار و جنگ و ستگیری از میان بر خیزد . مارکس و انگلس برای نخستین بار این مجاهدات را از عرصه فلسفه و اتیک به عرصه واقعیت عینی منتقل کردند و طرق تحقیق علمی آنها را بتکیه بر مبانی علمی مشخص ساختند .

ناتوانی " سوسیالیسم " غیر پرولتاری

" مانیفست حزب کمونیست " در محاکمه سال ۱۸۵۲ کلسن یعنی در نخستین محاکمه ای که توسط آنتی کمونیسم دارای تشکیلات دولتی صورت گرفت بعنوان مدرك اتهام عرضه گردید و مهربانگیر بر آن زده شد . در استان درادغانامه خود باشم طبقاتی بسیار قوی بخش سوم " مانیفست " را که بانقاد از اشکال گوناگون سوسیالیسم غیر علمی و غیر پرولتاری اختصاص دارد بکلی مسکوت گذاشت .

(۱) - مجموعه آثار مارکس و انگلس ، جلد ۴ ، ص ۴۴۷ (ترجمه فارسی " مانیفست " ، ص ۶۶) .

زیرا بعنوان نماینده " حقوقی " اختلاف بدو ز روش مشیرا اهراد ریافته بود که مصلحت‌نیمت توجه عامه را با استدلالاتی از " مانیفست " که زبونی شوریک دشمنان پرولتاریا و کمونیسم را برهلا میسازد جلب کند .

شگفتا ورنیمت که چرا دادستان کسن در دوران ما پیروان زیاد پیدا کرده است . در سلسله مقالاتی هم که " نیویورک تایمز " ، " فرانکفورتر آگامنه " و نشریات بورژوازی دیگر بناسبت صد و بیست و پنجمین سالگرد انتشار " مانیفست " درج کرده اند از بخش سوم آن سخنی در میان نیست . ویلی براندت رئیس حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز در نطقی که بناسبت صد و پنجاهمین سال جشن تولد فریدریش انگلس در وپررتال ایراد کرد باین بخش اشاره ای نکرد .

چگونه میتوان از " مانیفست " و از روح این اثر سخن گفت ولی در این باره خاموش ماند که کمونیسم علمی در جریان پیگرا علیه ایدئولوژی بورژوازی و خورد و بورژوازی پیدا آمد ؟ مارکس وانگلس خاطر نشان ساخته اند که " انقلاب کمونیستی قاطعترین شکل گسست پیوند با مناسبات مالکیت میراث دوران گذشته است . باینجهت شگفتا ورنیمت که این انقلاب در جریان تکامل خود بنا اندیشه‌های میراث دوران گذشته به قاطع‌ترین شکل پیوند میگذرد " (۱) .

یکی از این اندیشه‌ها که بورژوازی دامن آنرا " احیا میکند " و اکنون با شعبده بازی‌های ظریف تبلیغ میشود این دعوی است که گویا مناسبات اجتماعی را (از نظر تأمین اجتماعی واقعی و رفاه عامه و دموکراسی و احترام به شخصیت انسانی) میتوان بدون مبارزه انقلابی و دگرگونی بنیادی مناسبات مالکیت بطور اساسی تغییر داد . تئوری‌های سوسیالیسم ارتجاعی یعنی فئودالی بورژوازی و تخیلی که " مانیفست " آنها را مورد انتقاد قرار داده است از بسیاری جهات با تئوری‌های رویزیونیسم و سوسیال دموکراتیسم کنونی وجه مشترک دارند : همه آنها به توده زحمتکشان وعد تحقق آرمان‌های ویرین میدهند ولی بدون آنکه موش از سر " گاو مقدس " " اقتصاد بازار " سرمایه داری کم شود . مارکس وانگلس نیز " سوسیالیسم بورژوازی " آن دوران را بهمین مناسبت محکوم میکردند : توقع این " سوسیالیسم " در ماهیت امر نقطه آنستکه " پرولتاریا در جامعه کنونی باقی بماند ولی نظریات کین‌توزانه خود را در باره آن بدور افکند " (۲) .

" سوسیالیست‌های بورژوازی " کنونی از این حد نیز گام فراتر مینهند و میکوشند به طبقه کارگر بقبولانند که گویا مارکسیسم - لنینیسم کهنه شده و هدف‌هایی که در " مانیفست " اعلام گردیده فقط بکمک سوسیالیسم " دموکراتیک " یا " انسانگرا " تحقق پذیراست .

به تجربه تاریخ و درسهای آن رجوع کنیم :

کی پیش از همه کوشیده است تا جامعه بشری را از خطر جنگ برهاند و بدینسان برای موجودیت آن بهترین شرایط را فراهم آورد ؟ دشمنان کمونیسم که نائره و جنگ جهانی را برافروختند و اکنون در هند و چین و خاور نزدیک به جنگ تبهکارانه مشغولند ؟ یا وارثان " مانیفست " که پسه پیروی از وصایای مارکس وانگلس ولینین برنامه تاریخی صلح پیشنهادی کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی را تحقق می بخشند ؟

آیا استثمار انسان از انسان وستم‌طلبی بر خلق‌ها هراند از همه که امپریالیسم آنرا در برده " تمدن " یا نواستعمار پیوشاند نشان انساندوستی است ؟

(۱) - مجموعه آثار مارکس وانگلس ، جلد ۴ ص ۴۶۶ (ترجمه فارسی " مانیفست " ص ۹۳) .

(۲) - مجموعه آثار مارکس وانگلس ، جلد ۴ ص ۴۵۴ (ترجمه فارسی " مانیفست " ص ۱۱۲) .

مگر این سوسیالیسم واقعا موجود نیست که گرسنگی و بیسوادى ، بحران هاى اقتصادى و بیکارى ، ناسیونالیسم و شوینیسم ، کمین و نفرت نژادى ، نابرابرى حقوق زن و بسیاری از بلیات اجتماعى دیگر میراث سرمایہ داری را از میان برانداخته است ؟ آیا تجربه تاریخ بحد کافى موجد این حقیقت نبوده است که فقط سوسیالیسم در زمینه فرهنگ انقلاب واقعى بوجود میآورد : امتیازات ضد انسانی را در عرصه آموزش و پرورش از میان میبرد ، سیستم واقعا نمونه و آموزش همگانی را جایگزین آن میسازد و برای خلافتعلی و فنى و هنسى زحمتکشان امکانا توسیع فراهم میآورد ؟

اکنون بیش از ۱۲۵ سال است که نیروهاى مختلف و از آنجمله احزاب حاکم یکسلسله از کشورهاى جهان سرمایہ داری بتبلیغ تئورى هاى بورژواژى ، رفرمیستى و ریزینویستى در بر سر راه سوسیالیسم " اصیل " ، " انسانگرا " و " دموکراتیک " مشغولند . ولى تضاد آشتى ناپذیر میان طبقات اساسى جامعه بویژه در همین کشورها تشدید میگردد و شکاف میان آنها پیوسته بیشتر مى شود و به بیان دیگر سوسیالیسم " دموکراتیک " عملا نه دموکراتیک از کار در میآید و نه سوسیالیسم . اصولا نمیتواند هم جزاین باشد زیرا این " سوسیالیسم " از برافتادن نظام سرمایہ داری بیسم دارد ، باتصرف قدرت سیاسى و اقتصادى دست طبقه کارگر مخالف است و از آن جلوگیرى میکند .

ماکونیست ها در آئیند نیز (هم در زمینه تئورى و هم در زمینه پراتیک) به اصول " مانیفست حزب کمونیست " که ساختمان سوسیالیسم هر روز حقانیت آنرا به ثبوت میرساند وفادار خواهد ماند . " شیخ " سال ۱۸۴۸ با تمام عظمت خود قد علم کرده و به واقعیت سترگ دوران بدل گردیده است . و اما معاندان حرفه اى مارکس کارشان بکجا کشید ؟ واقعیت بر آنها پوزخند زد و در زیر آوار تاریخ بدست فراموشى سپرد . آنتى کمونیست هاى کسنوفنى و آئیند نیز همین سرنوشت را در پیش خواهند داشت .

سرنوشت جهان معاصر را طبقه کارگر پیروزمند تحت رهبرى احزاب مارکسیست - لنینیست تعیین میکند . این احزاب اصول " مانیفست " را معیار و بنیاد اندیشه و عمل خود قرار میدهند . ۱۲۵ سال پیش کمونیست ها برای نخستین بار خطاب به طبقه کارگر اعلام داشتند :

" پرولترهاى همه کشورها متحد شوید ! " از آن هنگام تاکنون سوسیالیسم در یک سوم پهنه گیتسى مستقر شده و جنبش جهانی کمونیستى نیرومند پدید آمده و وطن مستعبد در بیکار آزاد ببخش خود به پیروزی هاى بزرگ رسیده اند .

" مانیفست حزب کمونیست " قانونمدى و ناگزیرى دگرگونى هاى بنیادى را که در جهان کنونى صورت میگردد پیشبینى کرد و زندگی صحت این پیشبینى را به ثبوت رسانید .

" من . . . حتى در " مانیفست " که مستقیما برای کارگران در نظر گرفته شده است تمام سیستم هاى تئوریک پیشین را رد کردم و " درک نقد چگونگی شرایط ، جریان و نتایج عمومى جنبش اجتماعى واقعى " را جایگزین آن ساختم . "

ك . مارکس

"... تاریخ "مانیفست" بمیزان زیادی بازتابی است از تاریخ جنبش کارگری معاصر. اکنون این اثر در میان تمام مطبوعات سوسیالیستی بیشک رایجترین و جهانی ترین اثر و برنامه مشترک مورد قبول میلیون ها کارگراست..."

ف. انگلس

"در این اثر جهان بینی نوین و ماتریالیسم پیگیر که عرصه زندگی اجتماعی و دیاکتیک یعنی جامعهترین و ژرفترین آموزش مربوط به تکامل و تشریح مبارزه طبقاتی و نقش انقلابی جهانی — تاریخی پرولتاریا — خالق جامعه نویسنده کمونیستی را در بر میگیرد — با وضوح و ضیاء داهیانه تشریح شده است.

"مانیفست کمونیستی" در باره دیاکتیک مبارزه سیاسی حکم اساسی مارکسیسم را بدینسان اعلام داشت: "کمونیستها برای تحقق هدف ها و منافع عاجل طبقه کارگر مبارزه میکنند ولی در عین حال از آینده جنبش نیز دفاع مینمایند."

و. ای. لنین

مجله «پروپلم اف کمونیسم» چه مسائلی را بررسی میکند؟

ولادیمیر اوسپیف

سخن از مجله «پروپلم اف کمونیسم» (Problems of Communism) است که از ۲۱ سال پیش با این طرف توسط آژانس اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (USIA) انتشار مییابد . تیراژ آن ذکر نشده است . این مجله هر دو ماه یکبار منتشر میگردد . بهای هر شماره آن ۵۰ سنت و اشتراك سالانه آن ۳ دلار است .

اگر انسان ناشرین آنرا بشناسد ، درباره چگونگی سمت گیری مجله نیازی به حدس و گمان نخواهد داشت . با وجود این مجله «پروپلم اف کمونیسم» برای آژانس اطلاعاتی آمریکا یک نشریه غیرهادی است . بیشتر و خیلی هم بیشتر محصولات این بنگاه تبلیغاتی و از آنجمله : بروشورها ، کتابهای جیبی ، بولتن های حاوی اخبار کوتاه ، مجلات سینمایی ، برنامه های مخصوص فرستنده های رادیویی «آزادی» و «اروپای آزاد» و غیره و غیره برای مصرف عامه مردم است . ولی مجله نامبرده بهیچوجه برای مصرف عامه مردم در نظر گرفته نشده است . مطالب آن برای خواننده «خیابانی» بسیار بیفروغ است و ظاهراً برای خوانندگان محدودتری در نظر گرفته شده است . و اما برای چه کسانی ؟

ناشرین «پروپلم اف کمونیسم» وظیفه خود را بسیار صریح فرمول بندی کرده و نوشته اند : «مجله باید جوانب گوناگون کمونیسم جهانی ، معاصر را تجزیه و تحلیل کند و اطلاعات مهمی از منابع اصلی در اختیار خواننده بگذارد» . همین قید میکند که نویسندگان مجله در میان نظریات خود «موظف نیستند که حتی نظریات و سیاست دولت ایالات متحده آمریکا را منعکس سازند» . خلاصه خواننده با نشریه ای سروکار دارد که علی الظاهر از وابستگی به سیاست رسمی ایالات متحده آمریکا آزاد است و بیشتر جنبه آکادمیک دارد .

نویسندگان مجله ممکنست عیناً چنین تأثیری در خواننده باقی گذارند . البته «شوروی شناسان» سابقه داری نظیر شاپیرو و کارشناسان «مراکز تبلیغاتی آنتی کمونیستی نیز در مجله نمایندگی دارند و نام کمانی هم که مدتی نسبتاً کوتاهی است باین عرصه گام نهاده اند زیاد به چشم میخورد . تقریباً هر يك از آنها مولف يك یا چند اثر بزرگ در رشته های گوناگون هستند که بطور کلی همه به «پژوهش شرق» اختصاص دارد . عده بسیار زیادی از آنها در شعب علوم سیاسی اقتصاد و اجتماعی دانشگاه های بزرگ جهان بورژوازی فعالیت میکنند . چند مثال :

مقاله «جامعه شناسی در اتحاد شوروی» بقلم ز. کاتراز «کانون پژوهش مسائل روسیه» در دانشگاه هاروارد ، مولف چندین اثر درباره مسائل جامعه شناسی شوروی . مقاله منتشره

در مجله در " پژوهشگاه مسائل شوروی و اروپای شرقی " دانشگاه گلاسکو (اسکاتلند) تهیه شده است .

مقاله " رژیم آئند - کنش و واکنش " - مولفین آن : گروه رهبر کرسی پژوهش مسائل شوروی و پروفیسور متخصص پژوهشها بین المللی که بویژه سیاست اتحاد شوروی را در امریکا لاتین بررسی میکند ، سوشلیستی نایب رئیس " پژوهشگاه کشورهای قاره امریکا " ، هر دو آنها از دانشگاه سیامی ، ایالات متحده امریکا هستند .

مقاله " نقشه تجاویز " در ستون " چین توسعه طلب " بقلم میسائل رئیس انستیتوی مسائل شوروی و چین دانشگاه جورج واشنگتن (در واشنگتن) ، مولف اثرمه جلدی " عصیان تایپین " و مقاله " ایدئولوژی و کیش مائو " و مجموعه مقالات " چین کمونیستی در سالهای ۱۹۴۹ - ۱۹۶۹ : ارزیابی یک دوران بیست ساله " .

مقاله " لهستان گیرک - سبک سیاسی نوین " بقلم آ . برومکه پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه کارلتن (اوتاوا) ، مولف کتابهای " سیاست لهستان : ایدئولیم علیه رألیسم " و " کشورهای کمونیستی در سرد و راهی " . . .

یادآور میشویم که دانشگاه ملی استرالیا (کامبرا) ، دانشگاه عبری (اورشلیم) ، آموزشگاه علوم اقتصادی و سیاسی لندن ، دانشگاههای اکسفورد و کمبریج ، انستیتوی سلطنتی روابط بین المللی (لندن) ، " رند کوریوریشن " ، دانشگاههای ایندیانا ، کالیفرنیا و هاروارد ، دانشگاه هایپکینس (بالتیمور) ، انستیتوی تکنولوژی ماساچوست ، دانشگاه تورنتو ، انستیتوی تکنولوژی و اقتصاد نومورا (ژاپن) ، دانشگاه برلن غربی و غیره از طریق نویسندگان خود در این مجله نمایندگی دارند .

ابتهتی دارد ، نه ؟ بطور عمدتاً مقالات تحلیلی مجله که سیامی آنرا مشخص میسازد از مغز همین آقایان پروفیسورها تراوش میکند .

ضمناً بررسی شماره های دو سال اخیر مجله نشان میدهد که گردانندگان آن در انتخاب مطالب چه از لحاظ جغرافیائی و چه از نظر محتوی هدف کاملاً مشخص را تعقیب میکنند . بیش از یک سوم از ۶۰ مقاله مفصلی که در دو سال اخیر انتشار یافته به اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی ، یک چهارم آن به چین و حزب کمونیست چین و مناسبات اتحاد شوروی و چین ، ده مقاله به سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست این کشورها ، چهارم مقاله به جنبش کمونیستی کشورهای آسیائی ، دو مقاله به احزاب کمونیست اروپای غربی و دو مقاله به شیلی اختصاص دارد . (شاید برخی از این ارقام از این نظر که مقاله مربوطه را بطور دقیق باید بحساب کدام کشور گذاشت کم و زیاد داشته باشد ولی این مطلب در تناسب کلی مقالات تغییر مهمی نمیدهد) بدینسان از مجموع مسائلی که گردانندگان مجله آنها را مسائل کمونیسم تلقی میکنند چهار پنجم آن به مسائل کشورهای سوسیالیستی اختصاص دارد .

بررسی این شماره ها سیس نشان میدهد که مجله در عین توجه به جوانب گوناگون کمونیسم کنونی به مسائل تئوریک یعنی مسائل مربوط به فلسفه مارکسیستی - لنینیستی ، اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم علمی نمیپردازد . مجله این مسائل بسیار مهم کمونیسم را در دو سال اخیر بکلی از یاد برده است .

پس چهاقی میماند ؟ بطور عمدتاً فرصه های از فعالیت یراتیک کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست که بزعم گردانندگان مجله - بهتر از همه جا میتوان در آنها نقاط ضعف ، شکاف و عیب و نقص پیدا کرد . مثلاً مباحثی مانند : " دشواریهای اقتصاد شوروی " ، " میراث شخص

پرستی " ، سولزنیستین " ، ناراضی های روسیه " ، " سیمای نوین چین مائوئیستی " و " دیپلما نوین چین " ، " کشاکش دول کمونیستی در خاور نزدیک و میانه " ، " حدود و شقوق عادی شدن روابط میان حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و سایر احزاب کمونیست " ، " بحران سیستم های نوع شوروی " ، " لهستان دردوران پیر از حوادث ستصین " ، " همکاری صنعتی : اروپای شرقی بفریب مینگرد " و غیره و غیره . بدیگر سخن آنچه باقی میماند مشتق مسائل مفروضه و صرفاً تبلیغاتی از قماش همان محصولات سایر مراکز ایدئولوژیک بورژوازی است که با آن آشنائی کامل داریم . پس نباید تعجب کرد که چرا کلیه موضوعاتی که در مجله مطرح میشود ، در مجرای عمومی استراتژی سیاسی مبارزه دول امپریالیستی علیه سوسیالیسم سپر میزند .

در همینجا است که ما به مسئله خوانندگان مجله میرسیم . این خوانندگان چه کسانی هستند ؟ مجله " پروپلم اف کمونیسم " تاحدی ، نشریاتی از نوع مجله امریکائی " فورتون " و " فورین افیر " و در حدی پائین تر از آنها مجله " اکونومیست " لندن را بخاطر میآورد . این مجلات برای عامه مردم منتشر نمیشوند (کج تیراژ " اکونومیست " ، با وجود تمام شهرت آن) (نسخه است) ، این مجلات برای " خودی " ها ، یعنی برای کسانی است که به تحلیل مفصل وضع کشورهای خود و روابط با " شرق کمونیستی " و " جهان سوم " و اطلاعات حتی الامکان جامعتر در این زمینه نیازمندند .

" پروپلم اف کمونیسم " نیز از همین نوع و برای " خودی ها " است ، ولی " خودی " هائیکس از گروه خاص (۱) . این ها در درجه اول کسانی هستند که سیاست آنتی کمونیستی را اداره میکنند و به تبلیغات آنتی کمونیستی میپردازند و با آن سروکار دارند . برای ارزیابی واقعی مجله پیش از هر چیز باید دانست که وظیفه اساسی مجله چیست : این مجله وسیله و راهنمای است برای عاملین مستقیم سیاست آنتی کمونیستی ، تربیت کادر برای موسسات تبلیغاتی و ایضا بسرای " خودآموزی " و تکمیل اطلاعات آنتی کمونیستی سیاسیون بورژوازی بخوراعم . این گروه خوانندگان مجله هم به مطالب تحلیلی منظم و هم به اخباری که کارشناسان درباره جوانب گوناگون آنتی کمونیسم دست چین میکنند نیازمندند .

هیئت تحریریه مجله میکوشد همین توقع خاص را برآورد و بدینمنظور بررسی دقیق جمعیات و اسلوب های عمده مبارزه ایدئولوژیک علیه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و واحدهای جداگانه آنها و وظیفه عمده خود برگزیده است .

وسيله عمده ای که هیئت تحریریه برای انجام این وظیفه بکار میبرد دست چین کردن مطالب است ، بدین معنی که هر آنچه که " بی صرفه " است کنار میگذارد و تمام توجه خود را به مباحثی معطوف میدارد که برای استراتژی امپریالیستی صرفه و سودی نوید میدهد . ما دیدیم که پس از این دست چین کردن چه باقی میماند : کند و کاو در میان دشواریها و تضادها و بزرگ جلوه دادن آنها . . . بدین طریق نصف کار انجام شده است ! حال باید مباحث را از محتوی لازم سرشار ساخت و بیافاکت ها و ارزیابی های لازم درآمیخت . برای این مقصود " کارشناسان " و شخصیت های معتبر آکادمیک به همکاری با مجله جلب میشوند . و اما در این پژوهش " چه شیوه هائی بکار میروند ؟ باز هم همان دست چین کردن مطالب ، منتها این بار واقعیاتی را که " صرفند آرد " با مشتق ارقام و آمار و افاکت های مفروضه درباره موضوع مورد بحث در میآمیزند تا تناسب لازم را

(۱) — ناشرین مجله در سالهای پنجاه نوشته بودند که مجله برای " پخش محدود در میان کسانی که اختصاصاً به بررسی این مبحث مشغولند در نظر گرفته شده است " .

بد انسان که دلخواه مجله است حفظ کنند و توجه خواننده را بهمان نکاتی که خود مایلند جلب نمایند .

نویسندگان مجله‌های کار را بشیوه حرفه‌ای و حتی الا مکان با دستکش سفید ، یعنی " تکبیر منابع موثق " انجام میدهند تا برگه‌ای برج‌انگدارند (دزد نگرفته پادشاه است) . مثلا در شماره ۱۰ سال ۱۹۲۲ (عکسهای چاپ شده است . یکی از آنها قصر سلطنتی ورشو را بهمان صورتی که در سال ۱۹۲۴ داشت و عکس دیگر گودال ساختمانی را در همان محل نشان میدهد . هر دو عکس از منابع لهستان اخذ شده و مستند است . و اما تفسیر مجله چنین است : ترمیم قصر فقط حالا آغاز شده است . از این تفسیر نتیجه‌گیری نشد ولی از آن چنین استنباط میشود که در لهستان سوسیالیستی نه برای تاریخ ملت ارزش قائلند و نه برای میراث فرهنگی آن . جان کلام در همین سکوت است : از کارشگرف و شایان تحسین اهالی ورشو ، از احیای سرپای شهر کهنه (استاره - میاستو) و نیز بخش اعظم ورشو و شهرهای دیگری که فاشیست‌ها آنها را با خاک یکسان کرده بودند لام تا کام سخنی در میان نیست . کمترین اشاره‌ای نمیشود که گودال ساختمانی محل قصر سلطنتی اکنون در احاطه مجسمه‌ها و بناهایی است که همه قدمت تاریخی دارند و آنها نیز در گذشته مخروبه بودند و اینک عینا بشکل اول خود برای ایستاده اند .

يك لم " آکادمیک " دیگر مجله بکار بردن عبارت " از يك سو . . . ولی از سوی دیگر " است که بوسیله آن میکوشد توجه خواننده را از یکسو سوی دیگر معطوف دارد . مستر هوکی نامی درباره اقتصاد مجارستان مینویسد : " از يك سو علائم ظاهری فراوانی وجود دارد که پیشرفت آشکار و نیل به دستاوردهای بسیار نشان میدهد . اقتصاد پیشرفت دائم دارد ، تولید با آهنگ سریع رشد میکند ، برخی از موسسات سودهای کلان بدست می‌آورند ، میزان سرمایه‌گذاری‌ها با سرعت افزایش میدهد ، درآمد بسیاری از قشرهای اهالی در طول چهار سال اخیر میزان قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است ، بیکاری مرتفی اصلا یا تقریبا وجود ندارد ، تورم بالنسبه ناچیز است " . البته در آن موارد معدودی که وضع يك کشور سرمایه‌داری امکان چنین ارزیابی‌هایی را میدهد دستگام تبلیغات بورژوازی با کوس و کرناز " معجزه اقتصادی " سخن میگوید . ولی در این مورد ؟ هوکی ادامه میدهد : " ولی از سوی دیگر ، اگر به پشت این جلوه‌های ظاهری کامیابی‌ها نظری بیافکنیم ، کاشف یحصل می‌آید که همه آنها بسیار فریبنده اند " .

شگردی که در این موارد بکار میرود آنستکه تمام مطالب مربوط به " از یکسو " با نقل قولی که شاهد آوردیم نفی میشود ، بدین معنی که " کارشناس " ما : از سوی دیگر " نه فقط " به پشت جلوه‌های ظاهری این کامیابی‌ها " نظر می‌افکند ، بلکه در سرا سر هشت صفحه مجله بر تمام آن چند کلمه‌ای هم که قبلا بطور شکسته بسته در باره کامیابی‌های اقتصاد مجارستان و آهنگ رشد آن نوشته بود ، خط بطلان میکشد و برعکس با حظی وافره شرح و بسط دشواریها میبرد از و آنها را دشواریهایی که خود مطبوعات مجارستان پیش از هر کس پیرامون آنها سخن گفته اند . البته همین هشت صفحه است که درباره وضع اقتصاد مجارستان تصورنا درست بوجود می‌آورد . ناگفته نماند که " پژوهش " های مربوطه با اقتصاد شوروی و سیستم رهبری اقتصاد و وضع کشاورزی کشورهای سوسیالیستی نیز با همین شگرد انجام میشود .

مجله در مواردی هم که باید به تفسیر رویدادها (البته رویدادهایی که بصره مجله است) جنبه " اقتضایی " خالص داده شود بسراغ " کارشناسان " می‌رود . یکی از نمونه‌های آن " کشفی " است که بورکس ، استاد تاریخ دانشگاه ، دیترویت بعمل آورده است . او مینویسد : " اگر حزبی خواستار آن باشد که مسکوباتنوع‌ها در جنبش جهانی که تنه‌اراه تشبیه بلوک است ،

موافقت کند آنوقت طبعاً باید حاضر شود که در داخل کشور خویش نیز تنوع را تشویق کند تا بدینوسیله رژیم خود برهم تثبیت شود. وانگهی، همانگونه که پلورالیسم (سیستم چند حزبی) در درون جنبش برقراری مناسبات نوینی را میان احزاب ایجاد میکند، پلورالیسم در درون يك کشور جداگانه نیز مستلزم وجود حزب طراز نوینی است که به شیوه اقناع عمل کند نه اجبار، بر مصوبات جمعیتی استوار باشد نه بر مرکزیت دموکراتیک، بر طبقه متوسط نوین متخصصین کارآموز (که خود محصول فرعی روند دگرگونی ها هستند) تکیه کند نه بر طبقه نوین آپاراتچی های بی نام و نشان. بدیگر سخن برای آنکه تحول قاطع باشد حزب انقلابی لنینی باید جای خود را به حزب رفرمیست طراز نوین بدهد. این قطعه بر طمطراق مشکل حاجتی به بررسی مشروح داشته باشد.

روشن است که بروکر با احتجاج درباره ناگزیری تفوق رفرمیسم در احزاب کمونیست مطلوب خود را واقعی جلوه میدهد. ولی توجه به حسابهای که این آنتی کمونیست پیش خود کرده است ضرورت دارد: از "تنوع" در جنبش کمونیستی بسوی ایجاد گروههای مستقل در درون هر یک از احزاب کمونیست و در آخرین تحلیل تشکیل حزب رفرمیستی طراز بورژوائی - حالا معلوم میشود که دشمنان طبقاتی ما از تز پلورالیسم در جنبش کمونیستی چه انتظاراتی دارند. مسلماً ما دریافته نیز با این شیوه ها روبرو خواهیم شد: پلورالیسم از نقطه نظر آنتی کمونیستها "آینده" دارد. ستون بررسی کتاب نیز در مجله "پروپلم اف کمونیسم" هدف کاملاً مشخصی را تعقیب میکند. در این ستون تنها به تقریظ و ارزیابی مهمترین کتبی که میتوان از آنها برای تبلیغات آنتی کمونیستی اطلاعات، اندیشه ها و تفسیرهای لازم بدست آورد بپردازیم. گردانندگان مجله از این ستون برای "بیرون کشیدن" مطالبی هم که بعمل گوناگون اکنون طرح آنها از طرف خودشان دشوار است زیرا انگیزه لازم وفاکت های تروتازر برای آن وجود ندارد - استفاده میکنند. با شیوه خاص تقریظ و ارزیابی میتوان این نقیصه را مرتفع ساخت. فرض کنیم در اتحاد شوروی چاپ جدید "تاریخ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی" منتشر شده است. ضمن تقریظ آن میتوان از نود رساله های سی به کند و کاو پرداخت و برای "اثبات" وجود میراث کیش شخصیت در حال حاضر از آن بهره رکنشی کرد. پژوهشگران بورژوا "پژوهشهایی" درباره مناسبات اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای دیگر منتشر کرده اند که از آن جمله است: "ارزش واقعی کمک خارجی اتحاد شوروی" بقلم جسر کارتر ویا "جنگ اقتصادی در بلوک کمونیستی" بقلم روبرت فریدمان - این نوشته دستاویز میدهد تا هاردیگر دعاوی پکن درباره "تجاوز" اقتصادی شوروی و غیره نشخوار شود.

حال به بینیم از جمع بست نظریات اساسی مجله چه نتایج بدست میآید؟

این نتایج را میتوان چنین خلاصه کرد: تصویرسیمی عمومی سوسیالیسم بمثابة سیستمی که در زمینه اقتصادی اثربخش نیست، در زمینه سیاسی غیردموکراتیک و در عرصه بین المللی متجاوز است و بنابراین بعنوان آلترناتیف سرمایه داری نیز قابل قبول نیست. باید از هر امکانی استفاده کرد تا حال که نمیتوان سوسیالیسم را با قهر از بین برد با وسائل تبلیغاتی بخدا علی ضعفش کرد. مجله به "پراتسین" ها آنتی کمونیست توصیه های مشخص فراوانی میکند. ولی اگر سخن بر سر نظریات اساسی مجله باشد، بنظر ما باید و نظریه را متمایز ساخت:

اول - اشاعه نظریه ضرورت و ناگزیری دگرگونی و عبارت صحیحتر استحاله و قلب ماهیت، "رفرم" سرپای کشورهای سوسیالیستی موجود و تبدیل آنها به جوامعی البته کاملاً شبیه به "دموکراسی غربی". گردانندگان مجله گریزیایی نظیر اوتاشیک را که به جنبه آنتی کمونیسم گرویده اند از نگاهگاه دنچ اود رسویش بیرون میکشند و یا بانوگولان استاد پارکرس علوم سیاسی و پژوهش مسائل روسیه را از دانشگاه عبری اورشلیم دعوت میکنند تا با اصطلاح بهار برآگ و "رافرفرم"

را با آب و تاب هر چه بیشتر شرح دهند .

البته نظاره آتش خاموش ناپذیر این عشق مخالفان سوسیالیسم و علاقه بی پایانان به " بهبود " آن از طریق انواع رفوم ها خالی از لطف نیست . ولی حاق مطلب چیست ؟ حاق مطلب اینستکه " منطق ذاتی جنبش " همانگونه که گولان اعتراف میکند " میتواند رفومست هارا در آخرین تحلیل به " مجرای آنتی کمونیسم " سوق دهد " . استار یار دانشگاه اورشلیم بی پرده ترسخن میگوید : ولی نباید برای گسترش مجدد جنبش رفومستی " در چکوسلواکی شتاب ورزید زیرا " اکنون یا در آینده نزدیک " برای کامیابی " زمینه کافی وجود ندارد " .

مجله بقدری شیفته بازی با " مسائل رفوم " استکه نوشته های خود را نیز بکلی فراموش میکند . در یک شماره واحد هم میگوید ثابت کند که لهستان بدون " یک رفوم رادیکال اقتصادی " از بین خواهد رفت وهم مدعیست که مجارستان نیز بهمین زودی در نتیجه رفوم از بین خواهد رفت . البته هر دو ادعا با محاسباتی که در برخی موارد از منابع رسمی وموثق دستچین شده همراهست و هر دو لطیفه مشهوری را بخاطر میآورند که به منشی دیسرایلی نسبت داده میشود : منشی خوشخدمت در پاسخ دیسرایلی که خواسته بود آمار باو بدهد گفت : " اطاعت میکنم قربان ، اما فرمائید چه مطلبی را میل دارید ثابت کنید ؟ " .

اضافه میکنیم که نویسندگان مجله ارگان ضد کمونیسم علیرغم تمام دعاوی " آکادمیک " خود از تکیه بر منابعی نظیر " گواهی ناراضی های " کشورهای سوسیالیستی که از راههای مشکوک بدست آمده نیز اکران دارند . این منابع همانهایی است که بر اساس آنها مجموعه ای از تفسیرها ترتیب داده میشود و در غرب انتشار مییابد و سپس مجله آنرا بعنوان " انجیل مقدس ناراضی هادر اتحاد شوروی " تبلیغ میکند .

استراتژی ضد کمونیسم استفاده بی بند و بار و لاینقطع از اصل " جدائی انداز " . . . روسی های باستان است (جدائی انداز و لوازمی به " حکومت کردن " هم نداشته باشی) " جدائی انداز " تا یک کشور سوسیالیستی را علیه کشور سوسیالیستی دیگر ، یک حزب کمونیست را علیه احزاب دیگر برانگیزی و آنها را بجان هم اندازی وصفوشان را متفرق سازی .

در این زمینه همانطور که مباحث هم انتظار داشت برای مسائل مربوط به تفرقه در صفوف جنبش کمونیستی و بررسی امکان استفاده از اختلاف نظرهای کنونی و آینده اولویت مسلم قائل شده اند . گردانندگان مجله البته بخوبی درک میکنند که عامل عمده نیروی ضد جنبش کمونیستی همان اتحاد واحدهای جداگانه است .

محافل امپریالیستی اظهارات برخی از رهبران یکن را درباره جنبش کمونیستی جهانی و جامعه کشورهای سوسیالیستی موهبتی آسمانی تلقی کردند که درگذشته حتی خواص آنها هم نمیتوانستند به بینند . مجله از این عطیه خدا کثراستفاد ممکن را میکند .

در دو سال اخیر حتی یک شماره نبود است که در آن از این موضوع استفاده نشده باشد . ازینج شماره سال ۱۹۷۱ (اولین شماره بجای دو شماره است) در شماره تقریباً بطور کامل به مسئله کمونیسم " آسیائی " (کذافی الاصل : نه کمونیسم در آسیا ، بلکه کمونیسم " آسیائی ") ومناسبات چین وشوروی اختصاص داده شد . ضمناً در شماره ۱ که پس از اعلام سفر نیکسون رئیس جمهور آمریکا به چین انتشار یافت ، مقالاتی تحت عناوین : " دیپلماسی نوین چین : سمپوزیوم " (حاوی نه تفسیر " متخصصین " چین شناس و " شوروی شناسان " غرب ومتخصصین مسائل جهانی و از آنجمله مسائل خاور دور) و " سلاح اتمی در استراتژی چین " بقلم هاری گلبورگر گردید ، ای از تقریظ های کتب مربوطه بمناسبات آمریکا و چین وسیاست خارجی چین درج شده بود .

برشمردن وتحليل مفصل تمام مقالات ذکر شده و ذکر شده، ایکه بااین مطلب اختصاص یافته در حوصله این مقاله نمیگنجد. ولی لب کلام همه آنها اینست که ناگزیری اختلاف نظر میان چین و اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را " مستدل کند " وجهات اساسی چگونگی استفاده از این اختلاف نظرهارا برای پیشبرد سیاست دول امپریالیستی معین کند و سرانجام به پیشه‌کاران (پروفیسورل ها) تبلیغات آنتی کمونیستی توشه لازم بدهد یعنی فاکت‌های دستچین شده و تعمیر و تفسیر شده و ارزیابی‌ها و فرمول بندی‌ها و نقل قول‌ها و فهرست مطبوعات و کتب مناسب را در اختیار آنان بگذارد .

مجله حتی با انتخاب موضوعات و مقالات و بررسی‌ها و تقریظ‌ها یکسانی که در مراکز آنتی کمونیستی بکار می‌شوند رهنمود میدهد و آنها میفهماند که : این فکر را که دیگر جبهه کمونیسم متحد وجود ندارد و رأیند هنوز وجود نخواهد داشت اثبات کنید و سپروارند ولی تصریح کنید که کمونیسم " آسیائی " یا " دهقانی - سرپازی " که " اندیشه مائوتسه دون " مظہر آن ویکی از صور آتمت (رجوع کنید به مقاله : " مدل‌های کمونیسم آسیائی " بقلم روبرت اسکالا پینو) وجود دارد . . . نگذارید تا سروصدای مربوط به دعاوی ارضی رهبران چین فروشنید و این نظریات شود که اینها همه فقط " یکی از مظاهر مرموزی هستند شوروی یکس است ، معضل را تشدید کنید " (رجوع شود به مقاله " تصادم در ایسوری : تصادم دوناسیونالیسم " بقلم هارولد هینتن) . . . در مجله از این قبیل توصیه‌های رهنمود مانند بعد و فور وجود دارد و هم‌آنها را نمیتوان برشمرد . پدیده جا لبی را که گاه ضمن مقالات مجله درباره زندگی کشورهای سوسیالیستی چشم‌میخورد در اینجا ذکر میکنیم . بله ، بعضی اوقات بطور اجتنابی وجسته گریخته در مجله بوجود واقفیت جدید ناشی از تغییر تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم ، پیشرفت اجتماعی و جنبش آزادی بخش ملی اعتراف میشود . مثلا در مقاله ای تحت عنوان " شیوه انتخاب مسسکو در جهان در حال تغییر " چنین میخوانیم : " امروز دیگر تردید نیست که اتحاد شوروی حتی اگر نتواند به برتری مسلم و بادست کم قابل ملاحظه خود بیابد بهرحال در زمینه سلاحي استراتژیک دیگر فقط يك کشور در رجه دوم پمرازا میکانیست " . شاهپرو ، " شوروی شناس " قدیمی درباره کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی مینویسد : " جریان کنگره وسعت دامنه کامیابی‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی را در زمینه بهبود مناسب‌اش با بسیاری از احزاب خارجی در قیاسها چگونگی این مناسبات در درواں دیدار بود است احزاب کمونیست در فوریه - مارس ۱۹۶۸ که بسرای تدارک کفرانرجهانی احزاب کمونیست صورت گرفت ، نشان داد " .

این چیست ؟ آیا فقط اعترافات اجباری است و لا غیر ؟ خوب البته اعتراف هم هست ، زیرا از آن‌گیری نیست (بخصوص که چنین مطالبی " ضریب بیفرضی " مجله راهم بالا میبرد) . ولی برای خوانندگان ویژه مجله تصریح حقایق بدینصورت خصلت اخطار هم دارد : تصورات قبلین خود را تصحیح کنید ، زیرا تکرار ارزیابی‌های چندی پیش و تنظیم استراتژی آنتی کمونیستی برپایه آنها امروز در حکم خود فریبی است نه مردم فریبی .

از این نوع اظهارات و مقالات دیگر مربوطه به جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز یافت میشود مثلا آ . برومکه ، پروفیسور دانشگاه کارلتون (اتاوا) اخطار میکند : " اختلاف نظر " میان لهستان و اتحاد شوروی (که یادآور می‌شویم مبلغین بورژوازی درگذشته برای استفاده از آن تلاش‌های پرتب و تاب بکار میبردند) امروز دیگر مطلبی نیست که بتوان از آن برای تبلیغات علیه کشورهای سوسیالیستی استفاده کرد . در لهستان امروز حتی مومنین کاتولیک هم در این باره عقیده دیگری دارند . برای اثبات این مطلب اوبه اظهارات آند رزی میتسوسکی - " نویسندگاتولیت لهستانی "

استناد میورزد و می نویسد : " در حال حاضر اتحاد لهستان و شوروی برای توسعه مناسبات ما با سایر کشورهای مسود منداست . . . حتی شخصی چون م . گامارنیکف ، " کارشناس " عمد مفرستنده رادیویی " اروپای آزاد " در مسائل اقتصاد اروپای شرقی ، همکاران خود را به مراعات حزم و احتیاط در ارزیابی وضع اقتصادی کنونی لهستان دعوت می کند : " دولت با وجود افزایش بیمه باقی قدرت خرید اهالی (که در سال ۱۹۷۱) به ۱۰ درصد رسید توانست با افزایش تولید کالا های مصرفی به میزان ۷ درصد در قیاس با سال ۱۹۷۰ ، جلوی فشار تورم را بگیرد " . خلاصه اینکه همکاران عزیز احتیاط کنید ، وضع لهستان آنقدرها هم بد نیست .

اینکه مجله " پروبلم اف کمونیسم " وظائف خود را خوب انجام میدهد باید ، بخود ناشرینش مربوط است . ولی واقعیت وجود این نشریه ویژه کار (اسپسیالیزه) خود نوعی اعتراف به نیروی منفی و اعتبار جهانی جنبش کمونیستی است .

زمانی بود که تبلیغات آنتی کمونیستی فقط حکم محصول فرعی دستگاه تبلیغات سرمایه دار را داشت . وقت کنید که مفاهیمی چون " شوروی شناسان " و " کرملین شناسان " بالنسبه نوظهورند . در نخستین سالهای پراژ جنگ در سراسر جهان بورژوازی عد نامهای " سرشناس " در این عرصه اندک بود . مثلا در مطبوعات انگلوساکسون - فقط نامهایی چون کرنک شاو ، شوارتس و یازهم کرنک شاو چشم می خورد . البته این " کارشناسان " هم آنجا که لازم بود استاد همه فن حریف بودند .

زمان تغییر کرده و اوضاع عوض شده و گواه آن شماره های نامبرد مجله است . شیوه های پیشین ، سطح و وسعت دامنه پیشین تبلیغات آنتی کمونیستی مقاصد فرمانروایان امریکار ایدان سان که میخواستند تحقق نیخشید و اکنون نیز با تناسب جدید نیروهای جهانی مطابقت ندارد و تطوراتی را که در شعورتود و هاپدید آمده است در نظر نمیگیرد . بهمین جهت حالا برای بهبود وضع و وسیع حد اعلای نیروها و عقل هاتلاش های عیان بکار میبرند و میکوشند آنتی کمونیسم را بریک پایه شبه علمی (اگر اصولا اطلاق کلمه علم در این زمینه جایز باشد) استوار سازند . آژانس اطلاعاتی ایالات متحده امریکا با انتشار مجله " پروبلم اف کمونیسم " در ماهیت امر وظیفه جلب " کارشناس " برای تهیه کا در ضد کمونیستی و بالنتیجه برای اثر بخش تر کردن مبارزه علیه جنبش کمونیستی و کشور های سوسیالیستی را انجام میدهد .

البته مجله " پروبلم اف کمونیسم " در ارکستر ترا حاشا استراتژی امپریالیستی بهیچوجه و هولون اول را نمیتواند و در مبارزه اید گولوزیک میان سرمایه داری و سوسیالیسم نیز بهیچوجه نقش رهنمون بازی نمی کند . ولی شیوه هایی که این مجله بکار میبرد برای آنتی کمونیسم عمومیست دارد زیرا در آن ما با آنتی کمونیسم مدرن و " انعطاف پذیر " روبرو هستیم .

دولت سانتریست راست باید برگنار شود

میگله رُسی

حزب کمونیست ایتالیا در مرحله کنونی می‌کوشد تا با فعالیت سیاسی خود تلاش‌های دولت سانتریست راست ایتالیا را برای جلوگیری از تکامل دموکراتیک کشور عقیم گذارد. حزب کمونیست ایتالیا در مقابل «بقه‌کارگر» توده‌ها و خلس و تعامنیروهای دموکراتیک و ضد فاشیسم این وظیفه عاجل را قرار داده است که وسائل سقوط دولت حاضر را بمثابة نخستین شرط ضروری تأمین پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراهم سازند.

حزب دموکرات مسیحی که نیروی عمده دولت کنونی است در ائتلاف با احزاب لیبرال و سوسیال دموکرات عمل میکند و از پشتیبانی حزب جمهوریخواه برخوردار است. این حزب اعلام داشته است که از سیاست سانتریستی پیروی میکند. ولی در واقع محور حیات سیاسی کشور را به راست‌گشاندن و در زمینه سیاسی و اجتماعی سیر قهرانی در پیش گرفته که بسود محافظ حاکمه محافظه کار است. بند و بست با جناح افراطی راست و فاشیستی که با دعوی کاذب مبارزه علیه افراطیون راست و "چپ" پرده پوشی میشد و ماهیت آن در همان جریان مبارزات انتخاباتی ماه مه ۱۹۷۲ فاش گردید، حالا با اقدامات مشخص دولت تحقق می‌پذیرد.

بارزترین نشان خیانت این دولت به دموکراسی - بود باری درقبال فاشیست‌هاست. حملات و عملیات تروریستی دستجات فاشیستی علیه نیروهای دموکراتیک، علیه جنبش کارگری و علیه ارگان‌های قانونی جمهوریست چنان دامنه وسیعی بخود گرفته که دیگر بهیچوجه نمیتوان نسبت بآن لاقید ماند.

هدف دولت آندرتوتی دموکرات مسیحی و مالاگودی لیبرال از بین بردن نقش و اهمیت ارگانها و موسسات پارلمان است. تصمیم به واگذاری جزیره مادالنا برای ایجاد پایگاه زبرد ریائی اتمی امریکایی و مشورت با مجلس اخذ شد، تصمیم به وارد کردن تلویزیون رنگی و تشدید گشت‌سورل انحصارات برراد بیوتلویزیون ایتالیا. ازبالی سر مجلسین اتخاذ گردید و مناسبات دولت بسند یکاها جنبه صرفاً صوری دارد و دولت راهبیه تعهدن مقید نمیسازد. مشورت با ارگانهای حاکمه محلی فقط برای حفظ صورت ظاهر است و دولت هیچ‌شتایی برای شناسائی کامل حقوق و نقش شوراهای ادارن محلی بکار نمیبرد و ضمناً مرکز ازپرداخت وجوه لازم بآنها امتناع میورزد. دولت شیوه‌های استبداد را در مدارش آشکارا تجدید میکند و بدینسان حقوق دموکراتیک

معلمان و محصلین را محدود میسازد . هدف دخالت دولت در عرصه فرهنگ و انفور ماسیون تحدید بد
 در موکراسی است . لایحه قانونی دولتکه به پلیس اجازه میدهد افراد را تا ۹۶ ساعت (بجای
 ۴۸ ساعت که تا بحال معمول بود) توقیف کند ، خطرات بسیار در بر دارد . بعلاوه به پلیس
 حق داد میشود در برخی موارد فوق العاده (که بهیچوجه تدقیق نشده است) بدون دستور
 مقامات قضائی به تفتیش منازل بپردازد . بدیگر سخن دامنه اختیارات پلیس در عین نقض قوانین
 و برخلاف تضمین های مصرحه در قانون اساسی وسعت مییابد . بدین جهت تعجبی ندارد که
 راهم اکنون علیه این لایحه قانونی مبارزه فعال در کشور آغاز شده است .

دولت میکوشد محتکرین و عناصر طفیلی را تحت حمایت خود قرار دهد و از منافع و مواضع
 گروهها ، انحصاری که مخالف هرگونه فرصت هستند ، دفاع کند . یکی از نمودارها ، آن لایحه
 قانونی رفیرم اجاره داری زمین است . این لایحه عملاً در حکم خنثی کردن قانونی است که در
 پارلمان گذشته بتصویب رسیده است .

سیاست اقتصادی دولت مستقیماً از طرف انحصارات بزرگ دیکته میشود و لذا بهیچوجه
 نمیتواند مسائلی مانند افزایش و توزیع صحیح سرمایه گذاری در تولید ، افزایش میزان اشتغال ،
 عمران و توسعه کشاورزی بویژه در نواحی جنوبی ، تثبیت قیمتها ، مبارزه علیه احتکار ، طفیلی گری
 و اختلاس را حل کند . حل شدن این مسائل موجب شده است که - حتی بنا بر آمارهای رسمی
 جمعیت فعال کشور ۳۰۹ درصد کاهش یابد و میزان اشتغال در قیاس با تابستان سال گذشته
 ۱۹ درصد کمتر شود . تقلیل هزینه های دولتی که با بوق و کرنا تبلیغ میشد عملاً به " صرفه جویی "
 در هزینه های مخصوص رفیع نیازمندان های محتاج ترین قشرهای اهالی یعنی بازنشستگان ،
 معلومان و نیز جوانان ، کارگران ، کارمندان ، زحمتکشان و توده مردم جنوب که علاوه بر همه اینها

تمام بارسنگین مالیات اضافی مصوبه بازار مشترک راهم باید آنها بدوش بکشند ، منجر گردید .
 از سوی دیگر " کاهش هزینه ها " با افزایش سرسام آور حقوق کارمندان عالیرتبعا ؛ رات دولتی ،
 افزایش هزینه های نظامی و مسافرت مالیاتی گروههای بسیاری از کارخانه داران و غیره توأم بود .
 این تعرض بزرگ به در موکراسی و به منافع خلق با مخالفت شدید زحمتکشان بویژه طبقه

کارگری و پرورش مبارزات وسیع توده ها تلاش دولت را برای صدور قانون تحدید حق اعتصاب
 عقیم ساخت و مقاومت کارفرمایان را در برابر تجدید قرارداد های دستجمعی بیزران زیادی تضعیف
 نمود . کارگران راه آهن و کارگران صنایع قند و شیمیائی با تجدید قرارداد های دستجمعی یکسلسله

موقعیتهای مهم بدست آوردند . کارگران کارخانه های نوب آهن و ماشین سازی ، کارگران
 ساختمانی ، معلومان ، محصلین ، کارمندان ادارت دولتی ، کارگران پست و تلگراف و تلفن بجهت
 مبارزات اعتصابی میپیوندند . ضمناً علاوه بر خواسته های ویژه حرفه ای غالباً خواسته های مشترک
 نیز در باره رفیرم و اشتغال کامل مطرح میشود . شرکت کنندگان در اعتصابات عمومی و دمنسترا -
 سیونیه در تمام استان ها و مناطق و از جمله در مناطق جنوب در واقع خواستار اتحاد سیاست
 اقتصادی و اجتماعی جدیدی هستند .

دولت کمونی ایتالیاد رزمینه سیاست خارجی برخلاف سایر دول اروپای غربی از روشی پیروی
 میکند که کوشش برای تقویت " پیمان آتلانتیک " و فرمانبرداری از امپریالیسم امریکا جزء خصائص
 آنست . خونسردی و لا قیدی در رقبال حملات هوائی وحشیانه امریکا برویتنام ، روش پاسیف در
 قبال تجار و اسرائیل ، عناد در عدم شناسائی جمهوری دموکراتیک ویتنام ، جمهوری دموکراتیک
 آلمان و جمهوری توده ای دموکراتیک کره و واگذاری جزیره ماد النابر برای ایجاد پایگاه زیر دریائی
 اتئی امریکا (با وجود آنکه آند رثوتی در سفر مسکو از اصل خود داری از توسل بزور و از جمله بکاربردن

سلاح اتمی پشتیبانی کشور است) ماهیت سیاست خارجی این دولت را نشان میدهد . همه اینها علیرغم اطمینانهایی که بنا داد میشود مخالف مصالح امنیت و تحقیق و خامت است .

حزب کمونیست ایتالیا د ولت نیمه محافظه کار کنونی را خا رنک میدانند ، زیرا کوششهایی که این دولت برای تخریب تدریجی میانی د موکراتیک جامعه بکار میبرد ممکنست زمینه را برای استقرار یک رژیم علنا ارتجاعی هموار سازد . بهمین جهت علاوه بر مبارزه علیه این دولت باید جنبش ضد فاشیستی را نیز بمقیاس وسیع گسترش داد .

سقوط کابینه سانتریست راست شرط لازمی است برای آنکه بتوان در محیط د موکراسی بنومازی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور پرداخت . این نوسازی را د رایتالیانها با نیروی یک حزب نمیتوان انجام داد ، هم نیروهای د موکراتیک و مترقی باید در آن شرکت کنند . رفیسق برلینگوئورد رنگره سیزدهم حزب کمونیست ایتالیا خاطر نشان ساخت که همکاری و تفاهم متقابل و وحدت عمل سه بخش متمشکله جنبش توده ای ، د موکراتیک و کارگری ایتالیا یعنی کمونیست ها ، سوسیالیست ها و کاتولیک ها - اهمیت قاطع دارد . د رساله های اخیر پروسه نزدیک یکی آنها تقویت شده است : د جریان مبارزه در تمام سطوح میان این نیروها ارتباط برقرار شده است و توده های زحمتکش تجارب حاصله د زمینه وحدت عمل را مورد استفاده قرار میدهند و این امر اهمیت فراوان دارد .

تصادفی نیست که گروههای انحصاری بزرگ و طبقات حاکم این وحدت را خطر جدی برای منافع خود احساس میکنند . آنها همه جا حملات خود را علیه پروسه وحدت - و پیروژه علیه وحدت سند یگانی آغاز کرده اند ، لیدرهای حزب د موکرات مسیحی ود دولت برخلاف دعاوی مکرر خود د مورد پشتیبانی از اصول خود مختار سند یگانه رهبران و اعضا شورای ملی کنگد راسیون سند یگانه های زحمتکشان ایتالیا را تحت فشار شدید قرار میدهند تا آنها را به مبارزه فعال علیه وحدت سند یگانی مجبور سازند . د داخل شورای ملی کنگد راسیون سند یگانه های زحمتکشان ایتالیا پیرویه های تحریک آمیز بحران منصوصید پیدا آوردند و بدینسان از اتحاد د سازمانی سه کنگد راسیون سند یگانی جلوگیری کردند . عناصر سوسیال د موکرات د جمع پورخواه عضو جمعیت کار ایتالیا نیز تحت فشار شدید قرار گرفتند . یکی دیگر از آماج های این حمله اتحادیه زحمتکشان مسیحی ایتالیا بود که فعالیت آن د رساله های اخیر به تقویت قابل ملاحظه تمایلات چپ در میان توده های کاتولیک کمک میکرد . برای تشدید تفرقه و اختلاف نظریه شنهاد میشود که برای حل مسئله طلاق مراجعه به آراء عمومی انجام گیرد . انجام این عمل ناگزیر زحمتکشان کاتولیک را از کمونیست ها و سوسیالیست ها جدا خواهد کرد .

ولی هدف عمده حمله ارتجاع ، حزب سوسیالیست ایتالیا است . رهبران احزاب د موکرات سوسیال د موکرات این حزب را د راستانه کنگره سی ونهم آن در ژن (۹ - ۱۳ نوامبر ۱۹۷۲) مشترکاً زیر آتش گرفتند . نمایندگان مشهور حزب سوسیالیست ایتالیا همانگونه که پرتینی ، رئیس کمیسیون پارلمان ، به هنگام افتتاح کنگره خاطر نشان ساخت د سخنرانی های خود " مانورهای رهبری کنونی حزب د موکرات مسیحی را که میخواهند سوسیالیست ها را با تصرف از تعهدات خود د زمینه تامین شرکت هرچه وسیعتر زحمتکشان د رهبری سیاسی کشور " جمهوری سازند " افشا کردند . رفیق برلینگوئورد ضمن استناد به اظهارات مانسینی که د آژنمان دبیر سیاسی حزب سوسیالیست ایتالیا بود تصریح کرد که " فشار نیروهای محافظه کار و از جمله حزب د موکرات مسیحی که میکوشیدند د حزب سوسیالیست ایتالیا را به تغییر خصلت طبقاتی ود موکراتیک خویش و تضعیف ارتباط با جنبش

زحمتکشان را دارند " عملاً دفع گردید .

درکنگره این حزب بر سر برخی مسائل سیاسی اختلاف نظرهای پدید شد و سیاست و موضعگیری حزب کمونیست ایتالیا مورد برخی تفسیرهای غلط و سطحی قرار گرفت ، ولی با اطمینان میتوان گفت که نمایندگان کلیه جریا نهائی که درکنگره حزب سوسیالیست ایتالیا شرکت داشتند به دعوت های حزب دموکرات مسیحی درباره اصطلاح : " مرزبندی اکثریت " یعنی انصراف از همکاری با کمونیست ها در رهبری شوراهای بخش ها ، شهرستان ها و استان ها پاسخ رد دادند . دو مائیتو ، رئیس سابق حزب سوسیالیست ایتالیا و معتبرترین بیانگر جریانی که درکنگره اکثریت آراء را بدست آورد ضمن سخنرانی خود گفت : " ما با این دعوت حزب دموکرات مسیحی و حزب سوسیال دموکرات که میگویند بیاید یا کشیدن سیم خاردار میان خود و حزب کمونیست ایتالیا استقلال خود را احیا کنید بدون مطلقاً جواب رد میدهیم . اگر شرط انجام مذاکره (با حزب دموکرات مسیحی م . م . ر .) قبول چنین دعوتی باشد ، مذاکره هرگز انجام نخواهد گرفت . ما با " مرزبندی اکثریت " (که البته معنی آن اختلاط اکثریت با اقلیت نیست) مخالف بوده و هستیم و به همین جهت امکانات لازم را برای همکاری سودمند با کمونیست ها که نتایج مسلم بسیار آورد فراهم ساختیم . ما با بکار بردن اصول " سانترچپ " در حومه ها مخالفت کردیم و شوراهای چپ (با شرکت سوسیالیست ها و کمونیست ها - م . م . ر .) در آن نقاط تشکیل دادیم که دموکراسی را تضعیف نکرد بلکه موجب تقویت آن گردید و اینک اعلام میداریم که اگر امر و زانحلال این شوراهارا بعنوان شرط تجدید " سانترچپ " از ما طلب کنند صریحاً بآن پاسخ رد خواهیم داد . در عین حال طاعتیده داریم که برای شرکت حزب کمونیست ایتالیا در دولت هنوز شرایط لازم فراهم نیامده است ، ما با این حزب هم اختلاف نظر داریم و هم اشتراک نظری نابخردانه است اگریند حزب سوسیالیست شایسته این عنوان همیشه و در هر موردی درقبال کمونیست ها برپایه پیشداوری های خود موضعگیری کند " .

حکاماتی که علیه وحدت سندیکائی و صلح مذهبی و وحدت توده های خلق و وحدت و همکاری میان حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ایتالیا بعمل میآید يك سؤال عمده را مطرح میسازد و آن چگونگی خصلت مشی سیاسی است که رهبری حزب دموکرات مسیحی انتخاب کرده است . آیا این حزب بطور قطع جانب طبقات حاکم را علیه جنبش توده ای و دموکراتیک گرفته و بدینسان راه را برای نیروهای ارتجاعی هموار میسازد ؟ اگر خود رهبری کنونی حزب دموکرات مسیحی نمی بیند که اجرای چنین سیاستی بکجا میانجامد در ایتالیا نیروهای هستند که میتوانند چنین نقشه هائی را نقش بر آب کنند .

شاید حزب دموکرات مسیحی از انتخابات ۷ ماه مه ۱۹۷۲ این نتیجه را گرفته است که حکومت او برپایه های محکم و بادوام استوار است ؟ حزب کمونیست ایتالیا وجود ریشه هائی را که حزب دموکرات مسیحی در میان توده ها ندارد و نیروی آنرا تشکیل میدهد منکر نیست ، ولی در عین حال سخنان تالیاتی را فراموش نمیکنند که انتخابات در کشور ما و بطور کلی در جهان غرب " علی القاعده بیشتر از تالی است از روش پاسیف توده ها و ضعف ارتباط با زمان حال تا تا میل قلبی آنان به نوسازی اجتماعی " . این نکته را که ، تا پولیتانو ضمن سخنرانی خود در پلنوم ما مائیتو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا بار دیگر خاطر نشان ساخت .

رهبران حزب دموکرات مسیحی باید نباید به نوسازی که توده های وسیع زحمتکشان را زجمله کاتولیک هارا در بر میگیرد ، بحساب بیاورند . مسئله ای که زحمتکشان در جریان مبارزات خود مطرح میسازند تغییر سیاست است . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا تاکید کرد که ما بایسته

سیاستی احتیاج داریم که " استقلال و صلح ، حفظ و تکامل مؤسسات قانونی جمهوری و حیسات دموکراتیک ، پیشرفت واقعی اجتماعی و اقتصادی ، استفاده کامل از منابع مادی ، انسانی و معنوی کشور را تضمین کند . . . " این خواست با جدیگی اعمال دولت سانتریسمت راست که سیاست آن نگرانی ، تضاد و اختلاف بوجود میآورد ، تعارض آشکار دارد . این تضادها و اختلافات در داخل خود اکثریت اعضای دولت و در حزب دموکراتسمیچی نیز بروز میکند . جریان های چپ درون آنها که نمایندگانشان از ورود به هیئت وزیران امتناع میورزند ، میکوشند تاراه حلی برای آنها بیابند . آند رفوتی فقط با استفاده از تزلزل آنهاست که میتواند در مقام خود باقی بماند .

نیروهائی که وضع خطرناک کنونی کشور باعث نگرانی آنهاست ، برای برون رفت از این وضع قادرند راه چاره ای بیابند ، اگرچه این راه در حال حاضر بسیار بفرنج و دیوار بنظر میرسد . فقط باید شجاعت داشت و به مسئله عمده آن که در ایتالیا نمیتوان آنرا نادیده انگاشت ، یعنی به مسئله ارتباط با کمونیست ها واقف بینانه برخورد کرد . حزب دموکراتسمیچی و ناگفته نماند ایضا سوسیال دموکرات و جمهوریخواهان نیز میکوشند آنتی کمونیسم را سیر خود قرار دهند تا از مباحثه با کمونیست ها در باره مسائل برنامه و مشی سیاسی سر باز زنند . کمونیست ها در عین تصدیق اهمیت مذاکره و تجدید مناسبات با حزب سوسیالیست ایتالیا و حزب دموکراتسمیچی تاکید میکنند که نباید به سیاست درهم و برهم و بی شمر فرمیسم که دولت سابق " سانترچپ " در پیش گرفت و مسبب آنهم حزب دموکراتسمیچی بود - بازگشت .

فقط جنبش متحد شود و نمیتواند پیشرفت را جایگزین سیر قهرغرائی سازد ، فقط این جنبش میتواند پایه ای برای سیاست فرم و نوسازن دموکراتیک پدید آورد و اکثریت تفویض و شمر بخشی برای دولت عرضه دارد . کمونیست ها در ایتالیا کوششهای خود را ادامه خواهند داد تا - همان گونه که در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا خاطر نشان شد - " چنان جنبش تودهای سیاسی و سیمی ایجاد گردد که با قطعیت اتخاذ مشی نوین و سمتگیری نوینی را در سیاست خواستار شود . این جنبش در جریان پیشرفت خود باید به زحمتکشان و توده های خلق ، به نمایندگان قشرهای میانه کمک کند تا گذار به موضعگیری دموکراتیک چپ ، متحد و پیگیر را انجام رساند و تمام کسانی را که در دوران اخیر به راست گراییده اند ، دوباره بسوی خود جلب نماید " . همین جهت کمونیست ها - همزمان با پشتیبانی دائمی از خواسته های اقتصاد و روزمره زحمتکشان و اتحادیه های آنها - در نظر دارند با تفاق سایر احزاب طبقه کارگر توده ها را برای مبارزه مستقیم سیاسی واید و لویژیک علیه سیاست حزب دموکراتسمیچی بسیج نمایند . شرکت هیلیونها ایتالیائی در جشن مطبوعاتی حزب کمونیست ایتالیا و در جنبش همبستگی با خلق ویتنام و در جشن های مربوط به پنجا - همین سالگرد تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داد که برای پیشرفت جنبش وسیع توده ای شرایط لازم فراهم آمده است . این جنبش ضمن توجه به مجموعه مسائل ملی و بین المللی برای مبارزه علیه توطئه فاشیستی و در زمینه سیاست خارجی برای همبستگی با خلق ویتنام ، مبارزه برای حل مسالمت آمیز مسائل خاور نزدیک ، دموکراتیزه کردن مؤسسات بازاری مشترک ، ایجاد سیستم امنیت اروپائی و توسعه دامنه همکاری میان تمام کشورهای اروپا و کاهش نیروهای نظامی را با توجه با مملکت خود داری آنان از بلوک بندی در برابر یکدیگر - اهمیت درجه اول قائل میشود .

برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

بنا بر تقاضای خوانندگان و هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" با انتشار اطلاعاتی درباره احزاب کمونیست و کارگری میپردازد. این اطلاعات شامل تعداد اعضای حزب، ترکیب اجتماعی، مراکز تئوریک و آموزشی، مطبوعات حزبی و چگونگی نمایندگی در ارگان‌های انتخابی کشور است.

هیئت تحریریه در نظر دارد بر اساس مدارکی که در مطبوعات حزبی بچاپ رسیده و یا کمیته‌های مرکزی احزاب برادر ارسال داشته اند اطلاعات لازم درباره رویدادهای مهم و مطالب اساسی دیگر مربوط به زندگی و فعالیت واحد‌های جنبش جهانی کمونیستی درج کند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی

تاسیس حزب در مارس ۱۸۹۸ در نخستین کنگره حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه اعلام شد. ولی حزب عملاً در کنگره دوم (ژوئیه - اوت ۱۹۰۳) ایجاد شد.

در اوایل ژانویه سال ۱۹۷۳ تعداد اعضا حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۸۹ ۶۳۱ ۱۴ نفر بود. ساختمان حزب بر پایه‌های منطقه‌ای تولیدی استوار است بدین معنی که حوزه‌های حزبی در محل کار کمونیست‌ها تشکیل میشوند و مجموعه آنها سازمان‌های بخش و شهروفریه را در هر منطقه تشکیل میدهند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در لحظه تشکیل آخرین کنگره یعنی کنگره ۲۴ (۳۰ مارس - ۹ آوریل ۱۹۷۱) خود ۱۴ حزب کمونیست جمهوری‌های متحد، ۶ سازمان منطقه جداگانه، ۱۴۲ سازمان استان، ۱۰۰ سازمان شهرستان، ۷۶۰ سازمان شهر، ۴۴۸ سازمان بخش، ۲۸۱۰ سازمان حزبی در مناطق روستایی و بیش از ۳۷۰۰۰۰ حوزه حزبی را در برداشت.

ارگان عالی رهبری هر سازمان حزبی عبارتست از جلسه عمومی (برای حوزه‌ها) کنفرانس‌های سازمان‌های بخش، شهر، شهرستان، استان و منطقه جداگانه (کنگره (برای احزاب کمونیست جمهوری‌های متحد و حزب کمونیست اتحاد شوروی) و هر جلسه عمومی و هر کنفرانس یا کنگره یک بورویا کمیته انتخاب میکند که ارگان اجرائی آنست. ارگان عالی حزب کمونیست اتحاد شوروی کنگره حزب است - کنگره‌ها حداقل هر پنج سال یکبار توسط کمیته مرکزی دعوت میشوند. کنگره کمیته مرکزی و کمیسیون تفتیش مرکزی را انتخاب میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بوروی سیاسی را برای رهبری امور حزب در فواصل پلنوم‌های کمیته مرکزی - و دبیران حزب را برای رهبری امور جاری و ویژه و عهده‌برگزینی کاررها و بازرسی چگونگی اجرا تصمیحات انتخاب میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کمیته کنترل حزبی را در جنب خود تشکیل میدهد.

جگونی ترکیب اعضا: حزب کمونیست اتحاد شوروی بدینقرار است: کارگران ۴۰ درصد
دهقانان گلخوری ۱۴٫۸ درصد، کارندان ۴٫۴۷ درصد (در سال ۱۹۷۱ نسبت کارگرانیکه
بعضوان عضو آزمایشی در حزب پذیرفته شدند ۵۶٫۹ درصد بود) .
نسبت زنان در حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۲٫۶ درصد است . قریب نیمی از اعضا
حزب بکتر از ۴ سال دارند . ۵۰ درصد اعضا حزب تحصیلات عالی و ۳۷٫۳ درصد
صد آنم، تحصیلات نیمه تمام عالی و متوسطه دارند .

در سال ۱۹۷۱ از مجموع کمونیست هائی که در اقتصاد ملی بکار اشتغال داشتند ۷۳٫۴
درصد در رشته های تولید مادی و بقیه در رشته های غیر تولیدی یعنی رشته های علمی، آموزشی و
پرورش، بهداشت، فرهنگ، اداره امور مسکن و موسسات شهرداری و معیشتی فعالیت میکردند .
ترکیب ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی از اینقرار است: روس ها ۶۱٫۱ درصد ،
اوکرائینی ها ۱۶٫۰ درصد ، بلوروس ها ۳٫۵ درصد ، ازبکها ۱٫۹ درصد ، کازاخ ها ۱٫۷ درصد
صد ، گرجی ها ۱٫۷ درصد ، آذربایجانی ها ۱٫۴ درصد ، لیتوانی ها ۰٫۶ درصد ، مولداوی
ها ۰٫۴ درصد ، لتونی ها ۰٫۴ درصد ، قرقیزها ۰٫۳ درصد ، تاجیک ها ۰٫۴ درصد ، ارمنی
ها ۰٫۵ درصد ، ترکمن ها ۰٫۳ درصد ، استونی ها ۰٫۳ درصد ، سایر ملیت ها و اقوام
۰٫۸۶ درصد .

مطبوعات حزبی :

" پراودا " - ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی - در ۵ ماهه ۱۹۱۲ توسط
لنین تاسیس شد . تیراژ آن ۹۲ میلیون نسخه است .
" سووتسکیا یاراسیا " (روسیه شوروی) - روزنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
در سال ۱۹۵۶ تاسیس شد ، تیراژ آن ۳ میلیون نسخه است .
" سلسسکا یازیزن " (زندگی روستائی) - روزنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
در سال ۱۹۱۸ تاسیس شد . تیراژ آن ۶٫۶ میلیون نسخه است .
" سوسیالیستیکسکیا ی ایندوستریا " (صنایع سوسیالیستی) - روزنامه کمیته مرکزی حزب
کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۹ تاسیس شد . تیراژ آن ۷۰۰۰۰۰ نسخه است .
" سووتسکیا کولتورا " (فرهنگ شوروی) - روزنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی - از سال ۱۹۶۰ هفته ای یکبار منتشر میشود . تیراژ آن ۶۰۰۰۰۰ نسخه است .
در هر جمهوری ، روزنامه های خاص جمهوری و در مناطق جداگانه استان ها و شهرستان
ها ، منقده و ایالت روزنامه خارج آنان بزبان روسی و زبان ملی انتشار مییابد . در بخش ها و برخی
از شهرها روزنامه های بخش و شهر منتشر میشود .
مجله " کمونیست " - که مجله تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
است از سال ۱۹۲۴ انتشار می یابد . تیراژ آن ۸۵۹۰۰۰ نسخه است .
" پارتینا یازیزن " (زندگی حزبی) - مجله کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از
سال ۱۹۱۹ انتشار مییابد و تیراژ آن بیش از ۱۰ میلیون نسخه است .
" پولیتیکسکویه ساموایرا زووانیه " (خودآموزی سیاسی) - مجله کمیته مرکزی حزب
کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۵۷ انتشار مییابد و تیراژ آن ۱٫۷ میلیون نسخه است .
" آویتاتور " مجله کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۲۳ انتشار مییابد
و تیراژ آن ۱٫۴ میلیون نسخه است .

در جمهوری های اتحاد شوروی مجلات کمیته مرکزی احزاب کمونیست جمهوری بزیان ملی
روسی انتشار می یابند .

مراکز تئوریک و آموزشی : انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی ، آکادمی علوم اجتماعی در جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، مدرسه
عالی حزبی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی .

۱۰۹۶ تن از اعضاء حزب نماینده شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هستند
که ۷۲٫۳ درصد مجموع نمایندگان آنرا تشکیل می دهند . از نمایندگان که در ژوئن سال ۱۹۷۱
برای شورای عالی جمهوری ها انتخاب شدند ۶۷٫۶ درصد عضو اصلی یا آزمایشی حزب کمونیست
اتحاد شوروی هستند .

۹۶۴۰۰۰ تن از نمایندگان شوراهای محلی نمایندگان زحمتکشان عضو حزب هستند
که در ۴ درصد مجموع نمایندگان آنها را تشکیل می دهند .

حزب کمونیست ایتالیا

حزب کمونیست ایتالیا در ۱۲ ژانویه ۱۹۲۱ تأسیس شد . تعداد اعضاء آن (بنا بر
آمار مربوط به ماه اکتبر سال ۱۹۷۲) ۱۵۸۱۶۲۹ نفر است .

حزب از حوزه ها ، شاخه ها و فدراسیون ها تشکیل می شود .
حوزه ها با داشتن حداقل ۵ عضو با موافقت کمیته رهبری شاخه حزبی - در محل کار ، مراکز
فرهنگی و اجتماعی و یا در منطقه مربوطه تشکیل می شود . مجموع حوزه های منطقه یا محل کار شاخه
حزبی مربوطه را تشکیل می دهند .

فدراسیون از مجموع حوزه ها و شاخه های منطقه بوجود می آید و معمولاً یک استان را دربر
دارد . کمیته مرکزی میتواند تشکیل و یا ادغام فدراسیون هائی را که حدود مناطق آنها با
حدود استان تطابق نداشته باشد پیشنهاد کند و یا اجازه دهد .
علاوه بر این در حزب کمونیست ایتالیا کمیته های کمون ، شهر ، منطقه (یا رشته های تولیدی)
و کمیته های استان وجود دارد .

عالیترین ارگان حزب ، کنگره حزب است (که هر سه سال یکبار دعوت میشود) . کنگره کمیته
مرکزی ، کمیسیون کنترل مرکزی و کمیسیون تفتیش مرکزی را انتخاب میکند .

کمیته مرکزی و کمیسیون تفتیش مرکزی در جلسه مشترک خود رهبری حزب ، بروی سیاسی و
هیئت دبیران را انتخاب میکنند .

ترکیب اجتماعی حزب کمونیست ایتالیا (۱۹۷۱) از این قرار است : کارگران ۳۹٫۵۱ درصد ،
کارگران کشاورزی ۸ درصد ، دهقانان ۹٫۶۹ درصد ، پیشه وران ۴٫۶۳ درصد ،
بازرگانان کوچک و کسبه و کارفرمایان کوچک ۳٫۰۲ درصد ، کارمندان و مهندسان و تکنیسین ها
۳٫۳۵ درصد ، دانشجویان ۱٫۱۵ درصد ، معلمین و روشنفکران دیگر ۰٫۹۶ درصد ، زنان
خانه دار ۱۲٫۵۷ درصد ، بازنشستگان ۱۴٫۹۴ درصد و از سایر قشرها ۲٫۱۸ درصد .

مطبوعات حزبی : روزنامه " اونیتا " ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا در سال ۱۹۲۴
به وسیله آنتونیو گرامشی تأسیس شده است .

مجلات تئوریک و سیاسی حزب کمونیست ایتالیا عبارتند از : " ریواسیتا " ، " کریتیکو
مارکسیستا " ، " پولیتیکا اد اكونومیا " .

مراکز تئوریک و آموزشی : انستیتوی گرامشی ، انستیتوی آموزش کمونیسم .

حزب کمونیست ایتالیا در مجلس نمایندگان ۱۷۱ نماینده و در سنای ۹۴ سناتور دارد .
حزب کمونیست ایتالیا مستقلاً و با همکاری سایر نیروهای چپ و موکرات ۱۷۲۶ شورای
محلی ، ۱۴ شورای استان و ۳ شورای منطقه ای را رهبری میکند .

حزب کمونیست هند وستان

حزب کمونیست هند وستان در ۲۶ دسامبر سال ۱۹۲۵ تأسیس شد . کنگره اول
حزب کمونیست هند وستان در سال ۱۹۴۳ در بمبئی تشکیل گردید و این هنگامی بود که حزب
برای نخستین بار به فعالیت علنی پرداخت . کنگره اخیر یعنی کنگره نهم حزب در اکتبر سال
۱۹۷۱ تشکیل شد .

تعداد اعضا حزب در سال ۱۹۷۲ ، ۲۷۰ ۰۰۰ نفر بود .

حوزه های حزب در محل کارخانه ها ، موسسات ، روستاها و کوی های مسکونی تشکیل
میشود . از مجموع حوزه های بیست بخش سازمان حزبی بخش و از مجموع سازمان های بخش ،
سازمان حزبی ایالت تشکیل میشود . در مناطقی که تعداد حوزه ها زیاد است ، کمیته های
محلی بوجود میآید . کنفرانس های حزبی ایالات اعضای شورای حزب کمونیست ایالات هند وستان
و این شورا هیئت اجرائیه و دبیران را انتخاب میکند .

عالمگیرترین ارگان حزب کمونیست هند وستان کنگره است (کنگره حداقل هر سه سال یکبار
دعوت میشود) کنگره شورای ملی حزب کمونیست هند وستان را انتخاب میکند .

شورای ملی هیئت اجرائیه مرکزی ، صدر حزب ، دبیرکل و دبیران را انتخاب میکند . سازمان
های حزب کمونیست هند وستان نمایندگان همه ملیت ها و گویندگان بیعام زبانهای کشور را در بر
دارند .

شورای ملی حزب کمونیست هند وستان دارای سه روزنامه هفتگی و از آن جمله ارگان مرکزی

" نیو ایج " (از سال ۱۹۴۲ انتشار مییابد) است . به علاوه حزب کمونیست هند وستان
دارای ۶ روزنامه یومیه و ۱۶ هفته نامه بزبانهای مختلف کشور است .

مرکز آموزش دائمی حزب در ایالات بنگال غربی ، کراالا و آند هر ابرادش واقع است . مدرسه
مرکز حزبی از سال جاری به یک آموزشگاه دائمی بدل خواهد شد .

حزب کمونیست هند وستان ۲۵ نماینده در پارلمان و ۱۶ نماینده در شورای کشوری دارد .
در موقع انتخابات اخیر تریب ۱۰ میلیون نفر به کاندید های حزب کمونیست هند وستان رای دادند .

حزب کمونیست هند وستان تقریباً در همه مجالس مقننه جمهوریها (۱۳۶ نماینده)
نماینده گی دارد . اعضا حزب کمونیست هند وستان در راس دولت ائتلافی کشور کراالا قرار دارند
و عضو کابینه ائتلافی ایالت پوندیشری نیز هستند .

حزب کمونیست بلغارستان

حزب مارکسیست های بلغارستان در ۲ اوت سال ۱۸۹۱ تأسیس شد . حزب ضمن
پیکار علیه ایدئولوژی خرده بورژوازی و علیه گروههای اپورتونیست " سوسیالیست های هوادار
حزب وسیع " و غیره یکجایه انترناسیونال کمونیستی پیوست . در ماه مه ۱۹۱۹ حزب در کنگره ای
که نخستین کنگره حزب اعلام گردید " حزب کمونیست بلغارستان (حزب محدود) " نامیده شد .
تعداد اعضا حزب کمونیست بلغارستان در اول ژوئیه سال ۱۹۷۲ ، ۷۴۵ ۷۲۸ نفر بود .

حوزه های حزب بر اساس ملاک منافع ای و محل کار یعنی در کارخانه ها ، موسسات و محصل سکونت تشکیل میشوند . مجموعه حوزه ها (در آوریل سال ۱۹۷۱ تعداد کل حوزه ها به ۲۵۰۷۵ میرسد) سازمان های اوشین ، بخش ، شهر و استان را تشکیل میدهند و این سازمان ها عموماً بر اساس ملاک منافع ای و در موارد استثنائی (سازمان دانشجویان و غیره) بر اساس محل کار تشکیل میشوند .

ارگان عالی رهبری حوزه ها ، جلسه عمومی اعضا و برای سازمان های اوشین ، بخش ، شهر و استان و غیره کنفرانس و برای تمام حزب کنگره است که هر پنج سال یکبار دعوت میشود . جلسه عمومی اعضا ، بوروی حزبی را انتخاب میکند ، کنفرانس کمیته های اوشین ، بخش ، شهر و استان و غیره را بر میگزیند و کنگره حزب کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان را . هر چند از این کمیته ها ارگان های اجرایی هستند و مجموعه کار سازمان های مربوطه را رهبری میکنند . کمیته مرکزی ، بوروی سیاسی را انتخاب میکند که رهبری فعالیت کمیته مرکزی را در فاصله میان کنگره ها بر عهده دارد . کنگره علاوه بر این دبیران را انتخاب میکند که کارهای جاری را سازمان میدهد و چگونگی اجرای قرارهای حزب را نظارت میکند . کنفرانس بورو و دبیران کمیته های مربوطه و جلسه عمومی حوزه ها بوروی حزبی را انتخاب میکند .

ترکیب اجتماعی حزب (در ژوئیه ۱۹۷۲) بدین قرار بود : ۴۰٫۳۱ درصد کارگر ، ۲۵٫۵۲ درصد دهقانان عضو شرکت های تعاونی ، ۲۸٫۶۳ درصد کارمند و ۵٫۵۴ درصد از قشر های دیگر . نسبت زنان در حزب کمونیست بلغارستان ۲۵٫۹۷ درصد است . تقریباً ۴ درصد اعضا حزب کمتر از ۴۰ سال دارند . ۴۱٫۳۰ درصد کمونیست های بلغارستان دارای معلومات عالی ، حرفه ای و متوسط هستند .

کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان روزنامه ها و مجلات زیر را انتشار میدهد :

" رابوتنیچسکو پُلو " ، ارگان کمیته مرکزی ، روزنامه یومیه در سال ۱۸۹۷ تأسیس شد . تیراژ آن ۶۶۰۰۰۰ نسخه است .

مجله " نوو وِرمه " ارگان تئوریک ، در سال ۱۸۹۷ توسط دیمیتر بلاگوین انتشار یافت . تیراژ آن ۳۲۰۰۰ نسخه است .

مجله " پارتین ژیوت " از سال ۱۹۵۷ انتشار می یابد و تیراژ آن ۴۲۰۰۰ نسخه است .

مجله " پولیتیکسکا پرومونا " از سال ۱۹۶۶ منتشر میشود و تیراژ آن ۴۰۰۰۰ نسخه است .

هفته نامه " استیرشل " - از سال ۱۹۴۶ انتشار می یابد و تیراژ آن ۲۴۰۰۰۰ نسخه

است .

مراکز تئوریک و آموزشی : آکادمی علوم اجتماعی و رهبران اجتماعی مرکب از انستیتوی مارکسیسم

لنینیسم ، انستیتوی رهبری اجتماعی ، آموزشگاه عالی و مرکزی تکمیل معلومات کادر های رهبری . انستیتوی تاریخ حزب کمونیست بلغارستان .

در مجلس خلق (ارگان عالی نمایندگی خلق و ارگان عالی قدرت دولتی) ۲۶۸ نماینده

(از ۴۰۰ نماینده) عضو حزب کمونیست بلغارستانند .

در شورای دولتی (ارگان عالی دائمی قدرت دولتی که قوه مقننه و مجریه را بر میگیرد)

۱۹ کمونیست (از کل ۲۳ عضو شورا) عضویت دارند .

در شوراهای محلی خلقی - شوراهای اوشین ، بخش و استان جمعاً ۳۳۵۵۳ تن از اعضا

حزب کمونیست بلغارستان انتخاب شده اند (مجموع تعداد نمایندگان این شوراها ۵۳۶۸۸ نفر است) .

حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه در دسامبر سال ۱۹۲۰ در تورنا سیور شد و این هنگامی بود که در کنگره سوسیالیست ها اکثریت اعضا آن تصمیم گرفت به انترناسیونالیم سوم ملحق گرد و بنام حزب به حزب کمونیست تغییر یابد .

تعداد اعضا حزب کمونیست فرانسه ، هنگام تشکیل کنگره بیستم (دسامبر ۱۹۲۲) ، ۴۵۴ ۶۴۰ نفر بود .

حزب از حوزه ها ، شاخه ها (سکسیون) و فدراسیون ها تشکیل میشود .
حوزه ها یعنی سازمان های قاعده حزب در کارخانه ها ، موسسات ، مراکز آموزشی ، آزمایشگاه ها و پژوهشگاه های علمی و نیز در محل سکونت اعضا حزب تشکیل میگردند . حوزه های روستائی نیز وجود دارد .

حوزه های یک منطقه معین یا یک موسسه بزرگ شاخه مربوطه را تشکیل میدهند . در موسساتی که شرایط برای بوجود آوردن شاخه فراهم نیست ، میتوان کمیته مرکزی تشکیل داد . این کمیته کار حوزه ها را هماهنگ و رهبری مینماید و تابع شاخه مافوق است . چنانچه در شهرن شاخه های بسیار وجود داشته باشد برای هماهنگ کردن فعالیت آنها میتوان یک کمیته شهری تشکیل داد . فدراسیون شامل کلیه حوزه ها و شاخه های یک منطقه ویا در موارد استثنائی بخشی از یک منطقه است .

در آخرا سال ۱۹۲۲ در حزب کمونیست فرانسه ۱۹۵۲۰ حوزه (از این تعداد ۵۴۲۶ در موسسات ، ۶۹۹ در مراکز آموزشی و نیز ۵۲۲۵ در روستاها) ، ۲۵۱۱ شاخه (۱۰۰ شاخه در موسسات) و ۹۲ فدراسیون دائری بود .

ارگان عالی حزب کنگره آن است (که هر دو سال یکبار دعوت میشود) . کنگره کمیته مرکزی و کمیسیون فیس مرکزی نظارت بر امور مالی را انتخاب میکند .

کمیته مرکزی بر روی سیاسی و دبیران و نیز کمیسیون مرکزی تختیش سیاسی را انتخاب میکند . ترکیب اجتماعی حزب بدین قرار است : کارگر ۶۰ درصد ، دهقان ۱۰ درصد ، روشنفکر و مهندس و تکنیسین ۱۰ درصد ، کارمند ۲۰ درصد ، نسبت زنان در حزب ۲۵ درصد است .

ارگان مرکزی حزب ، روزنامه " اومانیته " (در سال ۱۹۰۴ توسط ژان ژورس به عنوان ارگان حزب سوسیالیست فرانسه تأسیس شد و از سال ۱۹۲۰ ارگان حزب کمونیست فرانسه است) و تیراژ آن ۲۲۰۰۰۰ نسخه است . روزنامه " اومانیته " روزهای یکشنبه بصورت روزنامه هفتگی تحت عنوان " اومانیته دیمانش " منتشر میشود . روزنامه های مهم دیگر عبارتند از " لامارسییز (در مارس) ، " لیبرته " (در لیل) و " اکود وسانتر " (در لیجوژ) .

" فرانس نوول " روزنامه هفتگی کمیته مرکزی است .

" لاپتر " روزنامه هفتگی برای دهقانان است با تیراژ ۲۱۰۰۰۰ نسخه که از آن ۱۶۲۰۰۰ نسخه بر اساس اشتراک اداری بخش میشود (این بزرگترین رقم روزنامه دهقانی در فرانسه است) . مجلات سیاسی و تئوریک : " کایه د کمونیست " مجله تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی ، " اکونومی پولیتیک " ، " نوول کریتیک " ، " ای . ت . ت . آکتوالیته " ، " اکل ! لاناسیون " و " پانسه " . چاپخانه " لیزادیسین سوسیال " متعلق به حزب کمونیست فرانسه است .

حزب کمونیست فرانسه دارای دو مرکز پژوهش است : " انستیتوی موریر توروز (هر سه ماه مجله " لیه کایه د لنستیتو موریر توروز انتشار میدهد) و مرکز پژوهش مارکسیستی .

حزب کمونیست فرانسه دارای ۳۴ نماینده در مجلس ملی و ۱۸ سناتور است . حزب کمونیست فرانسه رهبری ۱۰۸۵ شهرداری را بعهده دارد (که از آن ۴ شهرداری به شهر هائی با بیش از ۱۰۰ . ۰۰۰ نفر جمعیت و ۴۱ شهرداری در شهرهائی با ۳۰ تا ۱۰۰ . ۰۰۰ نفر جمعیت و ۷۷ شهرداری در شهرهائی با ۱۰ تا ۳۰ هزار جمعیت دائر است) .

حزب کمونیست آژانتین

حزب کمونیست آژانتین بوسیله جریان مارکسیستی داخل حزب سوسیالیست در ۶ ژانویه ۱۹۱۸ در کنگره ای که حزب سوسیالیست دعوت کرده بود ، تشکیل شد . کنگره اخیر یعنی کنگره ۱۳ حزب کمونیست آژانتین از ۲۵ تا ۲۹ مارس بطور مخفی برگزار گردید . در آخر سال ۱۹۷۲ تعداد اعضا* حزب کمونیست آژانتین ۱۱۰ . ۰۰۰ نفر و تعداد اعضا* سازمان جوانان کمونیست آن ۳۵ . ۰۰۰ نفر بود . سازمان حزب : حوزه های حزبی ، کمیته برزن ، موسسه یا کوی مسکونی ، شهر ، استان و کمیته مرکزی .

ارگان های رهبری : رهبری حوزه در جلسه عمومی اعضا* انتخاب میشود ، کمیته برزن ، موسسه یا کوی مسکونی در کنفرانس نمایندگان حوزه های حزبی ، کمیته شهر بوسیله نمایندگان کمیته های برزن ها ، کمیته استان بوسیله نمایندگان کمیته های مربوطه و کمیته مرکزی در کنگره بوسیله نمایندگان منتخب کنفرانس ها ، استان ها انتخاب میشود .

ارگان عالی حزب ، یعنی کنگره هر چهار سال یکبار دعوت میشود ، در کنگره کمیته مرکزی انتخاب میشود . کمیته مرکزی دبیرکل حزب ، هیئت اجرائیه و دبیران و نیز کمیسیون نظارت و کمیسیون تفتیش را انتخاب میکند .

مطبوعات حزبی : روزنامه هفتگی " نویسترا پالا برا " با تیراژ بیش از ۵۰ . ۰۰۰ نسخه (بطور مخفی منتشر میشود) . مجله تئوریک و سیاسی ماهانه " نوا و ارا " (هر دو ماه یکبار انتشار مییابد) و مجله " پروپلاس و اگونومیا " (هر سه ماه یکبار انتشار مییابد) . کمیته استان بوئنوس آیروس ماهانه یک ارگان مطبوعاتی انتشار میدهد . نشریات دیگری نیز وجود دارد . کل تیراژ کتب ، بروشورها و مجلاتی که حزب در سال ۱۹۷۱ بطور مخفی انتشار داده است ۴۴۱ ۵۰۰ نسخه است .

حزب کمونیست آژانتین برای بار دوم مجموعه کامل آثار لنین را — مشتمل بر ۵۰ جلد — انتشار داده است .

در جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست آژانتین دو مرکز آموزشی دائر است : " ویکتوریو — کود وویلا — سنتروم " برای آموزش مارکسیسم — لنینیسم و کمیسیون ملی برای پژوهش های اقتصادی .

پژوهش جمعی اثر نامی لنین :

«دوتاكتيك سوسيال دموكراسى در انقلاب دموكراتيك»

در مرحله کنونی پروسه انقلاب جهانی مسائل مربوط به چگونگی وظائف عاجل و آتی طبقه کارگر، تناسب میان برنامه های حداقل و حداکثر حزب پرولتاریا و محتوی این برنامه ها و در آمیختن مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم اهمیت بسیار زیاد دارد. کتاب "دوتاكتيك سوسيال دموكراسى در انقلاب دموكراتيك" یعنی یکی از مهمترین آثار لنین که در ژوئیه سال ۱۹۰۵ انتشار یافته است در شرایط کنونی شایان توجه خاصی است. در این کتاب قرارهای کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه و چگونگی مبارزه طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکشان در راه پیروزی دموکراسی و سوسیالیسم از جوانب گوناگون مورد تجزیه و تحلیل تئوریک قرار گرفته است.

گروه پژوهشی مرکب از وربیاک (عضو کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کارگر متحد لهستان)، گاروشیانس (رئیس انستیتوی جنبش جهانی کارگری آکادمی علوم اتحاد شوروی)، کورتیو (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه)، نکالا (از حزب کمونیست افریقای جنوبی) و فوکس (عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست آرژانتین) کار خود را به تشریح برخی از جوانب اساسی این محسنت اختصاص داده است. چکیده ای از بررسی های این گروه در پلاژ میگردد. هیئت تحریریه مجله با انتشار این بررسی ها کار تشریح و تحلیل محتوی و اهمیت کنونی آثار و اندیشه های بنیادی لنین را ادامه میدهد (بررسی های قبلی در شماره های ۵ و ۹ سال ۱۹۷۲ مجله (شماره ۳ سال ۱۳۵۱ مجله "مسائل بین المللی") انجام گرفته است. بررسی بعدی در این زمینه به اهمیت کنونی، برنامه های دیگر لنین: "ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم" اختصاص خواهد داشت.

دموکراسی پیگیر و چگونگی تحول و تبدیل آن به سوسیالیسم

برونلارها جززنجیرگردن خود چیزی از کف نمیدهد ولی بکمک
دموکراتیسم تمام جهان را بکف میآورد .

لنین

پیشروی مداوم و بازگشت ناپذیر خلق‌ها بسوی سوسیالیسم مستلزم برانداختن تضاد
آنتاگونیستی " . . . میان امپریالیسم نافی دموکراسی و توده‌های شائق دموکراسی " (۱) است
فزونی عوامل عینی و ذهنی انقلاب سوسیالیستی خواه در عرصه جهانی و خواه در چارچوب هر یک از
کشورها و از جمله در کشورهای سرمایه داری رشد یافته مجموعه عظیمی از انواع و وظائف دموکراتیک
پدید آورده است که بدون انجام آنها هجوم مستقیم به دراصلی سرمایه چه بسا صرفاً غیرممکن
خواهد بود . این ویژگی وضع اجتماعی - سیاسی مفسرین رویزیونیست راست تئوری سوسیالیسم
علمی را به تنگنا انداخته است . قشربون چپ روسکترایست نیز که از اقدام پیدرنت به انقلاب
سوسیالیستی دمیزندند از درک وسعت دامنه و وظائف عمومی دموکراتیک چه در مقیاس جهانی و چه
در مقیاس یک کشور و یک منطقه قاصرند .

پی بردن به کنه مجموعه نظریات لنین درباره اشکال مبارزه انقلابی خاص پیشروی مستقیم
بسوی سوسیالیسم برای اثربخش ساختن مبارزه ایدئولوژیک علیه جاعلین واژگون ساز بورژوا و اپورتو -
نیست های راست و " چپ " اهمیت خاص دارد . این عناصر اهمیت جهانشمول قانونمندی های
عامی را که لنین برای گذار از مرحله دموکراسی پیگیر بسوی سوسیالیسم کشف کرده است منکر
میشوند و مشی کنونی جنبش جهانی کمونیستی را عدول از مارکسیسم و واپس نشینی بسوی سوسیال
رفرمیسم ، بسوی نظریات کائوتسکی و برنشتین جلوه میدهند . بررسی چگونگی پیوند مستقیم
متدولوژیک میان تئوری لنین درباره تحول انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی و نظریه
احزاب مارکسیست - لنینیست درباره مبارزه کنونی ضد امپریالیستی و ضد انحصاری بطلان کامل
دعای تئوری باقان بورژوا رفرمیست و رویزیونیست راست را آشکار میسازد . وجود این پیوند در عین
حال نشانگر پیایی کامل ساخته های ذهنی عناصر ما جرجوی چپ و از جمله تروتسکیست ها
و ماثویست ها است که احزاب مارکسیست - لنینیست را بعلت استفاده از تمام امکانات جبهه
وسیع ضد امپریالیستی برای پیشبرد مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم آماده کردن توده ها
برای انقلاب سوسیالیستی با شکالی متناسب و هماهنگ با شرایط ویژه هر کشور ، به " خیانت " به
لنینیسم متهم میسازند .

منطق کشف علمی

امروز ما باید وظائف عاجل مشخص انقلاب را بخاطر تحقیق برننامه
خود و برای تکامل برننامه خود بنحوی بگری فرمولبندی کنیم .

آنچه که دیروز کافی بنظر میرسید امروز کافی نیست .

لنین

در آغاز قرن بیستم بطوریکه میدانیم در روسیه وضع خاصی پدید آمد که اروپای غربی نظایر آنرا بخود ندیده بود . در کشوری که انقلاب بورژوازی مومکراتیک در آن تکوین مییافت پیرولتاریائی وجود داشت که برای پیشوائی جنبش عمومی در مومکراتیک آماده بود و برنامه نوسازی سوسیالیستی جامعه را نیز تحت رهبری حزب خود تدوین کرده بود . پیرامون مسئله چگونگی تناسب خصلت در مومکراتیک و خصلت سوسیالیستی در انقلابی که در شرف وقوع بود بحثهای پر شور انجام میگرفت . در صفوف سوسیال در مومکرات های روسیه در باره اینکه کشور در آستان انقلاب بورژوازی قرار دارد اختلاف نظر وجود نداشت . مدتها پیش از آن در اواسط سالهای نود قرن گذشته در پرتوی روش های لنین با تحلیل اقتصادی دقیق مبتنی بر آمارها و موشق ثابت شده بود که روسیه بطور قطعی و بازگشت ناپذیر به راه سرمایه داری گام نهاده است . اختلاف نظر در زمینه دیگری پدید آمد و آن اینکه روسیه در چه مرحله ای از رشد سرمایه داری قرار دارد ، رشد شرایط اقتصادی انقلاب بورژوازی در چه پایه ایست ، تناسب نیروهای طبقاتی علاقمند به انجام این انقلاب چگونه است ، پیشوائی بیکار اجتماعی را که در زرفای جامعه تکوین یافته بود چه کس باید بشهده گیرد ، آیا گسترش این انقلاب و تحول آن به انقلاب سوسیالیستی امکان پذیر هست و چه وسائل و شیوه‌هایی را باید برای این بیکار بکار بست ؟

فونکس - برای شیوه تفکر دکماتیک و قشری چه از منسوخ راست و چه از منسوخ " چپ " فقط دو نوع انقلاب وجود داشت : انقلاب کلاسیک بورژوازی و انقلاب سوسیالیستی . مثلاً منشویک‌ها با استناد سطحی و ملانقطی به اتوریته بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی و به تجربه ناشی از رشد مومکراسی در کشورهای اروپای غربی به سوسیال در مومکراتهای روسیه توصیه میکردند در انقلاب فقط نقش اپوزیسیون چپ ایفا کنند . این امر بمعنای دست کشیدن از هژمه مونی پیرولتاریا و واگذاری آن به بورژوازی لیبرال بود . منشویک‌ها و نیز طرفداران نظریه تروتسکی در باره انقلاب جهانی بیایی " میکوشیدند بی ایمانی خود را به نیروی طبقه کارگر و ترس خود را از دهقانان با نقل قول‌هایی که خود سرانه از آثار مارکس و انگلس دستچین میشد پرده پوشی کنند .

لنین با قاطعیت را بخود را از منشویک‌ها سوا کرد . او میگفت خصلت بورژوازی مفهوم مجرد نیست و در شرایط گوناگون با شکل مشخص خود بروز میکند . تکوین سرمایه داری در روسیه در اثر توسعه روابط اقتصادی جهان تسریع یافته است . روسیه در زمینه مناسبات اجتماعی در سطحی بالاتر از آنچه که کشورهای اروپای غربی در آستان انقلاب های بورژوازی داشتند قرار دارد . تضاد میان سرمایه و کار ، میان بورژوازی و پیرولتاریا نیز عمیقتر است و " . . . پیرولتاریا حزب خود را زودتر از بورژوازی لیبرال بوجود آورده است " (۱) .

ولی حتی با وجود این امکانات سوسیالیستی نیز که در مراحل پیشین انقلاب بورژوازی سابقه نداشت چگونگی شرایط عینی اقتصادی و درجه آگاهی و تشکک توده‌های بزرگ پیرولتری آزادی بی درنگ و کامل طبقه کارگر را میسر نمیساخت . برانداختن تضاد میان قوایلیسم و سرمایه داری به

(۱) - لنین - " مقدمه بر ترجمه روسی کتاب " نامه های بیکر ، دیتسکن ، انگلس ، مارکس و

دیگران به زورگه " - مجموعه کامل آثار ، جلد ۱۵ ، ص ۲۳۵ .

عنوان وظیفه‌مند باقیمانده بود . لنین میگفت بنا بر این انقلابی که در پیش است از نظر محتوی اجتماعی و اقتصادی - انقلاب بورژوازی است . ولی این انقلاب برای پرولتاریا بعد اعلیٰ سودمند است . و انگهی " . . . انقلاب بورژوازی بمعنوم معین برای پرولتاریا بیشتر سودمند است تا برای بورژوازی " (۱) . بورژوازی روسیه بسبب ویژگی های تکامل خود قادر با بقای نقش رهبری انقلاب نیست و همینکه گذشته های معینی بدست آورد راه بند و صحت با تزارسم را در پیش خواهد گرفت . پرولتاریا نه تنها میتواند بلکه موظف است با جلب دهقانان و تمام نیروها و مظلوف رژیم حکومت فردی استبدادی بسوی خویش هژمونی انقلاب را بعهده خود گیرد . این امر به نخستین انقلاب روسیه از نظر شیوه مبارزه خصلت پرولتری بخشید . طبقه کارگر و حزب آن با مبارزه در راه پیشرفت مستمر و وقفه انقلاب بورژوازی مکرراتیک شرایط لازم را برای انقلاب سوسیالیستی فراهم میسازند .

کروتیو - بحث های عمیق تاریخی - متدولوژیک و سیاسی در سوسیال دموکراسی روس بطور عمده بر محور این مسئله در مورد که اسلوب مارکس را در تحلیل سرشت انقلاب ضد حکومت مطلقه چگونه باید بکار بست و از رسمهای مشهور تاریخ در زمینه پیدایش وضع انقلابی چگونه باید در محیط روسیه آغاز قرن بیستم استفاده کرد . لنین برخلاف منشویک ها نشان داد که برای تعیین صحیح مشی سیاسی حزب کمونیست باید مقتضیات عینی ناشی از سیر تکامل جامعه و درجه آگاهی توده ها را دقیقاً در نظر گرفت و خود را در چارچوب الگوی کهنه محدود نساخت . این یکی از احکام کتابی است که امروز نیز احزاب مارکسیست - لنینیست آنرا رهنمون عمل قرار میدهند .

وربیاک - مباحثات لنین با منشویک ها تصادم میان دوا سلوب برخوردار به میراث تئوریک مارکسیستی بود : اسلوب دیالکتیکی و خلاق و اسلوب متافیزیک و دگماتیک . این مباحثات در عین حال دوشیوه متضاد استفاده از آن بود - شیوه انقلابی و شیوه محافظه کارانه . کار بست خلاق تئوری مارکس و تعمیق تجربه سراسر جنبش جهانی انقلابی به لنین امکان داد تا مارکسیسم راغنی سازد و به آموزش انقلابی پرولتاریا خصلت جهانشمول تری متناسب با مرحله امپریالیستی تکامل سرمایه داری ببخشد .

گاروشیانس - لنین ریشه معرفتی ساخته های ذهنی ضد انقلابی کسانی را که از راست و " چپ " به جناح انقلابی سوسیال دموکراسی روس در آغاز قرن بیستم میساختند در جمود فکری و ترس آنان از نوآوری میدانست و ضمن پاسخ به منشویک ها که با سماجت تکرار میکردند : " گذشته را فراموشی نکنید ! شیفته تونشویید ! " موضعگیری بلشویک ها را تشریح میکرد و میگفت : " . . . ما در عین تایید گذشته (ولی بدون مکت های پیاپی برای تکرار مکرر آن زیرا این - گذشته است و گذشته ها هم برسایله مطبوعات و قطعنامه ها و تجربه محاصله حل و فصل شد و متسجیل گردید ماست) وظیفه نوینی مطرح میسازیم ، توجه را بسوی آن جلب میکنیم ، شمارا نومید نمیم و از سوسیال دموکرات های واقعا انقلابی میخواهیم که برای تحقق آن بید رنگ دست بکار شوند " (ص - ۱۲۸) . توجه به مفهوم عمیق عوامل عینی و ذهنی جنبه طبقات و درند دیالکتیکی - ماتریالیستی پیوند

(۴) - لنین . مجموعه کامل آثار ، جلد ۱۱ ، ص ۳۸ (ترجمه فارسی : آثار منتخبه لنین ، دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک " - جلد اول (قسمت دوم) ص ۵۰)
از این پیر شماره صفحات مربوط به این اثر لنین بر اساس ترجمه فارسی آن در خود متن بدون ذکر عنوان خواهد آمد .

میان تاریخ و دوران معاصر، لنین را به کشف و اثبات صحت مقوله دیکتاتوری انقلابی و موکراتیک پرولتاریا و هفنان رهنمون شد. او با ایجاد مفهومی که محتوی این مقوله را بدقت منعکس می‌گردد و با برقراری پیوند دیاکتیک میان این مفهوم و مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا تئوری مارکسیستی را بسای سیستمی از نظریات درباره چگونگی تحول انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی غنی ساخت و شرایط و عوامل اساسی انجام این پروسه را معین کرد. این سیستم نظریات در همان زمان حاوی یکسلسله احکام و ملاک های اساسی برای نتیجه گیری درباره امکان پیروزی سوسیالیسم نخست درین کشور بود. لنین این نتیجه گیری را در سال ۱۹۱۵ انجام داد و تجربه تاریخی صحت آنرا به ثبوت رسانید.

اسلوب انقلابی در حرکت و تکامل

کسی که بخواهد از راهی سوای دموکراتیسم سیاسی —
سوسیالیسم برسد تا کزیربنتایجی سخیف و ارتجاعی خواهد
رسید — هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه سیاسی .

لنین

لنین میگفت تکیه بر وظائف پیکارجویانه طبقه پیشرو و کشف عوامل لازم برای برانداختن جامعه سرمایه داری موجود در درون خود این جامعه — چنین است دیاکتیک انقلابی رالیسم مارکسیستی (۱). درک مفهوم "موجود و سمبارت دیگری بودن به چگونگی شرایط مادی انقلاب و دادن شعار صحیح مبارزه برای پایه فقط از عهد حزب پرولتری که برپایه درک ماتریالیستی تاریخ عمل میکنند، ساخته است (ص — ۴۲). چنین حزبی همان حزب بلشویک ها بود که لنین آنرا بنیاد نهاد.

زندگی صحت تحلیل تئوریک لنین را به ثبوت رسانید و این تحلیل به بلشویک ها امکان داد تا نخستین انقلاب توده ای دوران امپریالیسم را کاملاً مجهز و مسلح پذیره شوند و سپس از فوریه بورژوا دموکراتیک با گامهای استوار بسوی اکتبر سوسیالیستی که عصر نوین جهانی را آغاز نهاد، رهسپار گردند.

ور بیابک — صحت اندیشه های اساسی اثر لنین یعنی آموزش مربوط به تحول انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی پیش ریم قرن بعد در جریان انقلابهای پیروزمند پراگ و چین جنگ جهانی در اروپای شرقی و مرکزی و نیز آسیا بار دیگر به صحت آزمایش گذاشته شد. این تئوری بار دیگر آزمایش عقلی پیروز آمد. با اینجهت هرگونه دعوی اینکه اندیشه های بنیادی اثر لنین فقط برای محیط روسیه اهمیت و اعتبار دارد، بی اساس است. طبیعی است که برخی ویژگی های ناشی از شرایط جدید را نیز باید در نظر گرفت. حتی در آن کشورهای دموکراسی توده ای اروپا که در آنها نظیر مثلاً لهستان دافنه و وظائف ضد فئودالی بالنسبه وسیع بود تجاوز هیتلری موجب شد که رهبری مبارزه آزاد پیشتر علیه یکی از عنان گسیخته ترین بورژوازی امپریالیستی بعنوان وظایف درجه اول در برابر پرولتاریا قرار گیرند. جنبش مقاومت نه تنها شرایط لازم را فراهم

(۱) — لنین، "انقلاب بیا میاموزد"، جلد ۱۱، ص ۱۳۲.

ساخت تانیروهای مترقی و دموکراتیک و مهین پرست خلق تحت رهبری پرولتاریا در جنبه ملی متحد شوند بلکه به رشد سریع آگاهی خود پرولتاریا نیز کمک کرد و موجبات لازم را فراهم آورد تا از همان آغاز به دگرگونی های عمیقی دست زده شود که از چارچوب انقلاب دموکراتیک فراتر میرفت . یکی از ویژگی های این دگرگونی ها در لهستان در آمیختگی کامل وظایف عمومی دموکراتیک و وظایف سوسیالیستی بود . نمودار آن از جمله ملی کردن صنایع در ظرف مدت نسبتاً کوتاه بود که به موازات آزادی کشور توسط خود زحمتکشان از یائین و زود ترا فرمان قانونی آن که فقط در اوتل سال ۱۹۴۶ صادر شد ، انجام گرفت . با اینجهت ما در لهستان از د و انقلاب جداگانا سخن نمیگوئیم بلکه یک پیروسه انقلابی واحد را در نظر داریم که در آن میتوان در مرحله اول یک دگرگونی کرد : مرحله دموکراتیک و مرحله سوسیالیستی . در آمیختگی کامل این دو مرحله گامی نین نظری را پدید میآورد که چون تعیین دقیق حد فاصل میان آنها ممکن نیست پس نباید آنها را از یک دگرگونی کرد . با این نظر نمیتوان موافقت داشت . بجاست این سخنان چنین را یاد آوریم : " البته در شرایط تاریخی مشخص عناصری از گذشته آیند و با هم در میآمیزند و در راه با هم مخلوط میشوند . . . ولی این امر به هیچوجه مانع آن نیست که ما مراحل بزرگ تکامل را از نظر منطقی و تاریخی از یک دگرگونی کنیم . ماهمه ، انقلاب بورژوازی و انقلاب سوسیالیستی را در نقطه مقابل یک دگرگونی قرار میدیم و همه بی چون و چرا ضرورت تفکیک کامل آنها را از هم تاکید میکنیم ولی مگر میتوان متکر شد که برخی از عناصر خاص این دو انقلاب در تاریخ با هم در میآمیزند ؟ " (۱۰۱) .

تغییر خصیلت انقلاب بمیزان زیادی از ویژگی وضع بین المللی و ترکیب خاص نیروها در صحنه جهانی ناشی میگردد . لنین ضمن تحلیل پیروسه انقلابی روسیه این نکات را در نظر میگرفت . ما در لهستان با تناسب جدیدی از نیروهای طبقاتی در صحنه جهانی روبرو شدیم که با آنچه که روسیه در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۷ با آن روبرو بود تفاوت اصولی داشت . در دوران انقلاب ما اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی جهان وجود داشت ، ارتش شوروی کمینورهای لهستان و در بدو و شر آن پیکار میکردند - در تارومار ساختن فاشیسم و آزادی لهستان نقش قاطع ایفا کرد و در بر تو آن مواضع نیروهای داخلی انقلاب تحکیم پذیرفت و توده های مردم نیرو گرفتند و به فعالیت دانه در ایرخواستند . این عوامل فعالیت مراکز ارتجاع سیاسی لهستان را بمیزان قابل ملاحظه ای خنثی کرد و مانع مداخله امریکا و انگلیس در امور کشور گردید . در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی کشورهای دموکراسی توده ای پدید آمدند . در اروپای غربی و ویژه در فرانسه و ایتالیا مواضع احزاب کمونیست تحکیم یافت و جنبش کارگری و دموکراتیک نیروی تازه کسب کرد .

مجموع عوامل خارجی و بین المللی برای تحقق دگرگونی های انقلابی در لهستان رو به معرفت شرایطی مساعد تر از شرایط روسیه سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۷ فراهم ساخت و گسترش انقلاب را تسهیل کرد و به گذار سریع و بالنسبه مسالمت آمیز از مرحله وظایف عمومی دموکراتیک به مرحله وظایف سوسیالیستی ، که تحت رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ آن انجام گرفت کمک کرد .

مارکسیست - لنینیست ما بر پایه تحلیل تئوریک جمعی و با توجه بموامل داخلی و خارجی بی آنکه آنها را در نقطه مقابل یک دگرگونی قرار دهند برای پیروسه هایی که در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و آسیا صورت گرفت تعریف مشخصی بیان داشتند . مفهوم " انقلاب دموکراتیک توده ای " که در مطبوعات بتفصیل مورد تحلیل قرار گرفته است و جوه عمده و تشابه و تمایز پیروسه های انقلابی مورد بحث را مشخص میسازد .

گارشیا نیس - محتوی تئوریک آموزش لنین در باره تحول انقلاب بورژوازی دموکراتیک به انقلاب

سوسیالیستی فقط به مسأله مورد بررسی در این اثر محدود نمی‌شود. البته آن شکل گذار انقلابی که در این اثر تشریح گردیده است برای کشورهای هم که در دوران امپریالیسم تضاد میان فتودالیسم و سرمایه داری را در عین تأمین هژمونی پرولتاریا بر طرف میسازند عمومیت دارد. ولی این شکل نمیتواند تنوع مسائل ناشی از پیوند درونی میان انقلاب و موکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را در جنبش آزاد بیختر دوران کنونی بخور کامل در برگیرد. مگر میتوان از احکام این اثر چنین مثلاً برای تحلیل وضع اجتماعی کشورهای آسیای و آفریقای که گاه حتی در مراحل ماقبل فتودالی قرار دارند و با وجود این برای پیشرفت در جهت سوسیالیستی مستعدند - بطور مکانیکی استفاده کرد؟ سؤال دیگری هم پیش می‌آید و آن اینکه: تئوری مربوط به تحول انقلاب پرولتاریائی به سوسیالیستی را در مورد آن کشورهای آسیا و آفریقا که گذار از فتودالیسم به سوسیالیسم در آنها برپا شده است، نازل سرمایه داری (در این کشورها این سطح نازل نیز، قاعدتاً عمومی است نه استثناء) و رشد ضعیف طبقه کارگر و یا تقریباً فقدان طبقه کارگر انجام میگیرد - چگونه باید بکار بست؟ امریکای لاتین هم در این زمینه وضع ویژه ای دارد زیرا با آنکه در کشورهای اساسی این قاره رشد سرمایه بسته داری به سطح متوسط رسیده است بجای وظائف دارای خصلت مستقیماً ضد سرمایه داری غالباً وظائف مبارزه با الیگارشی محلی زمینداران کلان و انحصارات امپریالیستی اهمیت درجه اول کمیند.

کورتیو - در واقع نیز در دوران ما مبارزه در راه دموکراسی در کشورهای سرمایه داری رشد یافته محتوی نوین و ژرفتر از گذشته کسب میکند. جنبش‌های ضد انحصاری از حدت روز افزون تضاد ذات اجتماعی در مرحله سرمایه داری انحصاری دولتی ناشی میگردد. برنامه حداقل سوسیال دموکراسی روسیه انجام آنچنان دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی را در نظر داشت که میدان را برای رشد آزاد سرمایه داری می‌گشود و در عین حال تحقق آن با منافع پرولتاریا و با مبارزه آن در راه سوسیالیسم مطابقت داشت. ولی در برنامه‌های ضد انحصاری کنونی احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری رشد یافته و طبقه ضعیف قطعی انحصارات سرمایه داری در سرخسختی و وظائف دیگر قرار دارد. علت پیدایش این گروه و وظائف عمومی دموکراتیک و وجود بازمانده‌های فتودالیسم و بطریق اولی بازمانده‌های صورتبندی‌های دیگر ماقبل سرمایه داری که هنوز در آسیا و آفریقا و یکسلسله از کشورهای امریکای لاتین و حتی در برخی از کشورهای سرمایه داری عقب مانده اروپائی وجود دارد، نیست. در این کشورها برعکس جریان پوسیدگی امپریالیسم بسیار تشدید یافته است.

گروه پژوهش برای عقیده است که پدیده‌ها و پروسه‌های نوین جنبش آزاد بیختر جهان تحلیل جامع آموزش لنین را در باره تحول انقلاب پرولتاریا دموکراتیک به سوسیالیستی ایجاد میکنند. جریان این تحول بهیچوجه آنجه که در این اثر تشریح شده محدود نمیگردد، اگرچه اندیشه‌های عمدتاً تجربه بلشویسم و رهنمودهای مشخص لنین اکنون نیز اهمیت خود را حفظ کرده است. سیستم نظریات مطروحه در این اثر هسته تئوریت مجموعه آموزش لنین را درباره گذار انقلاب سوسیالیسم با توجه به تنوع شرایط اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف در بردارد. مثلاً در آن این حکم بنیادی مطرح است که: بدون طی یکسلسله مراحل بیخپنهی تکامل انقلاب نمیتوان

به ارکان سرمایه داری گزندی رساند (۵۹) . کمونیست ها در دوران پس از اکثر طرحریریزی مساوی مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم را بر پایه همین حکم بنیادی تکمیل کردند . این مسئله پس از نخستین جنگ جهانی مطرح شد و آن هنگامی بود که گرایش ناموزونی رشد کشورهای سرمایه داری بیشتر از پیش آشکار گردید و ملل کشورهای عقب مانده وابسته و مستعمره به جنبش پیوستند . همین در سال ۱۹۲۰ در دومین کنگره کمینترن این مسئله مورد تحلیل و عقیبتی قرار داد .

نکالا - لنین آموزش مربوط به تحول انقلاب بورژوا - دموکراتیک به سوسیالیستی را با تئوری راه رشد غیر سرمایه داری تکمیل کرد و به کشورهای هم که در مرحله ماقبل فئودالی یاد رما حصل بدوی فئودالیسم بودند طرق گذارتدریجی به سوسیالیسم را نشان داد . پیشروی موفقیت آمیز بسوی سوسیالیسم فقط در نتیجه تاثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی میتواند انجام گیرد . عامل خارجی و در درجه اول وجود و تکامل سیستم جهانی سوسیالیسم ، آن شرایط عینی اجتماعی و اقتصادی را که در خود کشورهای وابسته و مستعمره موجود نیست ، در بر دارد .

فوکس - اثر لنین به روشن ساختن مراحل انقلاب در امریکای لاتین و تعیین نقش طبقه کارگر و پیمشا هتنگ سیاسی آن در مراحل گوناگون جنبش و درک اهمیت اتحاد پرولتاریا و دهقانان کمک کرد و این مطلب برای ما اهمیت سیاسی عظیم داشت زیرا که تعیین شعارهای بسیج کننده را بر پایه واقعیت امریکای لاتین تسهیل کرد . سخنرانی لنین در باره مساوی ملی و مستعمراتی در کنگره دوم کمینترن به تعیین دقیق خصلت انقلاب در قاره امریکای لاتین کمک کرد . کنفرانس نمایندگان ۱۵ حزب کمونیست و کارگری کشورهای امریکای لاتین (سال ۱۹۲۹ در پوتنوسر آبروس) بر اساس نظریات لنین باین نتیجه رسید که دشمن عمده خلق های قاره امریکالیسم و الیگارش مالکان بزرگ است و بنابراین مرحله موجود انقلاب مرحله بورژوا دموکراتیک یعنی مرحله ارضی ضد امریکالیستی است . این کنفرانس که با شعار ضرورت درک خلاق میراث لنین برگزار شد اصول استراتژی و تاکتیک را بی ریخت و این اصول همانگونه که کود وو یلا خاطر نشان ساخت : " مبنای تحکیم ایده بولویژیک و سازمانس احزاب کمونیست امریکای لاتین و تدوین برنامه های آنان " قرار گرفت .

گاروشیانس - جنبش جهانی کمونیستی به پیروی از تئوری لنین در باره امریکالیسم پس از فرو کشر اموان نیرومند جنبش ها ن انقلابی در مبنای تاکتیک و استراتژی مبارزه پرولتاریا در کشورهای سرمایه داری رشد یافته و نیز در تصورات مربوط به زمان تحقق انقلاب سوسیالیستی در غرب تصحیحاتی وارد کرد . در نظر گرفته شد که برای تصرف قدرت باید وظایف درازمدتی در زمینه اتحاد سیاسی اکثریت طبقه کارگر و جلب توده اساسی زحمتکشان بسوی آن انجام گیرد . لنین که این مطلب را در کنگره سوم کمینترن روشن ساخت : " ما در روسیه حزب کوچکی بودیم ولی با وجود این اکثریت شو را های نمایندگان کارگران و دهقانان سراسر کشور هوادار ما بود . شما کجا چنین اکثریتی دارید ؟ قریب نیمی از ارتش که آن زمان دستکم در میلیون نفرا در بر میگرفت هوادار ما بود . مگر در کشورهای شما شم اکثریت ارتش با شماست ؟ چنین کشوری را بمن نشان دهید ! " (۱) . در جریان بحثهای طولانی با کمونتر لنین اندیشه تشکیل دولت کارگری (و بعد ها دولت کارگری - دهقانی) برای سوق توده ها از مرحله دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی پدید آمد .

نظریه مربوط به دموکراسی ضد انحصاری که اکنون احزاب مارکسیست - لنینیست بآن مجهز هستند در حکم تکامل بعدی همین نظریات لنین است .

گروه پژوهشی از این بحث باین نتیجه رسید که لنین برای گذار از این مرحله به مرحله دیگر بر حسب چگونگی انواع و مراحل پروسه‌های انقلاب اشکال گوناگونی را مطرح می‌ساخت که با توجه به متنوع شرایط جنبش آزاد بیخوش هیچیک از آنها را نباید مطلق کرد. ولی در عین حال مسائل مشترکی هم وجود دارد که در "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی و انقلاب دموکراتیک" عمیقاً تشریح شده است. از آن جمله است: ضرورت طی مراحل بینابینی گذار در راه‌نیل به سوسیالیسم، اتحاد طبقاتی وسیع در عین هم‌مونی پرولتاریا، شرایط لازم برای انجام تحول با توجه به چگونگی آرایش نیروهای طبقاتی و ایجاد دولت‌های دموکراتیک با مستگیری بسوی سوسیالیسم.

استراتژی اتحادها

برای تامین کامیابی انقلاب باید با دقتی هر چه بیشتر دانست که با چه نیروهایی میتوان به پیکار دست زد، متحد نامطمئن کیست و دشمن واقعی در کجاست. لنین

چرا با وجود فراهم بودن موجبات و مقدمات مادی و فنی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه داری رشد یافته و با وجود پرولتاریزه شدن روزافزون توده‌ها حجم خواست‌های دموکراتیکی که تحقق آن‌ها طی مرحله مبارزه ضد انحصاری را ایجاب میکند فزونی می‌یابد؟ آیا این فقط به علت عقب ماندن عامل ذهنی و سیاست مانور و سازی دستگاه سرمایه داری انحصاری و ولتی، با شرایط نوین مبارزه طبقاتی است؟ انتقادی که "از چپ" از اصل جبهه ضد انحصاری می‌شود تفره‌هم بودن کامل شرایط انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه داری را مطلق میکند و در انتقادی که از راست از این اصل بعمل می‌آید تز تشبیهی طبیعت سرمایه داری و "در آمیزی" طبقه کارگر با سیستم بورژوازی مطلق میگردد. حتی در نظر بسیاری از هواداران جبهه ضد انحصاری در اردوگاه مارکسیستی استراتژی کمونیست‌ها را در زمینه استقرار دموکراسی پیشرو و ضد انحصاری یک نوع "مانور تاکتیکی" تلقی میکنند.

کورتیو - در فرانسه و نیز در تمام جهان سرمایه داری شرایط مادی برای گذار به سوسیالیسم فراهم آمده است. ولی تحقق انقلاب سوسیالیستی مستلزم آنستکه توده‌های بزرگ زحمتکشان و در درجه اول طبقه کارگر بر اساس تجربه خود بصحت این راه معتقد شوند. این شرط فعلاً در کشورها وجود ندارد. هنوز توده‌ها به ضرورت مستقیم سوسیالیسم پی نبرده‌اند. ولی در مورد مبارزه علیه تسلط اقتصادی و سیاسی انحصارات وضع بر متوال دیگر نیست. اکثریت قریب بتمام شاغلین کار جسمی فکری میتوانند در این عرصه برای محدود کردن دامنه‌فشارتگری انحصاری و سپس برانداختن کامل آن به مبارزه متحد بپردازند. بر همین پایه است که میتوان نیروهای انقلابی بالقوه تمام قشرهای زحمتکشان را بسیج کرد و جنبش ضد انحصاری را در میان توده‌ها نیرومند تر از سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۴۵ ساخت.

برنامه عمل ضد انحصاری انعکاسی است از نیاز زندگی‌های عینی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. این برنامه راه بیرون رفت از بحران را که جامعه فرانسه با آن دست یگریبانست نشان میدهد.

لنین بمامیاموزد که تا زمانیکه برای دگرگونی ها " به واسطه زمین لازم در واقعیت اقتصادی
 در جمهور اکثریت قریب بنام مردم فراهم نیامده است . . . " نیاید بهیچگونه دگرگونی
 دست زد . ماکونیت های فرانسه برخلاف رژیمت ها که دموکراسی و سوسیالیسم را با هم خلط
 میکنند و برخلاف چپ روها که شرایط مشخص را در نظر نمیگیرند و میکوشند از روی مراحل بینا بینسی
 جنبش فراجهند توجه باین عوامل را ضروری میدانیم . حزب کمونیت فرانسه سیاست خود را بر
 پایه تحلیل مقتضیات عینی رشد اقتصادی جامعه و ارزیابی کاملا عینی و طبعی مناسبات میان طبقات
 و قشرهای جامعه و روحیات تمام آنان استوار میسازد . وظیفه ما آنستکه با توجه به امکانات موجود
 کار دموکراسی و سوسیالیسم را به پیش ببریم .

فوکس - برنامه حزب کمونیت آرنانتین انقلاب آئنده کشور را انقلاب دموکراتیک ، ارضی
 و ضد امپریالیستی باد و رونمای سوسیالیستی ارزیابی میکند . وظیفه ای که در سرخط وظائف دیگر
 قرار ارد ملی کردن مؤسسات متعلق به انحصار استویر قراران نظارت خلق بر منابع طبیعی و بانک
 های امپریالیستی و سیستم بیحد اجتماعی و بازار گانی خارجی است . وجود انحصارات خصوصی
 نفی میگردد . توسعه صنایع و حف و نقل پیشبیتی میشود . اصلاح ارضی بنیادی سیعی ده
 را دگرگون خواهد ساخت و مجموعه این اقدامات تاثیر قوانین اقتصادی سرمایه دارن را محدود
 خواهد کرد و در عین حال بورژوازی ملی غیر وابسته به امپریالیسم میتواند به فعالیت خود ادامه
 دهد .

به بیان دیگر میان این مرحله و مرحله انقلاب سوسیالیستی تفاوت های بسیار وجود دارد .
 لنین خطر خلط مراحل را گوشزد میکرد ولی ضمنا میگفت نباید میان آنها دیوار چین کشید . همانگونه
 که در برنامه ما خاطر نشان شده است انقلاب راه برای ایجاد جامعه ای در آرنانتین میگشاید که
 هنوز سوسیالیستی نخواهد بود ولی چارچوب طبقاتی استروکتور سرمایه دارن را بکلی درهم
 میشکند و آرایش جدیدی از نیروها در کشور پدید میآورد .

تضعیف و تخریب بنیاد مادی تسلط انحصارات خارجی و الیگارش مالکان بزرگ کار دگرگونی
 های کیفی را در استروکتور اجتماعی - اقتصادی کشور تسریع میکند و مرحله سوسیالیستی را نزدیک
 میسازد . تغییر تناسب نیروهای جهانی بسود طبقه کارگر و زحمتکشان که نتیجه شدیدی نفوذ و تاثیر
 جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی است باین امر کمک میکند . وجود
 کوبای سوسیالیستی و پروسه های انقلابی در شیلی و پرو برای ماهیت فراوان دارد .

ضمنا نفع طبقه کارگر و زحمتکشان در آنستکه مرحله دموکراتیک انقلاب تا آخر طی شود زیرا اتحاد
 نیروهای طبقاتی در این مرحله ارزش گذار به سوسیالیسم را طولانی نمیکند بلکه موجبات تسریع
 آنرا فراهم میسازد . تجربه نشان داده است که تشبیه دستاورد های طبقه کارگر و توده های خلق
 و تقویت اتحاد با قشرهای پرولتری به تشدید پروسه انقلاب کمک میکند . در برنامه حزب کمونیت
 آرنانتین شعار استوار دموکراسی طراز نوین که بنیان زندگی های رشد اجتماعی - اقتصادی و سیاسی
 مطابقت دارد مطرح است . اجرای پیگیر این برنامه وشیقہ ایست برای آنکه انقلاب در نیمه راه باز
 نایستد بلکه پی در پی بسوی سوسیالیسم پیش رود .

نزدیک شدن مراحل بمعنی فراجمیدن از یک مرحله به مرحله دیگر نیست . در کشور ما شرایط
 عینی و ذهنی برای گذار مستقیم به سوسیالیسم هنوز فراهم نیامده است . مارکسیست - لنینیست
 هانه به ماجراجوش روی میآورند و نه در لحظه ای که اقدامات قاطع ضرور میگردد از ابتکار انقلابی
 روی برمی تابند . نکته عمده آنستکه هدف نهائی جنبش ما که سوسیالیسم است لحظه های فراوان
 نشود .

نکالا - در اکثریت قریب بتمام کشورهای آسیا و آفریقا با وجود فراهم بودن شرایط لازم برای رشد غیر سرمایه داری مقدمات عینی و ذهنی برای اقدام مستقیم به دگرگونی های انقلابی سوسیالیستی فراهم نیست . دموکراسی انقلابی ملی که راه غیر سرمایه داری اعلام کرده است باید هنوز یک دوران دلاولتی معین رشد عمومی دموکراتیک ملی کند تا شرایط لازم برای ساختمان سوسیالیسم فراهم آید .

در عین حال امروز در آریا و آفریقا راهی گشوده میشود که بیشتر در جهت کاهش دامنه استثمار سرمایه داران سیر میکند تا در جهت گسترش سرمایه داری . در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ملل آسیا و آفریقا امکان طی کامل مراحل سرمایه داری را نخواهند داشت و ایمنی امر طریقه آنها را به وظائف ناشی از انقلاب سوسیالیستی نزدیک میکند . راه دموکراسی انقلابی به اورنا گزیر و یا زنگشت ناپذیر بسوی سوسیالیسم خواهد رفت . ولی دگرگونی های مترقی کنونی در کشورهای در حال رشد دارای مستگیر سوسیالیستی با سوسیالیسم مفهوم یکسان ندارد و حتی به مفهوم آغاز حتمی گذار به سوسیالیسم هم نیست .

از اینجاست ضرورت تحلیل دائمی چگونگی مراحل رشد انقلاب در کشورهای آسیا و آفریقا بر اساس چنین تحلیلی میتوان وظائف واقعی مرحله و نیروهای محرکه آن را که به برنامه دموکراتیک تحقق می بخشند و گذار به مرحله الیترتار امین میکنند تعیین کرد . رهنمود لنین درباره اینکه : " باید این نکته را درک کرد که چه طرف بینابینی ، چه شیوه ها ، وسائل و لوازمی برای گذار از مناسبات ماقبل سرمایه داری به سوسیالیسم لازم است " (۱) اهمیت خود را تمام و کمال حفظ کرده است .

تنها کشوری که در قاره آفریقا تا حدودی وضع خاص دارد جمهوری آفریقای جنوبی است که سطح رشد سرمایه داران آن بالنسبه بالا است ولی هنوز وظائف انقلاب دموکراتیک در آن انجام نگرفته است . در برنامه حزب کمونیست آفریقای جنوبی خاطر نشان میشود که منافع عاجل و مهم تمام قشر های اهالی آفریقای جنوبی انجام انقلاب دموکراتیک ملی را ایجاب میکند که در نتیجه پیروزی آن تسلط استعماری سفید پوستان از میان خواهد رفت و کشور مستقل دموکراسی ملی در آفریقای جنوبی ایجاد خواهد شد .

گروه پژوهشی معتقد است که مرحله کنونی جنبش آزاد بیخبر که محتوی دموکراتیک عمیق دارد پایه اجتماع مبارزه ضد امپریالیستی و ضد انحصاری را بوسعت بیسابقه ای رسانده است . در این شرایط اندیشه اتحاد طبقاتی وسیع پرولتاریا با قشرهای دیگر زحمتکشان اهمیت خاص کسب میکند . این اندیشه در تئوری لنین درباره تحول انقلاب بورژوا دموکراتیک به سوسیالیستی جای بسیار مهم دارد .

مارکسیست - لنینیست ها دگرگونی های استروکتور طبقاتی جامعه سرمایه داری را در پیافته اند و کشورهای آسیا ، آفریقا و امریکا را لاتین بدقت بررسی میکنند . فعالیت احزاب کمونیست

(۱) - لنین - " درباره مالیات جنسی " (ترجمه فارسی ، آثار منتخبه ، جلد ۲ ، قسمت دوم)

در راه اجرای برنامه‌های ضد انحصاری نشان میدهند که در این زمینه " برای نیروی واقعا سوسیالیستی
بجز استراتژی لنینی اتحاد ها هیچ آلترناتیف دیگری نمیتواند وجود داشته باشد . در خارج از
آن هیچ راهی بجز چارشدن به شکلی از اشکال اپورتونیزم و یا مشی افراطی انقلابی کاذب
و میان‌تهی وجود ندارد " (از قطعنامه سیاسی کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایتالیا) .

کورتیو - تمام پراتیک جنبش‌های ضد انحصاری کنونی و از جمله تجربه مبارزه کمونیست‌های
فرانسه در راه وحدت خلق گواه بر اثربخشی استراتژی لنینی اتحاد هاست . وحدت خلق عبارت
است از اتحاد تمام طبقات و قشرهای اجتماعی که قربانی انحصارات و سیاست ارتجاعی آنها
هستند . این طبقات در درجه اول عبارتند از : طبقه کارگر که در برانداختن تراست‌های انحصاری
ذینفع است و نیز دهقانان ، کارمندان ، مهندسان ، تکنیسین‌ها ، کسبه و پیشه‌وران ، اکثریت
شاغلین کار فکری ، بخش کارفرمایان کوچک و متوسط ، جوانان و زنان مترقی ، دموکرات‌های غیر
حزبی ، مذهیبون و تمام نیروهای میهن پرستی که به پیشرفت جامعه فرانسه علاقمندند . قشرهای
وسیع ضد انحصاری میتوانند بر پایه " برنامه دولتی مشترک " کمونیست ، سوسیالیست ها و رادیکال
های چپ بایکدیگر متحد شوند زیرا این برنامه منافع حیاتی آنان را در نظر میگیرد و همین امر پایه
تحقق این برنامه امید وار میسازد .

فوکس - بحران بنیاد عمیق جامعه امریکای لاتین به توسعه پایه اجتماعی مبارزه علیه
امپریالیسم و الیگارشی منحل گشته است . خصیصه دوران کنونی عبارتست از مبارزات بزرگ‌توده
ها در راه احراز قدرت سیاسی برای خلق . رشد آگاهی ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی در پروسه
ایجاد جبهه واحد ضد امپریالیستی در شیلی ، پرو ، اوروگوئه ، کلمبیا ، ونزوئلا ، بلیوی و قشره
نمودار است . حزب مانیزیران تشکیل چنین جبهه‌ای مبارزه میکند . ایجاد سازمان تحت عنوان
" دیدار ملی آرژانتینی ها " و توسعه آن گامی است که در این راه برداشته شده است .

گروه پژوهشی بر این عقیده است که مسائل ناشی از سیاست اتحاد های طبقاتی در مطبوعات
تشریح مارکسیستی بتفصیل تحلیل میشود . مسائل حل نشده‌ای هم هست که فقدان تجربه
مشخص عیالناحل آنها را دشوار میسازد .

لنین ضمن دعوت پرولتاریا به جلب تمام نیروهای اپورتونیستون بالقوه و متحد ساختن آنها
ببرامون خود متحد بین عمده و فرعی طبقه کارگر را در دهقانان بودند که پرولتاریا با تفاق آنها نقش حامل
دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک را ایفا میکند . هم روند با گسترش انقلاب قشرهای اپورتونوازی که
با حکومت مطلق مخالف بودند از انقلاب روی برگردانند و آنگاه پرولتاریا برای پیروزی انقلاب
سوسیالیستی با تفاق دهقانان تهیدست و تمام استثمارشوندگان و جلب دهقانان میانه حال
بسیاری خون به مبارزه پرداخت . اصل عالی دیکتاتوری پرولتاریا اتحاد طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش
است .

تحقق برنامه‌ها در دموکراسی ضد انحصاری را بطور کلی میتوان بعنوان انتقال انقلابی
دموکراتیک حکومت بدست اتحادی مرکب از طبقه کارگر و سایر قشرهای تحت ستم انحصارات در شهر
ها و دهات تحت رهبری پرولتاریا ارزیابی کرد . ولی هنگام تعیین هسته حکومت ضد انحصاری

و متحد بین پرولتاریا باید شیوه برخورد طبقاتی مشخص داشت، زیرا شرایط اجتماعی و استروکتور طبقاتی مثلا در ایالت‌های ایالات متحده آمریکا و در فرانسه با انگلستان تفاوت‌های مهم دارد.

کورتیو - گسترش تقویت اختلاف وسیع نیروهای ضد انحصاری توجه دقیق‌تر به مسائل هم‌رونی پرولتاریا را ایجاب میکند. طبقه کارگر نیروی قاطع جنبش ضد امپریالیسمی دوران کنونی است. این طبقه نیروهای ضد انحصاری را بیکدیگر پیوند میدهد و توسط پیشاهنگ کمونیستی خود برنامه‌های عمل واحد و مبتنی بر پایه تحلیل علمی در اختیار آنها قرار میدهد. گواه بارز آن اینست که امروز مبارزه در واقع تحقق برنامه ضد انحصاری بین مسئله عطفی بدل گردیده است. تمام فعالیت‌های تئوریک و پراتیک جنبش انقلابی کارگری بر این اندیشه اساسی نئین استوار است که "پرولتاریا بیگانه طبقه است که میتواند با اطمینان تا آخر پیش روی مبارزه از جادو انقلاب و موکراتیک پس فزاینده‌تر می‌رود" (۱۱۹). ما تقویت نقش رهبر پرولتاریا و توانایی آنرا در ایفای این نقش و وثیقه تحقیق و موکراسی پیشرو می‌دانیم. این موکراسی راه فرانسه را بسوی سوسیالیسم خواهد گشود. باید کوشید تا تمام نیروهای ضد انحصاری پیرامون پرولتاریا متحد گردند و بورژوازی بزرگ منفرد و پانگانه اجتماعی آن‌ها محدود شود.

گاروشیان - مسئله هم‌رونی پرولتاریا هر اندازه هم که حل شده باشد باز به طرز حریزی تکمیلی نیازمند است. پیش از هر چیز باید در نظر گرفت که تئوری‌های ضد مارکسیستی صبی بر اینکه گویا انقلاب علمی و فنی طبقه کارگر را روبه‌زوال می‌برد عملاً عده افرادی این طبقه پیوسته فزونی می‌دهد.

مسئله استروکتور و حدود و ثغور پرولتاریای معاصر جزئی از مسئله نقش رهبری آن در جامعه است. پروسه نزدیکی سایر قشرهای زحمتکش به پرولتاریا که کنفرانس سال ۱۹۶۹ مسکو آنرا خاطر نشان ساخت تغییر استروکتور پرولتاریا و پیوستن گروه‌های تازه از زحمتکشان بصفوف آن که تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی و سیاست سرمایه داران انحصاری دولتی صورت می‌گیرد - به رشد سیاسی واید و لولویک طبقه کارگر منظره بفرنجی میدهد.

تحلیل علمی همه‌جانبه این دگرگونی‌ها از جهت دگرگونی هم ضرورت دارد بدین معنی که اخیراً "تئوریسمین‌ها" نئی که نقش رهبری پرولتاریا را در مبارزه ضد امپریالیسمی منکرند فعالیت خود را تشدید کرده‌اند. یکی از نمونه‌های آن مقالات جیلان و مارکوزه و کریزان و فیسمان است که در اوت ۱۹۷۲ در "نیویورک تایمز" انتشار یافت.

نکسالا - کسانی هم که طبقه کارگر را از راه و گاه "چپ" مورد انتقاد قرار میدهند عملاً باین گروهی پیوندند. اینان با مطلق کردن برخی دشواری‌ها در برخی از واحدهای جنبش آزاد بیخوش ملی بران دهقانان و قشرهای لومین پرولتر (دعوی قانون و هواداران) و خلق‌ها "سیاهیوست" یا با اصطلاح ما "تئوریسمین‌ها" و "نگین پیوست" نقش هم‌رونی قائل میشوند. ولی اکنون ما باین مطلب نخواهیم پرداخت. خواننده "دو تاکتیک سوسیال موکراسی در انقلاب موکراتیک" ممکنست متوجه شود که اگر طبق نظریه نئین پرولتاریا پیگیرترین مبارز راه موکراسی است پس در کشورهای نوا استقلال که پرولتاریا غالباً بسیار کم‌عده است و گاه حتی نقش سیاسی مستقل هم ندارد دگرگونی‌های بنیادی در موکراتیک بدست کدام نیروی اجتماعی انجام می‌گیرد؟

این سؤال تفکر قشری راست و "چپ" را که برای پاسخ بیان از منظر تجریدی مدد می‌گیرد به بن بست می‌اندازد. ولی پراتیک انقلابی مویده آنست که اندیشه نئین اهمیت خود را بسوی دوران ما نیز حفظ کرده است. تجربه نشان میدهد که اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری ناگزیر

موجب رشد طبقه کارگر میشود و نقش و نفوذ این طبقه نیز سهیچوجه با کمیت آن تناسب مستقیم ندارد و آن محدود نمیشود . وانگهی طبقه کارگر را نباید تنها بعنوان يك پدیده اجتماعی محلی تلقی کرد بلکه نقش آن را در مقیاس جهانی نیز باید در نظر گرفت . این طبقه در عین حال از سیستیم جهانی سوسیالیستی نیرو میگیرد که از جنبش دموکراتیک انقلابی کشورهای آفریقائی پشتیبانی فعال بعمل میآورد . این " دورتمسلسل " که بدون شرکت طبقه کارگر در گرونی های اجتماعی بنیادی ممکن نیست و بدون در گرونی های اجتماعی بنیادی طبقه کارگر پدید نخواهد آمد در عمل یک تجرید میان تنهی و دراز واقعیت عینی از کار در میآید .

مسائل تجدید گروه بندی نیروها

پرولتاریا ضمن اینکه پیشاپیش همه و در رأس همه در راه دموکراسی مبارزه میکند لحظه ای نباید از . . . تضاد های تازه ای که در بطن دموکراسی بورژوازی نهفته است و نیز از شکل نوین مبارزه غافل باشد .
لنین

در يك صحیح مساوی مربوط به هژمونی پرولتاریا با توجه به اندیشه های لنین در باره تجدید گروه بندی نیروهای طبقاتی که در جریان تحول انقلاب دموکراتیک به سوسیالیستی ناگزیر خواهد بود حائز اهمیت خاص است . این مسئله هنوز چنانکه باید و شاید در انطباق با تجربه کنونی مبارزه ضد امپریالیستی و ضد انحصار بررسی نشده است . مسئله امکانات بالقوه متحدین پرولتاریا و چگونگی آنها در مراحل گوناگون محتاج پژوهش های مشخص بیشتر است .

کورتیو — پرولتاریا و تمام نیروهای دموکراتیک فرانسه در مبارزه برای پیروزی دموکراسی پیشرو با مقاومت شدید ارتجاع داخلی که سایر نیروهای امپریالیستی هم از آن پشتیبانی میکنند روبرو هستند و این يك امر طبیعی است بخصوص اگر توجه شود که تضعیف انحصارات کشور که در اردوگاه امپریالیستی نقش مهم دارند چه عواقب مهمی در بردارد .

چگونگی رفتار طبقات و قشرهای غیر پرولتر در مبارزه علیه انحصارات ناشی از چگونگی جان آن در پلانک مناسبات تولیدی است . پرولتاریا نیروی قاطع جبهه موطنه ایست که دموکراسی پیشرو را مستقر خواهد ساخت . اکثریت دهقانان و روشنفکران متحدین اساسی آن هستند . حفظ این اتحاد و تقویت آن از طریق اجرای برنامه مشترک و تغییر بیش از پیش تناسب نیروهای جهانی بسود صلح و سوسیالیسم به طبقه کارگر امکان خواهد داد تا سرانجام برد شواری ها فائق آید و دموکراسی پیگیری برقرار سازد و بسوی سوسیالیسم پیش رود .

تحقق برنامه ضد انحصاری موجب تضعیف بورژوازی انحصاری و افزایش وزن و اعتبار سیاسی طبقه کارگر و جلب متحدین تازه بسوی آن خواهد شد ، برای گسترش دامنه ابتکار و مبارزه توده ها زمینه مساعد فراهم خواهد آمد و نقش رهبر پرولتاریا بیش از پیش تثبیت خواهد شد و در عین حال بهترین شرایط پدید میگردد تا اکثریت مردم فرانسه به ضرورت سوسیالیسم و توسعه ارتش مبارزان راه پیروزی انقلاب سوسیالیستی پی ببرند .

نیکولا — تشخیص چگونگی منافع غیریکسان و گاه متضاد طبقات و قشرهای اجتماعی گوناگون

که در مواد مختلف برنامه دموکراسی انقلابی منعکس است برای ارزیابی نیروهای محرکه انقلاب دموکراتیک ملی ضد امپریالیستی و تجدید گروه بندی های آنان در جریان گسترش این انقلاب اهمیت اساسی دارد . واقعیات نشان میدهند که هم روند یا گسترش انقلاب دموکراتیک ملی و به ویژه باروشن تر شدن محتوی ضد سرمایه داری آن گروه های مختلف بورژوازی شهروده - اعم از بورژوازی کهنه یا تازه - میکوشند جلوی پیشرفت بعدی را بگیرند . نمودار آن از جمله تصادم طبقاتی میان گروه های انقلابی صرفا ناسیونالیست و گروه دموکرات های انقلابی بیگانه است . این تصادمات در یک سلسله از کشورهای در حال رشد تشدید میشود . فرجام مبارزه آنان معلوم خواهد کرد که کشور چه راهی در پیش خواهد گرفت . دموکرات های انقلابی (مثلا نکرده) که به علائم حدت این مبارزه طبقاتی دیرین بپردازند کفاره آنها بسیار گران پرداختند .

فوکس - تجربه ارژانتین گواه برنا پیگیری و تزلزل دولت های گوناگون بورژوازی و خود بورژوازی است . این دولت ها نمیتوانند در جنبش آزاد پیختر ملی نقش مؤمن داشته باشند - به ویژه اکنون که تضاد های اجتماعی و مبارزه طبقاتی شدت یافته است . تثبیت نقش رهبری پرولتاریا و حزب آن در گروه مبارزه پیگیراید پولوژیک است . فعالیت معجزانه برای تشکیل جبهه واحدی شرکت تمام نیروهای دموکراتیک ضد امپریالیستی مبارزه قاطع علیه اپورتونیزم و ناسیونالیسم بورژوازی را که غالباً با نقاب سوسیالیسم پرده پوشی میشود و نیز علیه آنتی کمونیسم را ایجاد میکند .

ور بیسک - مسئله جنگی اشکال گذار به سوسیالیسم بعلمت تجدید گروه بندی نیروهای طبقاتی اهمیت فراوان کسب میکند .

جنگی انقلاب های سوسیالیستی در یک سلسله از کشورهای اروپائی نشان داده است که پرولتاریا در صورت پیدا اثر عوامل مساعد داخلی و خارجی میتواند از طریق مسالمت آمیز به حکومت برسد . حوادث شیلی نیز که حکومت خلق در آنجا با اتکا به قانون اساسی عمل میکند از این لحاظ شایان توجه است . بسیاری از احزاب کمونیست در این راه مبارزه میکنند . ولی این راضی مبارزه طبقاتی حاد و چنانچه ارتجاع مجبور کند توسل به قهر و وحشی قهر مسلحانه را ایجاد میکند .

نکالا - رهنمود های لنین درباره اتحاد توده های پیرامون شعار قیام مسلحانه که در کتاب " د تاکتیک " از آن سخن می رود امروز نیز در کشورهای که امکان راه مسالمت آمیز تصرف قدرت در آنها وجود ندارد اهمیت خود را حفظ میکند . جان مارکس فقید ضمن سخنرانی خود در کنفرانس سال ۱۹۶۹ مسکو خاطر نشان ساخت که در کشورها که توده های پیوسته با ترور و اعمال قهر و پرورده هستند " برای پیشروی راهی بجز مبارزه مسلحانه وجود ندارد " .

کورتیو - پیروزی دموکراسی ضد انحصاری در فرانسه از طریق مبارزه طبقاتی حاد میان نیروهای دموکراتیک و ارتجاعی بدست خواهد آمد . شرط اساسی این پیروزی وحدت کارگران و نیروهای ملی و دموکراتیک بر پایه برنامه مشترک است . گسترش بعدی دموکراسی پیشرو با اقدامات همزمان " از بالا " توسط دولت و دستگاف اقتصاد و اقدامات " از پایین " یعنی مبارزه توده های مردم همراه بود . تشکل و همبستگی و همکاری جوشی آنان عامل اساسی در هم شکستن مقاومت ارتجاع داخلی و خارجی خواهد بود . پراز تحقق برنامه مشترک مسئله برانداختن سرمایه داری در دستور روز قرار خواهد گرفت . ولی خصلت و فرجام این مبارزه همچنان به جنگی سطح رشد جنبش توده ها و تغییر تناسب نیروها

بود این جنبش‌ها بستگی خواهد داشت . بدینسان توده‌های مردم و در رأس آنان پرولتاریا و اتحاد و مبارزه آنان در تمام مراحل عامل قاطع خواهند بود .

فوکس - حزب کمونیست آوزانتین می‌کوشد برنامه خود را از طریق مسالمت آمیز عطفی سازد . ولی این امر استفاده از راه غیر مسالمت آمیز را نیز در صورتیکه الیگارشی مالکان بزرگ و انحصارات خارجی برای جلوگیری از تحقق اراده اکثریت عظیم مردم به قهر متوسل گردند منتفی نمی‌سازد . لنینیسم به ما می‌آموزد که باید برای استفاده از هر دو راه آماده بود . انتخاب هر یک از این راهها به چگونگی اوضاع و احوال تاریخی مشخص منوط خواهد بود . ولی مسئله عمده مبارزه فعات توده‌ها است که در هر دو راه باید انجام گیرد . باینجهت حزب ما شعار " اقدامات توده‌ای برای تصرف قدرت " را اعلام داشته است .

گروه پژوهشی برآنستکه در شرایط امروز بررسی اشکال گذار به سوسیالیسم را نمیتوان بدون توجه به وضع کنونی ماسین دولتی سرمایه داری انجام داد . لنین در سال ۱۹۰۵ ضمن اثبات صحت شعار قیام مسلحانه این نکته را خاطر نشان می‌ساخت : " قیام کلام بسیار مهمی است . دعوت به قیام دعوت بسیار جدی است . هر اندازه که نظام اجتماعی بغرنجتر میشود و سازمان قدرت حاکمه بر پایه عالیتری استوار میگردد و تکنیک جنگی کاملتر میشود بهمان اندازه پرهیز از اعلام سبکسرانه چنین شعارها بیشتر ضروری میگردد . . . در بکار بردن الفاظ بزرگ باید بصیرت و اندیش بود " (۱) *

بسیاری از احزاب مارکسیست و لنینیست با توجه به ناگزیری تجدید گروه بندی نیروهای طبقاتی در جریان گذار از مرحله دموکراتیک به مرحله سوسیالیستی برای تحقق امکان مسالمت آمیز شد انقلاب مبارزه میکنند و در همین حال رهنمود لنین را درباره آمادگی برای بکار بردن کلبه اشکال مبارزه پیوسته در مد نظر دارند .

مبارزه برای تحقق اندیشه لنین

درباره حکومت خلق

در لحظه معینی از تکامل بیهوشی روینای کهنه بر همگان
آهنگار میگردد . همه ضرورت انقلاب را تصدیق میکنند .
اکنون وظیفه ما آنستکه معلوم کنیم روینای نوین را چه
طبقاتی و چگونه باید پی افکنند .

لنین

تمام اتحاد های طبقاتی وسیعی که تحت رهبری پرولتاریا هستند در آخرین تحلیل يك هدف دارند و آن ایجاد شرایط لازم برای گذار به سوسیالیسم است . این هدف همانگونه که لنین در سال ۱۹۰۵ نوشته است از طریق ایجاد دولت انقلابی موقت بشرکت نمایندگان تمام طبقات علاقمند به حل دموکراتیک مساوی تحقق پذیر خواهد بود . ماهیت طبقاتی این دولت در روسیه دیکتاتوری انقلابی - دموکراتیک خلق بود که پرولتاریا و دهقانان عناصر عمد آنرا تشکیل میدادند .

جریان حوادث انقلابی در تمام مراحل بحران عمومی سرمایه داری صحت اندیشه لنین را ثابت کرده است . این مسائل از نظارت شورویک با تفصیل کافی بررسی شده است . آنچه که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته " مکانیسم " تحقق عملی اشکال گوناگون دولت انقلابی — دموکراتیک وطنی — دموکراتیک است .

کورتیو — حل این مسائل برای درک چگونگی طرق استقرار دموکراسی ضد انحصاری اهمیت فوق العاده دارد . خطوط کلی این دموکراسی در " برنامه دولت دموکراتیک وحدت خلق " که حزب کمونیست فرانسه اعلام داشته تصویر شده است .

هدف نظام دولتی دموکراسی پیشرو تضعیف و تخریب قدرت انحصارات است و این نظام در شئون اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی دموکراسی گسترده ای برقرار می سازد . دموکراسی پیشرو آنچنان نظام دولتی است که میکوشد خواسته های اجتماعی — اقتصادی توده های زحمتکش را بطور پیگیر تحقق بخشد . دموکراسی پیشرو آن نظام دولتی است که حاکمیت خلق را تحقق می بخشد و به مجلس ملی که بر پایه نمایندگی متناسب انتخاب میگردد برای نظارت بر کلیه شئون حیات اجتماعی حقوق واقعی تفویض میکند .

تمام این اقدامات توسط دولت وحدت خلق انجام میگردد . نیروهایی که در این دولت شرکت میکنند عبارتند از حزب کمونیست ، حزب سوسیالیست ، رادیکال های چپ و سایر نیروهای بیانگرمنافع قشرهای اجتماعی که از تسلط انحصارات زیان می بینند . بنیاد این حکومت بر همکاری نیروهای استوار است که استقلال خود را حفظ میکنند و در برابر مردم مودر برابر یکدیگر از حقوق یکسان برخوردارند .

دموکراسی پیشرو برخلاف دعای چپ روها " بهبود سرمایه داری " نیست . وحدت خلق اتحاد برای اتحاد سیاست سازشکارانه و رفرفریمستی از قماش " سانتر چپ " ایتالیانیت . دموکراسی پیشرو به گسترش دامنه ابتکار و مبارزه خلق کمک میکند ، نقش رهبری پرولتاریا را تامین مینماید و راه را بسوی سوسیالیسم هموار میسازد .

فوکس — برنامه حزب کمونیست آژانتین تشکیل دولت واقعه دموکراتیک را هدف خود قرار میدهد که توده های زحمتکش در آن برای رهبری حیات اقتصادی و سیاسی کشور شرکت فمسال خواهند داشت . این دولت چند حزبی و مرکب از نمایندگان طبقه کارگر و نیروهای اجتماعی دیگری خواهد بود که در آن برای اعمال امپریالیسم و برای ملاکان و سرمایه بزرگ جایی وجود نخواهند داشت .

نکالا — برخی از واحدهای جنبش جهانی آزاد بیختر بویژه در منطقه حاره آفریقا در باره وضع و نقش دولتی دموکراتیک در جریان دگرگونی های بنیادی اجتماعی تصورات مافوق طبقاتی یا ورا طبقات دارند بدین معنی که چنین دولتی را غالباً ارگان حاکمه ای برای " تنظیم تسوازن اجتماعی " و حفظ " صلح طبقاتی " می پندارند . لنین بی پایگی و خطر چنین نظریاتی را ثابت کرده است . همکاری دموکرات های انقلابی در دولت با احزاب کمونیست که بر پایه تحلیل طبقاتی عمل میکنند به رفع این نظریات نادرست کمک خواهد کرد . نمونه این همکاری حوادث اخیر عراق و سوریه است . مخالفان این اتحاد های سیاسی وسیع و دولت های ائتلافی اغلب به تجربه انقلاب روس استناد میورزند . علت چنین تصویری در بهترین حالات عدم اطلاع از چگونگی جریان مشخص تحول انقلاب بورژوا دموکراتیک روسیه به انقلاب سوسیالیستی است .

گاروشیانص — این مطلب کاملاً صحیح است . لنین دولت انقلابی موقت را ارگان جبهه
موتلفه نیروهای طبقاتی معینی میدانست که سیاحت توسط احزاب سیاسی خود به برنامه دگر
گونی های دموکراتیک تحقق بخشند . اصل چند حزبی در این اندیشه منعکس است . این
بهبود چوچه گناه بلشویک ها نبود که وقتی در فاصله میان انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و اکتبر ۱۹۱۷ برای
ایجاد چنین ارگانی امکانات لازم پدید آمد این اشخاص تحقق نپذیرفت . لنین پس از اکتبر هم
برای همکاری با " سوسیال رولوسیوتر " های چپ مبارزه میکرد . این اتحاد در دو ماه سال
۱۹۱۷ در سطح دولتی عملی شد ولی سپس در نتیجه شوروی " سوسیال رولوسیوتر " های چپ
برهم خورد .

امکان همکاری چند حزب در ارگان های حکومت ملی — دموکراتیک و ضد انحصاری اکنون
خیلی زیاد تر شده است . ولی همکاری در ابتدا همکاری . تجربه اسف انگیز فرمیستی شرکت
درد ولت های حافظ مالکیت سرمایه انحصاری دولتی نیز وجود دارد . در مقابل آن تجربه دیگری
هست با خصلت انقلابی که گرچه هنوز مقیاس کوچکی دارد ولی دامنه آن بر پایه ملک های مطروحه
در کتاب " دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک " گسترش میدهد بدین معنی که
نیروهای انقلابی در دولت‌هایی که تحت فشار پرولتاریا به انجام برنامه حداقل مشغولند ، شرکت
میورزند ، از منافع مستقل طبقه کارگر دفاع میکنند ، در دفع حملات ضد انقلاب مجاهدت میورزند و
تحت کنترل شدید حزب برای تحقق برنامه ای که در آخرین تحلیل سوسیالیستی است مبارزه
میکند . این اقدامات که " از بالا " انجام میگردد و پرولتاریا با مبارزه خود " از پایین " آنسرا
تقویت میکند موجبات گسترش دموکراسی را برای رساندن آن هدف نهائی فراهم میآورد . بدینسان
فشار انقلاب بعدی میرسد که دموکراسی پیگیرا زیکسو در جهت تبدیل به سوسیالیسم پیش میرود و
از سوی دیگر خواستار سوسیالیسم است (۱) .

لنینیسم که تئوری ویراتیق: انقلاب اجتماعی پرولتاریا است مبارزان انقلابی را به سلاح
نیرومند شناخت پروسه های گذار به سوسیالیسم و چگونگی مراحل مبارزه مجهز میازد . لنینیسم
پهوسته تکامل میدهد و محتوی آن غنی تر میگردد . آموزش انقلاب دموکراتیک در دوران گذار از
سرمایه داری به سوسیالیسم و فروپاشیدن سیستم استعمار ، تئوری دموکراسی توده ای و ملی و سپس
نظریه دموکراسی ضد انحصاری — چنین است برخی از مراحل تکامل سیستم نظریات لنین .
پژوهش مشترک نشان داد که این نظریات با تمام تمایزات خود ، بر بنیاد اندیشه های لنین در
باره تحول جنبش های دموکراتیک به جنبش های سوسیالیستی پدید آمده و در دوره مبارزه انقلابی
آب دیده شده اند . چگونگی این تحول در کتاب " دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب
دموکراتیک " بتفصیل تشریح گردیده است . احزاب کمونیست با تفحص اشکال نوین جنبش و واری
صحت آنها در جریان عمل انقلابی به اصل لنینی دگرگونی های بنیادی ترقی خواهانه تحقق می
بخشند . این دگرگونی ها " در مجموع خود و در جریان تکامل خود " گذار به سوسیالیسم
هستند (۲) .

(۱) — لنین ، جلد ۳۳ ، ص ۷۸ .

(۲) — لنین ، جلد ۳۱ ، ص ۵۶ .

لنینیسم قطب نما و مطمئن چراغ راه انقلابیون درد و زمین نیمه سده بیستم است . این انقلابیون تکمیل و تکامل اصول تاکتیکی و استراتژیک جنبش جهانی کارگری را وجهه همت خویش قرار داده اند .

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
 «مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
 کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
 اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
 اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
 جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال
 آلمان، اندونزی، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا،
 ایران، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان،
 بلیوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، چکسلواکی،
 دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سوئیس،
 شیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس،
 کانادا، کلمبیا، لبنان، لوکزامبورگ،
 مجارستان، مغولستان، ونزوئلا، هندوراس،
 هندوستان، یونان .

International Affairs

Selected articles from
the Review of the Communist and Worker Parties
for Theory and Information
1972 No 1 (61)

Price in :

U.S.A.	0.30	dollar
Bundesrepublik	1.00	Mark
France	1.50	franc
Italia	200.00	lire
Österreich	7.00	schilling

اشتراک سالانه ۱ مارک آلمان غربی یا معادل آن

Annual Subscription 6 West German Mark or
its equivalent

شماره حساب بانکی مجله " مسائل
بین المللی"

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: O 400 126 50
Dr. John Takman

خوانندگان عزیز!

باین آدرس با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

مجله «مسائل بین المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱ و ۲ (رانویه - فوریه) سال ۱۹۷۳ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

Druckerei des Verlages " Rude Pravo "

P R A H A